



ویژه نامه ششمین سالگرد تاسیس

انسان شناسی و فرهنگ

مجموعه یادداشت های مدیران، همکاران، نویسندگان و خوانندگان

مهر ماه 1390

تهیه و تنظیم

یاسمن اوحدی

در مهر ماه 1390 «انسان شناسی و فرهنگ» پنجمین سال تاسیس خود را پشت سر می گذارد و با نزدیک به چهار میلیون بازدید در طول این مدت و طیف بازدید روزانه بین 2500 تا 6000 و رده بین 100 تا 160 هزار در آکسا، جایگاه خود را به مثابه یک وبگاه علمی – ترویجی تثبیت می کند. بازدید کنندگان انسان شناسی و فرهنگ امروز از بیش از هزار شهر و پنجاه کشور در جهان به آن وارد می شوند. این موفقیت را تا هر زمان که ادامه یابد، باید به مدیران، نویسندگان و خوانندگان خود تبریک بگوئیم و آن را بدون هیچ شک و تردیدی حاصل تلاش و علاقمندی و کمک های آنها بدانیم. انسان شناسی و فرهنگ تاکنون توانسته است به بخش بزرگی از اهداف اولیه خود یعنی گرد هم آوردن گروه های فکری و اجتماعی گوناگون برای همکاری و هم اندیشی در راه فرهنگ، خارج از حلقه های محفلی و یا ایدئولوژیک و ایجاد غرضه برای به اشتراک گذاشتن اندیشه ها و دادن فرصتی برای نوشتن و اندیشیدن و رشد در فرایند کنش فکری، دست بیابد بی آنکه نه خواسته باشد به یک به بانک مقالات تبدیل شود و نه به جایگاهی برای جهت دهی و سوگیری سود یا زیان این و آن.

در آستانه ششمین سال فعالیت این سایت و اقدام جهت تاسیس «موسسه انسان شناسی و فرهنگ»، فعالیت های ما در زمینه های مختلفی چون برگزاری همایش ها و دوره های آموزشی و نشست های علمی و انتشار ویژه نامه ها که از سال های پیش آغاز شده اند، امسال نیز افزایش یافته و گسترش پیدا خواهند کرد. تاسیس «مرکز اسناد و تاریخ فرهنگی» یکی از این اقدامات است که با خبرهای جدید دیگری در سال جدید فعالیت بزودی به صورت مفصل به اطلاع خوانندگان می رسد. انسان شناسی و فرهنگ از امسال برای گسترش فعالیت های خود در همه زمینه ها، در عین آنکه اصل را بر فعالیت داوطلبانه همه اعضای خود می گذارد، نیاز به کمک های مالی و سایر کمک های اعضا و خوانندگان دارد تا بتواند این شبکه را به صورت رایگان حفظ کرده و به اشتراک گذاشتن و ایجاد زمینه فعالیت و در نتیجه رشد و توسعه آگاهی اجتماعی و فرهنگی را حفظ کند. و در این زمینه اطمینان داریم که دوستان ما را تنها نخواهند گذاشت.

علاقه بسیاری از فرهنگ دوستان خود را به صورت ابتکار های خود جوشی چون تاسیس صفحه «انسان شناسی و فرهنگ» در شبکه فیس بوک به این آدرس:

<http://www.facebook.com/pages/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86-%D8%B4%D9%8...>

و صفحه «انسان شناسی و فرهنگ» در شبکه ویکیپدیا به این آدرس:

<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%...>

نشان داده است که از این بابت باید از این دوستان تشکر کنیم. تبدیل انسان شناسی و فرهنگ به مکانی برای تبادل اندیشه و عرضه افکار و پژوهش ها و ارائه اخبار و رویدادهای فرهنگی و گزارش آنها و ایجاد رابطه میان دانشگاہیان، روشنفکران و دانشجویان و نویسندگان هدفی بوده است که ما داشته و داریم: به گمان ما اعتلای فرهنگی و بهبود موقعیت های زندگی اجتماعی بی تردید از راه به اشتراک

گذاشتن و گسترش هر چه بیشتر فرهنگ و دانش امکان پذیر است و نهادهای رسمی و حرفه ای آموزش رسمی نمی توانند این کار را به تنهایی انجام دهند. در همه جای دنیا، دانش رو به دموکراتیزه شدن دارد و زمان آن فرا رسیده است که ما نیز واقعیت بین رشته ای شدن، دموکراتیزه شدن و زیر و رویی در تولید، انباشت و توزیع دانش را بپذیریم و برای آن راه های ابتکاری بیابیم. هم از این رو انسان شناسی و فرهنگ از تمام علاقمندان به حوزه های فرهنگی گوناگون ایرانی و غیر ایرانی تقاضا می کند به ما در این راه با نوشته ها، پژوهش ها و کمک های دیگر خود یاری رسانند.

این ویژه نامه در 150 صفحه حاوی نزدیک به یک صد یادداشت از دوستان ما است، اما به دلیل تعطیلات تابستانی و عدم دسترسی به بسیاری از همکاران نام آنها و نه جایشان در این مجموعه خالی است که امیدواریم به تدریج یادداشت های آنها به مجموعه افزوده شود. از این رو از همه دوستان و همکارانی که نتوانستند در این ویژه نامه در زمان مقرر مشارکت کنند، خواهشمندیم در صورت تمایل و برای نسخه بعدی آن که در صورت نیاز تا یک ماه دیگر منتشر می شود، یادداشت های خود را برای ما ارسال کنند.

شش سال با «انسان شناسی و فرهنگ»: باغچه ای برای نفس کشیدن، دوستی برای بازیافتن، اندیشه ای برای آموختن



آخرین روزهای شهریور هر سال، برای ما یاد آور روزهایی است که این سایت قدم های نخست خود را آغاز کرده بود تا کاری را شروع کند که بسیاری، باوری به آن نداشتند و هنوز هم ندارند: اینکه می توان سلسله مراتب و تقسیم بندی های اغلب بی معنا، ناعادلانه، ایدئولوژیک، هژمونیک، خود شیفته و دستکاری کننده علمی و اجتماعی که به ما تحمیل می شوند را کنار گذاشت و برخلاف تمام ادعاهایی که درباره ناممکن بودن کار جمعی، غیر محفلی، سالم و صمیمانه میان جماعتی از کسانی که صرفا دوست دارند دانش خود را با دیگران شریک شوند و از دانش دیگران بهره بگیرند، به چنین اهدافی دست یافت. در تمام این سال ها، اما، همه دوستانی که در انسان شناسی و فرهنگ بدون کوچکترین امکان مالی، سایتی با گستره ای بی نظیر و مخاطبانی بی مانند در زبان فارسی در سراسر جهان (بیش از 1000 شهر از 50 کشور جهان با نزدیک به چهارمیلیون بازدید) تاسیس کردند، برغم تمام انرژی های منفی که از همه سو دریافت کردند، به کار خود ادامه داده و تا زمانی که بتوانند خواهند داد. انسان شناسی و فرهنگ برای ما همچون زندگی است، معجزه ای که باید از آن بهره برد و در آن شریک شد بدون آنکه انتظار داشت ابدیتی را در خود حمل کند. ممکن است ما دیگر فردا با هم نباشیم، همان طور که ممکن است زندگی فردی ما هر لحظه از میان برود. اما این دلیلی برای آن نیست که از زندگی تا زمانی که از آن برخورداریم بهره نبریم.

بسیاری از دوستان ما، می گفتند و می گویند که گرفتاری های زندگی، غم نان، شرایط نامناسب، دغدغه های بی شمار آنها را از کار کردن و نوشتن باز می داشته یا باز می دارد. و ما بارها و بارها تکرار کردیم و می کنیم که این حکایت انسانی است که گرفتار تمام بندها و سختی ها شده باشد، اما از لحظات فراغتی که می تواند در همین موقعیت هاب نامناسب داشته باشد، نیز خود را بی بهره بگذارد. مشارکت در انسان شناسی و فرهنگ بی شک نمی تواند گرفتاری های مالی و مادی و غیر مادی و احساسی و ... ما را حل کند، اما می تواند به تحمل آنها کمک بزرگی بکند.

بارها گفته ایم و باز هم می گوئیم که بزرگترین آثار خلاقیت بشری، در سخت ترین شرایط مادی تولید شده اند، زندگی کسانی چون وان گوگ را به یاد بیآوریم که امروز هر یک از تابلوهایش صدها میلیون دلار قیمت دارند اما در زمان حیاتش کسی حاضر نبود در برابر آنها یک بشقاب غذای گرم به او بدهد؛ موتزارت که در فقر و تنگدستی و در بی تفاوتی مردم وین نسبت به موسیقی اش و روی برگردانی

همسرش، که عشق بزرگ زندگی اش بود، در جوانی از دست رفت، اما میراث بی مانندی از خود بر جای گذاشت؛ از بزرگان ادب خودمان، از سعدی و حافظ و فردوسی بزرگ گرفته تا بهار و فرخی یزدی، از امیرکبیر تا مصدق بیاموزیم، که همه ما تقریباً همه چیزمان از زبان فارسی تا ادب و فرهنگ و ساختارهای دولتی و سازمان یافتگی اجتماعی و ثروت و موقعیت مادی امروز مان را مدیون آنها هستیم، اما همه آنان در بدترین شرایط زندگی خود را سرکردند و به پایان رساندند و در واقع به دست مردمانی نادان از میان رفتند.

بسیار می شنویم که دانشجویان و گاه اساتید ما افسوس می خورند که چرا به سوی علوم اجتماعی آمده اند، غافل از اینکه اگر دانشی بتواند جهان کنونی را از بحرانی که درونش اسیر و سردرگم است نجات دهد، همین علوم هستند و اگر اصولاً چنین بحران عظیمی به وجود آمد به دلیل آن بود که مدرنیته اروپایی که خود حاصل علوم انسانی بود، سرنوشت خود و سپس جهان را به دست فناوری و فناوری سپرد که دیدگاه هایشان در سطح ابزارهای مکانیکی شان محدود می شد و هنوز هم به جای یافتن راه های مناسبی برای خروج از بحران به دنبال فرمول های معجزه آسای ریاضی و راهکارهای مهندسی هستند. می گویند دانشجویان و گاه اساتید علوم انسانی و اجتماعی ما یکدیگر را قبول ندارند و رشته های یکدیگر را نیز، و حرف درستی است، اما ما باید به سطحی از آگاهی برسیم که بدانیم علوم اجتماعی و انسانی در جهان در یک کشتی واحد و در کشور ما در قایق واحدی قرار دارند که بر دریایی طوفانی در حال حرکت است و این برخوردهای کودکانه جز افزودن بر بحران کمکی به هیچ کس نمی کند. آگاهی بی شک ما را به ایمان نسبت به دانش اجتماعی خود و امتیاز های رهایی بخش آن می رساند.

هم از این رو است که «انسان شناسی و فرهنگ» از روز نخست تا امروز برای ما حکم گوشه ای سبز، باغچه ای دلپذیر، مکانی بی آلایش را داشت و دارد، فضایی که بدون چشم داشت مالی و شهرت و ایدئولوژی پرستی می توان در آن دوستانی را یافت که پای سخنشان نشست، دانش و فرهنگ هایی را یافت که نمی شناسیمشان، هنر را یافت و زیبایی جهان و زندگی را. بیائیم و خود را به بهانه هایی واهی از این امتیاز محروم نکنیم و بهتر بگوئیم از ترس مردن، به خودکشی پناه نبریم. «انسان شناسی و فرهنگ» متأسفانه هنوز نه می تواند زندگی مادی کسی را تامین کند و نه درمانی باشد بر دردهای واقعی همه ما، اما می تواند به ما امکان دهد که مرهمی ولو کوچک بر این دردها بگذاریم. «انسان شناسی و فرهنگ» می تواند درهای خود را به سوی همه علاقمندان فرهنگ بگشاید و این درها را همواره گشوده نگه دارد، بی آنکه شهرت و مدرک و قدرت داشتن را معیار ورود به خود بگیرد. امروز در آستانه ششمین سالگرد این سایت، همچون روز نخست و بی شک بیشتر از آن روز، باز هم بر آن هستیم که در این باغچه کوچک نباید جای و مکانی تعیین شده برای بالانشین ها و پایین نشین ها وجود داشته باشد، جایی برای خواص و جایی برای عوام. این باغچه که شاید روزی به باغی سرسبز تبدیل شود، جایی است که هر کس بتواند در آن لحظه ای، ساعتی یا روزی همچون در یک کاروانسرای قدیمی، خانه ای باستانی، یا فضایی مدرن و امروزی، در دانش دیگران سهیم شود و دانش خود را با دیگران تقسیم کند، آگاهی خود را افزایش دهد، پژوهش های خود را به سامان برساند، ایده بگیرد و بتواند کار های سازنده خویش را به پیش برد.

در این سال ها، میلیون ها صفحه از این دانش بدون هیچ هزینه ای در اختیار همگان قرار گرفته است و هر روز هزاران نفر باز هم به این مکان سر می کشند، از آن بهره می برند و بدان بهره می دهند، اما خود نیز در چنین مشارکتی خویشتن را می سازند و شکوفایی می یابند. جای آن هست که از همه این

دوستان به پاس وفاداری شان، به پاس باورشان به آنچه شاید باور پذیر نبود تشکر کنیم. و به ویژه از همه اساتید غیر ایرانی و دوستان دانشگاهی ایرانی مقیم خارج از ایران که نام و اندیشه ها و کارهای خود را برای اعتبار بخشیدن به این سایت به آن داده اند: حضور این نام ها که در پشت هر یک از آنها دنیایی از اعتماد و علاقمندی و انسانیت وجود دارد برای ما یکی از بزرگترین پشتوانه ها است .

و اما در انتها، سخنی هست که هر اندازه آن را تکرار کنیم، چیزی را از دست نداده ایم اما هر بار امید را در دلهایمان زنده خواهد کرد:

آینده از آن کسانی است که، فراتر از موقعیت کنونی و شرایط ولو سهمگین وجود فیزیکی خود، به آن باور داشته باشند. پس به آینده خود و به آینده «انسان شناسی و فرهنگ» در همین قالب و یا در هر قالب دیگری، به آینده این باغچه فرهنگی در اینجا و یا در هر جای دیگری، ایمان داشته باشیم و برای ساختن و باز ساختن هر روزه آن تلاش کنیم.

یادداشت ها



اگر "ملال بود" سایت "انسان شناسی و فرهنگ" نبود

شکوفه آذر

روزنامه نگار - استرالیا

فراخوان یادداشت در ششمین سالگرد "انسان شناسی و فرهنگ" که چندی پیش به دستم رسید، ناگهان مرا به خود آورد که "چه زود دیر می شود".

به یاد دارم که نخستین ایده های راه اندازی سایت "انسان شناسی و فرهنگ" همزمان بود با همکاری من در صفحه فرهنگ یکی از مطبوعات: زمانی که تلاش داشتیم تا تعریف تازه ای از صفحه فرهنگ در نشریات روزانه ارائه دهیم که البته مانند اغلب ایده های نو در عرصه مطبوعات ایران با بن بست مواجه شد.

دغدغه در نخستین روزهای راه اندازی این سایت این بود که آیا در کنار مشغله های متعدد، "توان" راه اندازی و تداوم و تقویت سایتی در این زمینه وجود دارد؟ "ملال" در آن روزها، دامن همه را گرفته بود. "ملال" از تلاش های بی حاصل! اما من می دانستم و گذر این 5 سال ثابت کرد که توانایی های مدیریت این پایگاه برای تبیین و تقویت علم انسان شناسی در ایران، به خاطر انگیزه های علمی و انسانی بی پایان است. انگیزه هایی که بر هرگونه ملالی، چیره می شود.

اینکه چرا این سایت علمی - فرهنگی جزو معدود سایت های علمی است که نه تنها در نیمه راه "رها نشد" بلکه روز به روز قوت بیشتر و تشکل بهتری گرفت، همگی مدیون پشتکار و ایمان مدیریت این سایت در راهی است که آن را از سالها پیش در زمینه تبیین و تقویت علم انسان شناسی در ایران، آغاز کرده است. نویسندگان این سایت در ابتدا محدود و محدود به برخی از

دانشجویان بودند اما امروز مروری گذرا به صفحات مدیران و همکاران سایت نشان می دهد نویسندگان صاحب نام و قلم معتبر دیگری نیز به جمع همکاران این پایگاه اضافه شده اند.

پس از این، عامل دیگری را که می توانم برای بقا و تقویت این سایت علمی - فرهنگی بشمارم، انتشار مقاله هایی با طیف متنوع و گسترده و زبان و قلم علمی و به دور از قضاوت های افراط و تفریطی یا جانبدارانه، در این سایت است؛ آنچه که باعث می شود خوانندگان سایت - از جمله خود من - تنها وقتی به سراغ این سایت بیایند که بدانند زمان و فرصت مناسب و کافی برای مطالعه در این سایت دارند. زیرا اغلب مقالات این سایت، مقالاتی نیستند که بتوان سرسری از کنار آن ها گذشت یا فقط به خواندن یک - دو تا از آنها قانع شد. خواننده باید فرصت کافی برای خود فراهم کند تا از مقاله ای به مقاله ای دیگر برود و از زمینه ای به زمینه دیگر بگردد تا بتواند سیراب و راضی از پشت کامپیوتر کنار برود. برخی از مقالات بسیار خواندنی و علمی ای که در صفحات دین، اسطوره شناسی، جنسیت و باستان شناسی قرار دارد، از این دسته اند. به این ترتیب است که می توان مقالات بحث انگیز و پرکشی را در این سایت دید که در برخی مواقع انتشار آن در فضای علمی و فرهنگی ایران، جسورانه به نظر می رسند. تنها علت آن، ادبیات خونسرد و علمی ای است که برای مقالات انتخاب شده است. بحث های متنوع درباره جنسیت، قومیت و مذهب از جمله این موضوعات هستند. موضوعاتی که همواره برای طرح آنها در ایران باید احتیاط لازم را به خرج داد.

در پایان پیشنهادی برای راه اندازی شاخه ای تحت عنوان یا با موضوع "انسان و متافیزیک" یا "تحقیقات علمی مدرن در زمینه رابطه "انسان و متافیزیک" دارم. این شاخه اگر چه در ظاهر می تواند جزو یکی از شاخه های "علم" یا "دین" قرار گیرد اما در حقیقت بحثی میان شاخه ای و مدرن است که نه در دیدگاه های مرسوم و کلاسیک علم می گنجد و نه دیدگاه های متعارف دین. نمونه عالی این زمینه را می توان در کتاب "جهان هولوگرافیک" مایکل تالبوت، ترجمه داریوش مهرجویی، جست و جو کرد. در این کتاب نویسنده سعی دارد تلاش های

آزمایشگاهی و علمی دانشمندان معاصر را برای به دست آوردن "تعریف تازه ای از علم و تاثیر ذهن بر جسم" نشان دهد.

این کتاب نشان می دهد که به نظر جهان مادی ما و تلقی ساده ما از این جهان، دیگر عرصه ای دندانگیر برای جویندگان راه حقیقت نیست و از این رو دانشمندان فیزیولوژی اعصاب، روانشناسان، فیزیکدانان و بخصوص اخترفیزیک دانان در تلاش هستند تا برای شناخت حقایق انسان و هستی - که تا کنون دقیقاً علم مرسوم و مقبول، مانع کشف یا انتشار آنان شده است - در مورد توانایی های انسان و کشف ناشناخته های جهان انرژی یا متافیزیک، آزمایش های تازه ای انجام دهند و از نتایج حیرت انگیز آن، نهراسند. نتایجی که گاه همه تلقی های مرسوم در زمینه ماده و فراماده را در هم می شکند و فضای تازه ای برای تعریف جدید از حقایق هستی و بخصوص انسان، پیش پا می گذارند.

shokoofeh.azar@gmail.com



منبعی غنی از اطلاعات

رویا آسیایی

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان شناسی ، دانشگاه تهران

همکار صفحه انسان شناسی کاربردی

انسان شناسی و فرهنگ برای من به عنوان دانشجوی علوم اجتماعی اولاً منبعی غنی از اطلاعات در گستره ای وسیع از موضوعات است که ورای حدود زمان و مکان همواره در دسترس است. ثانیاً فضایی است برای انتشار حاصل پژوهشها. پژوهشی که در گوشه ی کتابخانه ای جا خوش کند و مجالی برای خوانده شدن و در بوته ی نقد قرار گرفتن نداشته باشد هرگز نمی تواند

پژوهشگر را در پیشبرد اهداف علمی و ارتقای روش های تحقیق کارآمد یاری کند. در جامعه ی علمی کشور جای خالی فضایی که یافته های حوزه ی علوم اجتماعی را در ابعاد قابل قبول منتشر نماید به شدت احساس می شد. موضوع پژوهش انسان شناسی و کلاً علوم اجتماعی مردم و فرهنگ آنان است در جهان امروز که دانش صرفاً در انحصار دانشگاه نیست و مشارکت در تولید علم اساس دانش است، انسان شناسی و فرهنگ به مدد فناوری نوین ارتباطی زمینه ی انتشار سریع و دامنه دار پژوهش های علمی و امکان نقد و داوری نتایج تحقیقات را میسر نموده است. بازخورد این اطلاعات در نهایت بالندگی علمی را در پی دارد. ارزشمندترین خدمت انسان شناسی و فرهنگ به جامعه ی علمی کشور، ایجاد بستر تعامل و ارتباط میان محققان است در عصری که رشد علوم بین رشته ای مستلزم هم فکری و تبادل نظر متخصصان عرصه های گوناگون علمی است.

در آستانه ی ششمین سال آغاز فعالیت انسان شناسی و فرهنگ لازم می دانم به نوبه ی خود از کلیه ی دست اندرکاران این پروژه ی عظیم و مدیریت محترم سایت تشکر کنم که با دانش به روز و اندیشه ی دورنگر خویش دانشجویان و محققان علوم اجتماعی را از چنین فضایی برای تولید و انتشار دانش بهره مند ساختند. امید است با ادامه ی فعالیت های انسان شناسی و فرهنگ شاهد رشد و اعتلای هرچه بیشتر علمی و فرهنگی ایران باشیم.

Roya_asiaei@yahoo.com



جایگاهی برای دانش اقوام

قاسم منصور آل کثیر

پژوهشگر در حوزه فرهنگ خوزستان

همانگونه که در فراخوان آمده بود اعتلای فرهنگی و بهبود موقعیت های زندگی اجتماعی بی تردید از راه به اشتراک گذاشتن و گسترش هر چه بیشتر فرهنگ و دانش امکان پذیر است و نهادهای رسمی و حرفه ای آموزش رسمی نمی توانند این کار را به تنهایی انجام دهند.

اگر از هزاران سال پیش تا امروز کتب مقدس، ادبیات و شعر فارسی، کوردی، گیلکی، عربی، بلوچی، ترکی و... به ما منتقل نشده بود ما امروز شبیه به آدم های گنگی بودیم که نه خودمان را می شناختیم و نه دیگران را، درست مثل آدم هایی که دچار از دست دادن حافظه شان شده باشند. بنابراین هیچ چیز پر ارزش تر از این دستاوردهای فرهنگ غیر مادی برای ما وجود ندارد. اما برای حفظ و تداوم بخشیدن به این دستاوردها که کاری خود به خودی نیست، ما باید ابزارها و اندیشه ای بسیار هوشمندانه داشته باشیم. انسان شناسی و فرهنگ یکی از منابر و منابعی برای ترویج و توسعه فرهنگ حال و آینده است. و در آینده نه چندان دور این تارنما همچون دیگر متونی که اشاره شد، باعث شناخت خود و دیگری در حال و آینده می شود.

شاید در حال حاضر نیاز به مطالعه هویت قومی / محلی در کنار دیگر مطالعات بیش از پیش در جامعه ما محسوس تر شده باشد. باید توجه داشت بدون توجه به سطوح خردتر که به نوعی نشانگر سطوح واقعی تر و ملموس تر جامعه هستند، دستیابی به تحلیل های معتبر و قابل اتکا در زمینه گوناگون اجتماعی کامل نخواهد بود. راه اندازی صفحات مختلف در سال گذشته برای

فرهنگ های مختلف یکی از نقاط قوت این سایت بود که قدرت تحلیل فرهنگ ها را برای تحلیل گران ساده تر کرد. معرفی و برجسته سازی انواع دیدگاه های فرهنگی و هویتی موجود در درون یک گروه قومی به طور بلقوه این موقعیت را فراهم ساخته تا اعضای گروه بیش از پیش با یکدیگر آشنا شوند. همانطور که میدانیم شناساندن فرهنگ اقوام مختلف مسیر چندگرایی فرهنگی، همزیستی و تقارب را به ثمر خواهد داشت.

باید توجه داشت که توسعه انسانی و توسعه فرهنگی بسیار مهم تر از توسعه فناورانه و اقتصادی است و چنین توسعه هایی نیز باید بنا بر فرهنگ های مختلف تعاریفی متفاوت داشته و به صورت انعطاف آمیزی به عمل درآیند، انسان شناسی با معرفی فرهنگ های مختلف در بخش های مختلف این تارنما توانسته مسیر توسعه فرهنگی دیگر فرهنگ ها را هموارتر کند. در بخش های مختلف فرهنگی و قومی شاهد مقالات ارزنده هستیم که نویسندگان و اعضای انسان شناسی و فرهنگ بی هیچ چشم داشتی آن مقالات را به این موسسه خیریه هدیه می دهند. معرفی این سایت در شبکه های اجتماعی و دانشنامه های معتبر همچون ویکی پدیا، همه و همه نشان از قدرت و مثمرالثمر واقع شدن اهداف این موسسه است. همواره شاهد آن هستیم که اعضای نویسنده با کارهای گروهی سعی در ساختن موقعیتی بهتر برای این سایت هستند. بنده نیز به عنوان یک عضو کوچک از این موسسه خوشحالم که توانستم برای اندکی که شده بخش فرهنگ خوزستان و عرب را گسترش دهم. امید که در ششمین سال فعالیت این موسسه بتوانیم با همکاری دیگر اعضا و دوستان نویسنده با تمام وجود این بخش ها را هر چه بیشتر گسترش دهیم. در اینجا لازم میدانم که از تلاش تمام مدیران و نویسندگان این سایت تقدیر و تشکر به عمل آورم.

اهواز - تابستان ۱۳۹۰

Alkasir_khoneifar@yahoo.com



اندیشه ای در پشت برگهای پنهان

محمد احسانی

فیلمساز

من به عنوان یکی از خوانندگان و اعضاء مجموعه انسان شناسی و فرهنگ و از آنجایی که فیلمساز هستم و به تصویری اندیشیدن عادت کرده ام و یا بهتر بگویم خو گرفته ام ؛ می خواهم یادداشتی تصویری را در پنجمین سالگرد تاسیس آن بنویسم . اما این نوشتن پیوسته توام با هراس و اشتیاقی بسیار برایم بوده است. هراس از سایه ای که به هنگام نوشتن همینطور روی کاغذ قد می کشد و از دیوار ذهن تو بالا میرود و اشتیاق از حسی شگرف که در پایان نگارش تو را فرا میگیرد و تو را برای لحظاتی صاحب دنیایی می کند. آن هم در این جهانی که تصویر گران و رویا پردازان بزرگ سقف آسمان آبی اش را همچون بومی بزرگ خط زده اند.

در این میان دنیای را که تارکوفسکی در ایثار و در این آخرین اثرش که براستی وصیت نامه معنوی این هنرمند نامیده شده است، آفریده است بسیار دوست می دارم و همینطور جادوگری را که عشق بازی با او در شبی تاریک جهانی را از نابودی نجات خواهد داد!

تمام این دنیا های رنگین و کودکانه تو را به سوی سرزمینی رهنمون میشوند که در آن اندیشه ای در پشت برگهای پنهان را شاهد خواهی بود...

mohehsani@hotmail.com



پنج سال سرشار از شکوفایی و ثمربخشی

شیرین احمدنیا

دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر صفحه انسان شناسی و جامعه شناسی پزشکی و سلامت

عجب! پس پنج سال گذشته است و "انسان شناسی و فرهنگ" در آستانه ی ششمین سال زندگی پربار خود قرار گرفته است. البته من از نیمه ی راه به جمع دوستان و همکاران و موسس فرهیخته ی این سایت پیوسته ام، و به عنوان مسئول صفحه ی "انسان شناسی و جامعه شناسی پزشکی و سلامت" توفیق و افتخار همکاری پیدا کرده ام. امتیاز این سایت، که شوق همکاری را بر می انگیزد به نظرم، هم از این بابت بوده است که به وقت خود، با نوآوری، فضای بیکرانه ی دنیای مجازی و تکنولوژی رسانه ای مدرن را به خدمت نشر علم و میراث فرهنگ ایرانی و جهانی گرفته بود و هم، از این باب که خوان گسترده و گشوده ای بوده است که هر کس به فراخور استعداد، انگیزه، علاقه، دانش و هنرش می توانسته است در آن حضوری مفید و موثر داشته و سهمی خلاقانه و مشارکتی پرثمر را بدون نگرانی از انواع موانع و مرزبندی های مصنوعی دنیای آکادمیک سنتی متحقق کند؛ هم خود، به گنجینه ی دانش و هنر و فرهنگ انسانی بیافزاید و نیز، از هرآنچه در این گنجینه ی غنی با رشد فزاینده با همه ی تنوع، تکثر و الوانی جذاب آن از طریق سایر صاحبان هنر و دانش و اندیشه، فروتنانه اندوخته شده، به آسانی و بی واسطه، بهره مند شود. برای تداوم حیات پر افتخار این مجموعه، و کسب موفقیت های بیشتر دست اندرکاران و حامیان و همکاران این سایت، در سالهای آتی، مشتاقانه آرزومندم و به سهم خود همچنان خواهم کوشید. تبریک صمیمانه ی من نثار همه ی دوستان و همکاران مجموعه ی غنی انسان شناسی و فرهنگ. همچنان پایدار و پیروز باشید.

shirin.ahmadnia@gmail.com



انسان شناسي و فرهنگ به مثابه انسان شناسي و فرهنگ

بهنام اخوت پور

مدیر و عضو گروه فرهنگی - اجتماعی کیانا (ساماندهی و آموزش
به کودکان کار کرج)

چند سالی است که از انتشار و حضور رسانه ای قوی در زمینه علوم انسانی می گذرد. سایت انسان شناسی و فرهنگ، اولین جایگاهی بود که به صورت فراگیر بین محققین و دانشجویان علم انسانی به خصوص رشته انسان شناسی و مردم شناسی باب شد و اینان به سهولت قادر بودند مقالات علمی اما به دور از سبک های علمی رایج و خشک را ملاحظه و در وادی انسان شناسی و مطالعات فرهنگی ایران و جهان قدم بزنند. از این روی حضور این سایت در عرصه رسانه و جهان دیجیتال به فال نیک گرفته می شود. وجود صدها مقاله علمی- ترویجی، علمی-پژوهشی، یادداشت، معرفی و نقد کتاب، نظریات مختلف علوم انسانی، مآخذشناسی، حوزه های فرهنگی مختلف، واژه نامه و نیز معرفی و تحلیل روش های مختلف انسان شناسی از جمله بخش های ناب این سایت جهت استفاده علاقه مندان عام و یا خاص بوده است.

از زاویه دیگر نیز حضور این سایت فتح باب جدیدی در روابط استاد و شاگردی در میهن عزیزمان ایران بود. ارتباط موثر و انتشار دیدگاه های اساتید برجسته مردم شناسی و انسان شناسی و نیز دانشجویان و نیز ارتباط آسان و دو طرفه و به دور از یک رابطه بالا به پایین در جهت دستیابی به تعاریف و مفاهیم درست این علوم خود یک ویژگی قابل تامل بود که در فضای خشک و یک دست موجود و خالی بودن فضای اینترنتی از اساتید و نوشته ها و دیدگاه های هر یک، به خوبی لمس شد.

به هر حال امروز که در آستانه ششمین سالگرد تولد سایت انسان شناسی و فرهنگ قرار داریم، امید می رود این سایت همچنان با رویه خوب و سریع خود و با اصلاح برخی اغلاط تایپی و دسترسی به فایل اصلی مقالات که در برخی از صفحات با وجود ذکر جمله "جهت دسترسی به این مقاله فایل زیر را دانلود نمایید" اما خبری از لینک و فایل مذکور نیست، بتواند مطالب ارزنده خود را بیش و بهتر از گذشته به مخاطبین ارائه دهد.

behnam8770@gmail.com



از تجربه زندگی

مهرداد اسکویی

عکاس و مستند ساز

مدیر صفحه عکس و فیلم مستند

برای من عکاس و فیلم ساز مستند تولید تصویر از تولید متن راحت تر است و نیز طراحی هرگونه روایت تصویری نسبت به روایت ادبی.

با خواندن و نوشتن بیگانه نیستم. از 5 سالگی می توانستم بخوانم. به کوشش "شکوفه خالقی" خانم معدمی جوان از اهل فامیل که برای تدریس در دبستان نزدیک خانه ما، از گرگان به بندر انزلی مأمور شده بود. اولین کتابی که خواندم "یوری گاگارین" بود. کتابی بزرگ و پر از عکس که در هر صفحه اش تنها چند جمله با کلمه های درشت چاپ شده بود و برای خواندن من بسیار مناسب بود. تصاویر آن بسیار بر من تاثیر گذاشت تا جهانی تخیلی برای خودم بسازم. همین بود که تا سال های سال می

خواستم فضانورد شوم. زمانی که فهمیدم در ایران نمی شود فضانورد شد و وقتی دیدم نمره های ریاضی ام خوب نیست، از فضانورد شدن دست کشیدم. اما یک ماهی کاملاً خالی و تهی و بدون هدف شده بودم! احساس می کردم هیچ کاره ام و هیچ برنامه ای برای زندگی ام ندارم. خودم را به جهان کتاب ها سپردم. تا اینکه جوانی آمد به مدرسه مان و دو سه نفر از ما را انتخاب کرد برای بازیگری در تئاتر. سال ها بازیگر تئاتر بودم ولی همیشه در کانون فیلم بندر انزلی، شیفته ی فیلم دیدن بودم. با دیدن فیلم های کوتاه و بلند امیر نادری، کیانوش عیاری، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی و عباس کیارستمی، سعی کردم خوب دیدن را یاد بگیرم. روزها و ساعت ها در کتابفروشی ها می چرخیدم و عکس های کتاب ها را نگاه می کردم و آن هایی که دوست داشتم را چندین و چند بار می دیدم. کتاب فروش ها آن روزها مهربان تر بودند. برای من خریدن کتاب های عکس خیلی گران بود. از طرفی دستگاه پخش ویدئو که آن زمان ممنوع بود را از دوستانم قرض می کردم و لای پتو و سفره می پیچیدم و می آوردم خانه تا "دیوانه ای از قفس پرید"، "راننده تاکسی" و "جاده" فلینی عزیز را چند بار ببینم و با هر بار دیدن بغض کنم و بخواهم دوباره ببینم!

اواخر جنگ بود که به سربازی رفتم و صلح شد. من بی قرار دائم پرت می شدم به این شهر آن شهر. شوشتر، نجف آباد، اصفهان، خرمشهر و اهواز. دلم می خواست بیشتر ببینم. رفتارهای هر روزه ی سربازان و فرماندهان برایم جالب بود. احساس می کردم هر چه می بینم خودش یک فیلم کوتاه هستند است. دلم می خواست یکی از این روایت ها را به صورت نمادین تبدیل به یک فیلم کوتاه کنم. "در تاریخ او" را نوشتم و به سینمای جوان نجف آباد بردم و آنجا با همراهی مهدی عبداللهی عزیز که رئیس سینمای جوان نجف آباد بود و علی محمد قاسمی با استعداد و یک جوان مهربان دیگر، فیلمی 8 میلیمتری ساختم. از پادگان به شکل های گوناگون برای فیلم برداری در می رفتم. اول برای خودم مرخصی می نوشتم و سربلند از

پادگان می رفتم بیرون. خیلی زود فهمیدند و دو روز فرستادند انفرادی! مدتی از سیم خاردار درمی رفتم و دوباره گرفتار شدم. به هر حال در عین سختی فیلم برداری را تمام کردم. گاهی احساس می کردم خودم شخصیت اصلی یک فیلم مستند شده ام.

یا مثل آن جایی که من مریض را با تب و لرز و سرماخوردگی شدید، فرستادند بالای کوه کنار پادگان تا نگهبان تراکتورها شوم!! کلی طول کشید تا جیب پادگان من را برساند به محل نگهبانی. پیاده که شدم تا زیر زانوهایم برف بود. راننده یک چماق داد بهم و گفت: نگهبان بعدی سه ساعت دیگه می آید پُست را از تو تحویل می گیره، اما فکر نکنم بیاد. بپایخ نزن! حرفش را باور نکردم. جرم من سرباز واحد تبلیغات این بود که همه اش کتاب می خواندم و خدمت سربازی نمی کردم! چند شب قبل فرمانده ام دیده بود که یک چهارپایه کوچک گذاشته ام زیرم و زیر لامپ توالت عمومی پادگان که هنگام خاموشی شب، تنها چراغ روشن آن بخش پادگان برای راهنمایی سربازان به توالت بود، نشسته ام و دارم "سنگ صبور" صادق چوبک می خوانم... شاید هم حق داشتند با یک چماق من را بفرستند پیش تراکتورها!!

آن شب هم خودم را انداختم در اتاقک یکی از تراکتورها و پتویی دور خودم پیچیدم و زیر پتو با نور چراغ قوه می خواندم. چماق را جوری گذاشته بودم که در اتاقک باز نشود. برایم سوال بود که چرا به نگهبان های دیگر اسلحه می دادند و به من چماق!! از ترس حیوان هایی که از دور و نزدیک زده بودند به من نشسته در اتاقک، سعی می کردم به بیرون نگاه نکنم! تنها کاری که نمی کردم نگهبانی دادن بود.

تا ده صبح فردا هیچ کس نیامد پُست را از من تحویل بگیرد! یخ زدم. پیاده آمدم پائین. نمی توانستم خوب راه بروم. رسیدم به خوابگاه نگهبان ها. لگد بدی زدم به نگهبان و لو و نیدمه خوابی که باید پست را از من تحویل می گرفت. جاخورد و خندید. همینطور با لباس رفتم زیر

دوش آب داغ حمام پادگان. چشم هایم سیاهی رفت و بعدش هیچی نفهمیدم...

یا آنجا که به دلیل در رفتن هایم از پادگان که برای ساختن فیلم کوتا هم صورت می گرفت، من را فرستادند خرمشهر تا چاله بکنم برای خاک ریز! هر روز تو اوقات بی کاری می رفتم خانه ها و مدرسه ها خالی و خراب شده از جنگ اهالی شهر. هر چیزی را که می دیدم، می نوشتم. چیز هایی که نوشته بودم چند تا دفتر شده بود. یه روز پایم رفت روی یک مین زنگ زده و بزرگ. دوست هم خدمتی ام که جوانی قزوینی بود، پشت خاک ریزی خودش را قایم کرده بود و سخت بلند گریه می کرد. من چیزی نمی توانستم بگویم. گفت پاتو برداری می ترکه... به خیلی چیز ها تو یه چشم به هم زدن فکر کردم. خسته شده بودم. کسی نیا مد کمک. گفتم همه چیز ام مال تو... فکر کردم پامو بردارم. برداشتم. و مین منفجر نشد.

این حس که دوباره زندگی به من اهدا شده، خیلی حس خوبیدست که چندین بار تو زندگی ام طعمش را چشیدم. بعد از هر اتفاقی این جوری، قدر زندگی ام را بیشتر می دانم. تو کنکور منطقه ی دو، رتبه ام شده بود چهار. زود سربازی را نصف کاره ول کردم و آمدم دانشکده سینما و تئاتر تا سینما بخوانم. خیلی خوشحال بودم. تو دانشگاه اما بر خلاف نظم و نظام بچه ها و درس و مطالعه و فیلم دیدن و بحث های روشنفکری، تصمیم گرفتم تند تند بروم سفر. تا وقت پیدا می کردم خودم را می رساندم ترمینال مسافربری و می گفتم الان برای کجا بلیط دارید؟ بلیط فروش نه مردی آذری زبان بود، اول فکر می کرد دارم مسخره بازی در میارم! اما زود فهمید برای هر جایی که بلیط داشته باشد، من میروم. این که من را هر دفعه کجا بفرستد، برای اون شده بود یک جور بازی و برای من هم یک جور قمار. همیشه دوربین "یاشیکایی" که دانشگاه قسطی به من فروخته بود رو کولم بود. خیلی زود احساس کردم که دوربین و لنز بهتری می خواهم و یه دوربین نیکون (FM) خریدم. دائم کشیده می شدم

اینور و آنورایران. ترکمن صحرا ، کوههای تالش، اورامانات کردستان، روستاهای قشم و بندرعباس، حوالی خوزستان، کاشان، ابیان و ماسوله. دوست داشتم بین مردم بچرخم. باهاشون هم صحبت و هم سفره بشم. این مابین هم از شون عکس می‌گرفتم. خیلی عکاسی و مستند سازی مردم نگاری را دوست داشتم ،ولی ازش کم می‌دونستم. تو دانشگاه برای مستند سازی هیچ آدمی ، حامی و هادی نبود و کتاب و مقاله و معلم هم در این زمینه کم بود . اطلاعات پیدا نمی‌شد و یا من کم می‌توانستم چیزی پیدا کنم . تو سفرهایم گنج و گم بودم و خالی. عکس می‌گرفتم و طرح هایی می‌نوشتم برای فیلم مستند. همیشه سعی می‌کردم تکه چسبانی کنم. تکه ای از " ژان روش" اینجا، تکه ای از " ورتوف" اونجا. کتابی از "مارگات مید" اینجا ، نوشته‌هایی از " والتر بنیامین" و "مالینوفسکی" اونجا . و فیلم‌هایی که به سختی و با کیفیت‌های بد به دست می‌آمد. فیلم‌های مستند سازانی مثل فلاهرتی،فرانژو، لیکاک، برادران مایزلز، وایزمن، سول ورث، گاد فریو، ران فریک ، گریسون ، ایوانز و پنه بیکر.

فیلم کوتاه داستانی ساختن را گذاشتم کنار و شروع کردم به فیلم مستند ساختن. کسی نبود بهم یاد بده. کسانی بودند البته ، اما چیزی در رابطه با فیلم سازی مستند به من یاد ندادند. از همین تکه خوانی‌ها و تکه بینی‌ها یاد می‌گرفتم. با دوستان هم دانشکده‌ای مثل ابراهیم سعیدی و بایرام فضلی خیلی راجع به فضاهای فرهنگ مردم و مردم نگاری سروکله می‌زدیم. ما تشنه یادگرفتن بودیم و جایی برای یاد دادن پیدا نمی‌شد. "ساوچی" و "ایل بایرامی" را در ترکمن صحرا ساختم. به تاثیر از فیلم‌های کلاسیک سینمای مستند و بعد تجربه های مشاهده گرایانه ام شکل گرفت: "خانه‌ی مادری ام مرداب" در مرداب های بندر انزلی، "روژگیران" (با همکاری ابراهیم سعیدی) در روستای نگل کردستان ، "از پس برقع" در روستای سلخ قشم. "مریم جزیره هنگام" در جزیره هنگام، "روبه جایی دور" در لواسان، "بیوه مرد" در ارتفاعات

تالش، "آسیاب های بادی" در رود بار ، رستم آباد و منجیل و "دماغ به سبک ایرانی" در تهران. موضوعات کار هایم را هزگام عکاسی و بین مردم و همراه با مردم پیدا می کردم. اما همیشه احساس می کردم که برای نیازهایم نسبت به مباحث جدیدی در ارتباط با علوم انسانی پاسخی نمی یابم. و این احساس نیاز به دانسته های جدید در ارتباط با انسان شناسی و تاریخ پیوسته در من بیشتر و بیشتر می شد. اوایل سال 1386 بود که با دکتر ناصر فکوهی آشنا شدم. با مهربانی فیلم ها و عکس هایم را دید. هم صحبت و هم کلام شدیم. به برخی از کلاس ها و کارگاه های آموزشی اش رفتم. احساس خوبی داشتم. آنچه که در طلباش بودم را به دست می آوردم. دیگر می توانستم سرم را قدری بالاتر بگیرم و کمی آنسو تر را ببینم. توانستم تصمیم بگیرم که دیگر تنها در فضاهای هنری و مابین هنرمندان نقاشی و تئاتر و عکاسی و فیلم سازی نباشم و بتوانم به نشست و برخاست های دانشگاهی و علمی وارد شوم. برایم بسیار هیجان انگیز بود که پای درس کسانی چون دکتر فکوهی، دکتر منادی، دکتر شعیری و دکتر نجومیان بنشینم. چیزهای جدیدی یاد گرفتم و با تفکرات و اندیشه های کسانی چون تایلر، فریزر، بواس، استروس، کوپر، مالینوفسکی، مید و دیگران آشنا شدم.

حساس شدم به فرهنگ و انسان. به چگونگی معنا بخشی مردم به زندگی های شان. به تمامی مظاهر رفتار اجتماعی یک گروه. به واکنش های فرد به تاسی از عادت های گروهی که در آن به سر می برد. به مجموعه رفتارهایی سنتی که انسان ها را پدید می آورد و هر نسل به طور متوالی آن را یاد می گیرد. به مجموعه ای از مهارت های آدم ها، به اعتقادهای شان و به معیارهای آن ها برای فهم آنچه هست و فهم آنچه می تواند باشد...

مدیریت سایت از من برای همکاری در سایت تازه تأسیس "انسان شناسی و فرهنگ" دعوت کرد. من هم با اشتیاق قبول کردم و صفحه ی فیلم مستند را با همکاری استاد محمد تهامی نژاد و دکتر قادری که در فرانسه زندگی می کرد، راه

اندازی کردم. بعدتر پیروز کلانتری، احمد میراحسان، سعید محصی، و رامتین شهبازی هم برای همکاری با سایت با نوشتن و ارسال مقالاتی شروع به همکاری کردند.

فیلم سازان مستند علاقه‌مند آرام آرام با فضای سایت انسان‌شناسی و فرهنگ آشنا شدند. سایت هم روز به روز بخش‌های متنوع‌تری را اضافه کرد و بزرگ و بزرگتر شد. اساتید برجسته‌ای از ایران و جهان سمت‌های مدیریت و مشاوره صفحه‌های مختلف را بر عهده گرفتند. خواننده‌های سایت نیز از ایران و دیگر نقاط جهان هر روزه بیشتر شدند. خیلی‌ها به من گفتند که بسیاری از صفحه‌های سایت مورد علاقه‌شان است و برای ساخت فیلم‌ها و نیز پژوهش‌های شان از آن ایده و الهام می‌گیرند. از طریق سایت یک رابطه دو طرفه بین فیلم سازان مستند و علاقه‌مندان به فضاهای اجتماعی و انسان‌شناسی شکل گرفت. این رابطه‌ای دو طرفه به بخشی از نیازهای هر گروه پاسخ می‌داد. مستند سازان با آشنایی با مجموعه‌ای از روش‌ها، مشاهدات، و تحلیل‌های انسان‌شناسی و علوم اجتماعی می‌توانستند برای توضیح پیچیدگی‌های جهان معاصر یاری بگیرند و از روش‌هایی چون پژوهش دراز مدت بر زمین تحقیق، مشاهده مشارکتی و ایجاد ارتباط مستقیم با سوژه‌های اجتماعی در جهت عمق بخشیدن به کارشان استفاده کنند. انسان‌شناسی به کمک‌شان آمده بود تا نوآوری و انعطاف‌پذیری و شور و متأسفانه تباهی انسان‌ها را در قالب سند و مدرک برای نسل‌های آینده ثبت و گردآوری کند تا در آن‌ها اندیشه‌کنند و ابزارهای منحصر به فرد و ارزشمندی برای درک تنوع فرهنگ‌ها و جوامع بشری در اختیارشان گذارده بود.

از طرفی برای دانشجویان انسان‌شناسی نیز عکس و فیلم مستند ابزارهای بسیار مهم در مطالعه انسان و مشاهده رفتارهای او بود. دانشجوی انسان‌شناسی می‌توانست با دوربین‌ها دیجیتال تصویری برداری موقعیت‌های اجتماعی مورد مشاهده‌ی خود را ثبت کند و تصاویری با کیفیت حرفه‌ای به همراه خود بیاورد. آشنایی انسان‌شناسان با

فیلم سازان مستند اجتماعی و روش کار و نحوه ی تفکر آنها پیرامون شکل بخشی و معنا بخشی به اثر شان ، می تواندست به آنها بیاموزد که داشتن دوربین خود به خود برای فیلم سازی مستند کافی نیست و اینکه امر واقع به خودی خود نمی تواند سخن بگوید و مشاهده گر باید واقعیت را پاره پاره کرده و از آن یک گفتمان بسازد و نیز اینکه به هر حال فیلم باید روایت شود و روایت گر به ناچار خود به بخشی از روایت بدل خواهد شد.

با توجه به استقبال خوانندگان از صفحه فیلم مستند طی چند سال گذشته ، صفحه عکس مستند نیز راه اندازی شد. تاکنون مطالب متنوعی در این صفحه ی نوپا منتشر شده است. تلاش شده با دعوت، همکاری و همفکری با اندیشمندان و فرهیختگان عکاسی و انسان شناسی از این پس شاهد پربارتر شدن صفحه عکس مستند شویم. تا با انتشار مداوم مقاله ها و گزارش ها و تحلیل ها پیرامون عکس و اتفاقات بروز عکاسی اجتماعی ایران ، بتوانیم خواسته ها و نیازهای عکاسان علاقه مند، انسان شناسان عکاس را در حد توان تأمین کنیم.

به عنوان یک عضو سایت انسان شناسی و فرهنگ و یکی از قدیمی ترین همراهان و همکاران آن خوشحالیم که طی این سال ها این سایت علمی و فرهنگی پربار و مستقل توانسته است بدون هیچ گونه پشتیبانی مالی و تنها با پشتیبانی معنوی و تلاش کسانی که دلسوز و دلسوخته ی فرهنگ کشور هستند شرایطی را فراهم آورد که دانشجویان رشته های علمی و هنری و نیز اندیشمندان و اساتید با داد و ستد علمی، هنری، تجربی، و فرهنگی خود بتوانند از مباحث متنوع آن بهره مند گردند.

خوشحال می شویم که چهره های جدیدی به خصوص از میان اساتید و دانشجویان انسان شناسی با نوشته ها و ترجمه ها و نقد و نظر و تحلیل های شان در صفحات فیلم مستند و عکس مستند ما را یاری دهند.

از تک تک کسانی که طی این سال ها با نوشته های شان ما را همراهی کرده و می کنند تشکر می کنم .

mehrdad.oskouei@gmail.com



خانه مجازی ام به عنوان یک انسان شناس

شبلم اسماعیلی

کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

برای خانه بودن لازم است با هم بسازیم .

لازم است به آن احساس تعلق کنیم .

لازم است احساس کنیم، بزرگترهایی، قوام خانه را حفظ می کنند .

لازم است بدانیم، اگر چیزی بخواهیم ردپایی از آن در خانه یافت می شود .

لازم است بدانیم اگر قرار شد کسی را دعوت کنیم، جایی برای دعوت کردن هست .

انسان شناسی و فرهنگ دارای این ویژگی هاست و به همین سبب خانه مجازی من به عنوان یک انسان شناس است .

هر چند عضو فعال آن نبوده ام ما همیشه مهمانان زیادی را به خانه ام دعوت کرده ام .

به اندازه ای که این خانه مجازی، به من به عنوان یک انسان شناس ایرانی احساس هویت به سبب تعلق به یک جمع حرفه ای داده است، دانشگاه به مثابه یک فضای حقیقی این نقش را ایفا نکرده است و این حاصل تلاش همه دوستانی است که

داوطلبانه پویایی این خانه را حفظ کرده اند و دستاوردها و ایده‌هایشان را با سایرین شریک شده‌اند.

به عنوان یک عضو خانه از همگی سپاسگزارم.

shabnam_esmaeily@yahoo.com



جایگاهی برای تکثرگرایی

نوژن اعتضاد السلطنه

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی،
پژوهشگر و مترجم در حوزه فلسفه و سیاست

حدود 5 سال پیش بود، به تازگی به دانشگاه راه یافته بودم و بعنوان یک دانشجو سخت علاقمند به حوزه اندیشه از فلسفه و جامعه شناسی گرفته تا علوم سیاسی، اما در این میان متأسفانه در ایران به انسان شناسی چندان توجهی نمی شود.

کمتر از یکسال است که با تارنمای وزین " انسان شناسی و فرهنگ" آشنا شده ام از این بابت شادمانم و بصورت آزاد با آن همکاری میکنم. آنچه از دید من تحسین برانگیز است از سویی فراهم نمودن فضا برای تمامی علاقمندان به حوزه اندیشه بدون توجه به عقاید آنان به منظور ابراز نظراتشان است که قطعاً گامی هر چند ابتدایی اما پر اهمیت در جهت گسترش " تکثر گرایی " بوده است و از سوی دیگر آنکه اصل ضروری " آزادی بیان" در حد اعلای خود در راس فعالیت تارنما قرار دارد، اصلی که متأسفانه در اندک نشریه ای در ایران رعایت می شود مسلماً تارنمای مستقل " انسان شناسی و فرهنگ" بر روی خط

حساسی حرکت می کند اما جسارت مسئولین تارنما در راه افزایش آگاهی شهروندان جای تقدیر و ستایش دارد.

ضمن شادباش بمناسبت ششمین سالگرد تاسیس تارنمای انسان شناسی و فرهنگ برای مدیریت و دست اندرکاران این پایگاه، بهروزی و شادکامی روزافزون را آرزومندم. این ما دوست داران تارنما هستیم که موظفیم چراغ آن را همواره روشن نگه داریم.

شهریور ماه 1390 خورشیدی

Nozhan_etezad@mailfa.com



آشنایی تازه

احسان افشار

کارشناس ارشد حوزه فرهنگ و ارتباطات، آلمان

تا شش ماه پیش، هنوز میانه ای نداشتیم. می شناختم اش و هرازگاه هم به هر مناسبت می دیدم اش، اما روزگار دوری و درس، روزگار دشواری فهم فرهنگ به زبان غیر، روزگار کمبود ادبیات قابل اعتماد فارسی در وب، من را خواننده ی همیشگی اش کرد. حالا پس از شش ماه چنان دلبسته اش شده ام که هفته ای را بدون دیدارش سراغ ندارم. بسیاری از دشواری ها و پیچیدگی های فرهنگ را با کمک او آموختم و اگر نکته ای بدانم، وام دار او نیز هستم.

امروز که به بهانه ی شش سالگی «انسان شناسی و فرهنگ» می نویسم، بیش از آنکه به پنج سال و نیم گذشته فکر کنم، نگاهم به سال های خوب پیش رو است و امیدم به هرچه بیشتر آموختنم از او.

وبسایت «انسان‌شناسی و فرهنگ» چنان گسترده و متنوع است که به حق، می‌توان نماینده‌ی خوبی برای معرفی انسان‌شناسی به عنوان علمی‌ترین رشته‌ی علوم انسانی‌اش دانست. بسیاری از خوانندگان آن که من سراغ دارم، نه الزاماً پژوهشگر یا دانشجو در زمینه‌های فرهنگی — اجتماعی، بلکه وابستگان به دیگر حوزه‌های علم هستند. بویژه در میان دوستانم، معماران و شهرسازی را می‌شناسم که به سبب نیاز به شناخت فرهنگ و بافت انسانی شهر، به این مجموعه مراجعه و در پژوهش‌ها و سخنرانی‌ها، به آن استناد می‌کنند.

در بین دانش‌آموختگان رشته‌های غیر از علوم انسانی، بسیاری کسانی که علاقه‌مند به دانستن اصول و مبانی مطالعات فرهنگی، زبان، فلسفه و مانند آن هستند، اما منبع قابل اعتنا و اعتمادی برای کسب اطلاع در این زمینه‌ها پیدا نمی‌کنند. به گمانم «انسان‌شناسی و فرهنگ» بر پایه‌ی همین فراگیری موضوعاتش توانسته یکی از این منابع خوب باشد.

این بنیان فرهنگی خوب و ضروری، مانند هر حرکت خودجوش دیگر، نیازمند همت، پشتکار و همکاری صمیمانه و بی‌دریغ جمعی دلسوز و علاقه‌مند به فرهنگ است. فرهنگی که این روزها کمتر تلاشی برای محکم‌تر شدن پایه‌های آن می‌شود. این تلاش مستمر دست‌اندرکاران «انسان‌شناسی و فرهنگ»، بسیار ستودنی است. امید که این عزم، همچنان استوار و بی‌خلل پی گرفته شود تا انسان‌شناسی هرچه بیشتر به عنوان علمی‌ترین رشته‌ی علوم انسانی و انسانی‌ترین رشته در علوم، معرفی شود.

ehsan.afshar@gmail.com



فرهنگ برای همه

افسر افشار نادری

هیئت علمی دانشگاه پیام نور

مدیر صفحه انسان شناسی جنسیت

تبریک و سپاس به مناسبت ششمین سالگرد فعالیت پر ثمر سایت انسان شناسی و فرهنگ به همه کسانی که در این راه تلاش کرده اند، چه آنان که گردانندگان این سایت بوده و چه آنان که از این سایت استقبال کرده و باعث دلگرمی و ادامه فعالیت آن شده اند.

سیاست کلی فرهنگی در ایران، بر روی چهار اصل تاکید دارد، این چهار اصل عبارتند از:

1. فرهنگ برای همه

2. توجه به میراث فرهنگی

3. فراهم آوردن بیشترین امکانات برای ابداع و نوآوری فکری و هنری

4. شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان و آگاهی از مظاهر فرهنگ های دیگر

لازم می دانم که تاکید کنم سایت انسان شناسی و فرهنگ تنها مرجعی است که هر چهار اصل سیاست فوق را به علاوه سیاست های دیگری چون: تبادل اندیشه، رویدادهای علمی و فرهنگی و ارتباطات دانشگاهی را هر چه بیشتر گسترش داده و برای عموم مردم ایران و جهان امکان پذیر ساخته است.

من به عنوان مدیر گروه جنسیت این سایت از همکاری خود با این پایگاه به خود می‌بالم و امیدوار هستم به کمک همه دوستانی که علاقمند به گسترش هر چه بیشتر این سایت هستند بتوانم به فعالیت خود ادامه دهم.

فراموش نکنیم که بهتر زیستن حق همه انسان‌هاست و این ممکن نمی‌گردد مگر اینکه دانش و اطلاعات علمی و فرهنگی جهان به اشتراک گذاشته شود. دستان خود را به ما داده و افکار و اندیشه و داده‌های علمی خود را در اختیار این سایت قرار دهید و مطمئن باشید که حافظ این گنجینه‌ها هستیم.

در صورت امکان ما را از کمک‌های مالی خود نیز برخوردار کنید و بی‌نیازمان سازید. بدانید که برای تاسیس موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ، برگزاری همایش‌ها، دوره‌های آموزشی، نشست‌های علمی و انتشار ویژه‌نامه و تاسیس مرکز اسناد و تاریخ فرهنگی که از جمله ضرورت‌هاست، به کمک نیازمندیم.

os_naderi@yahoo.com



این کودک پنج ساله ما

معصومه الماسی ماشک

کارشناس انسان‌شناسی، دانشگاه تهران

حال که وارد ششمین سال تولد کودک مجازی انسان‌شناسی ایران شده ایم، خوب بهانه‌ای است تا ذوق و شوق یک همیشه دانشجوی رشته‌ی انسان‌شناسی را باز گویم: در سال تولد این نوزاد در اوایل ورودم به این حوزه بودم و خود کودکی بودم که در دریای انسان‌شناسی جویای دانستن بیشتر. شاید بتوانم این نوزاد را به رود تشبیه کنم و یا یک روزنه... به راستی

دقیق نمی دانم، اما آنچه که به یقین می توانم بگویم این است که "انسان شناسی و فرهنگ" راهگشایی شد تا بتوانم در امواج سؤالات بی شمار غوطه ور شوم و بدانم که در گستره ی جهان، چه چیز گوشه های ذهن مرا قلقلک می دهد و دانستم که آن خودمم، این خود کودکم! من چند سالیست که به حوزه ی انسان شناسی کودک عمیقاً می اندیشم و مدتی است شروع به خواندن مطالبی در این حوزه کرده ام؛ بی اغراق باید بگویم انسان شناسی و فرهنگ سبب شد زمینه ای برای فعالیت جدی تر در این حوزه بیابم بتوانم بعد از مدت طولانی فاصله گیری از نوشتن، شروع به نوشتن در شاخه ی تخصصی خودم بکنم و با ایجاد "پرونده ی کودکی" در این سایت جایی برای تمرکز بیشتر در شناخت و بررسی این شاخه پیدا کنم.

در آخر می خواهم به بهانه ی سالگرد تولد "انسان شناسی و فرهنگ"، از مدیریت سایت و همه ی کسانی که دست این نوزاد را به گرمی در دستان خود گرفتند تا بتواند قدم بردارد و حرکت کند، صمیمانه تشکر می کنم و از تمامی عزیزانی که در داخل و خارج از کشور، مشغول فعالیت در حوزه ی انسان شناسی می باشند، خواستارم که دست این کودک پنج ساله را به مهر در دست بگیرند تا متخصصان این رشته بتواند در کنار یکدیگر، مرکز جامع و متمرکزی برای مطالعات انسان شناسی ایران پدید آورند.

m.almassi.m@gmail.com



جریانی سیال

فرشته انصاری

کارشناس ارشد مردم شناسی از دانشگاه تهران

همکار انسان شناسی و فرهنگ

پایگاه انسان شناسی و فرهنگ که با مدیریت و تلاش های بی وقفه و همت متعالی راه اندازی شد و البته علاقه مندان زیادی را به خود جذب نموده، رود رونده ای است که حوزه ی انسان شناسی در ایران را آبیاری میکند. امید آن که این جریان سیال قوی و قوی تر گردد.

با سپاس

fereshteh.ansari@gmail.com



نفسی تازه برای انسان شناسی زیستی

زهره انواری

دانشجوی دکتری انسان شناسی زیستی دانشگاه موزه اوم پاریس

مدیر صفحه انسان شناسی زیستی

ششمین سال فعالیت انسان شناسی و فرهنگ که تلاشی گروهی برای توسعه این رشته در ایران بوده را به مدیران و اعضاء آن تبریک می گویم. تلاشی که می تواند گامی موثر برای ایجاد جایگاهی در خور این رشته و فارغ التحصیلان آن در ایران ایجاد کند و از این رو قابل تقدیر است. چرا که تنها کسانی می توانند جایگاه و کارایی این رشته را در ایران توسعه دهند که درک صحیحی از آن داشته باشند و این درک را به شیوه صحیحی به جامعه منتقل کنند. در این صورت می توان به آینده این رشته و تضمین انجام کارهای پژوهشی و ورود به حوزه های کارکردی تر امیدوار بود. به عنوان بخشی از این کار جمعی من و همکاران صفحه انسان شناسی زیستی خوشحالیم که بتوانیم در کنار بقیه حوزه ها، این رشته را در ایران معرفی کرده و قدمی در راه

توسعه آن برداریم. بی شک نقدهای دوستداران و بینندگان این صفحه کمک بزرگی برای رسیدن به این هدف است.

به امید آینده روشن برای این رشته در ایران

anvaari@yahoo.com



پایگاهی برای اتصال حوزه‌های اندیشه

یاسمن اوحدی

کارشناس ارشد انسان‌شناسی، دانشگاه تهران

مدیر روابط عمومی انسان‌شناسی و فرهنگ

در دنیای امروز هر انسانی را می‌توان به مثابه خالق دنیای خودش در نظر گرفت که با توجه به چارچوب‌های سیستم اجتماعی، ذهنی و فرهنگی، زندگی خود را بر پهنه گسترده حرکت و فعالیت-هایش شکل دهد. حیات انسان، نشاط، بالندگی و پویایی زندگی-اش، علاوه بر نوع نگرش فرد و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی موجود به زندگی، بسته به میزان تلاش و توانایی انسان در خلق شگردهای زندگی است. این امر در دوران شکل‌گیری ساختارهای ذهنی و پایه‌های هویتی افراد اهمیت بیشتری می‌یابد و مشهودتر است. پاسخ به سؤال معروف "من کیستم و به کجا می‌روم" متضمن گسترش شناخت فرهنگ و الگوهای رفتاری، تشخیص اولویت‌های فردی و تنظیم معیارهای هدایت و ارزیابی رفتارها و انگیزه‌هایی است که علاوه بر الگوهای زندگی روزمره، دامنه مسیر زندگی پیش روی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

انسان شناسی را علم شناخت فرهنگ و منش زندگی می‌دانند و در حالیکه فرهنگ فراتر از سطح زندگی انسان شناسان متخصص در جریان است، اما راه‌های شناخت و واکاوی و پاسخ به پرسش‌های کنجکاوانه در حوزه‌های مختلف فرهنگی به محافل و مجامع فرهنگی محدود مانده‌اند. در این راستا "انسان شناسی و فرهنگ" پایگاهی برای اتصال حوزه‌های اندیشه، افکار گوناگون و روزنه‌هایی است که علاوه بر استفاده متخصصان حوزه فرهنگ، این امکان را در اختیار عموم مردم قرار می‌دهد و طیفی گسترده از حوزه‌های داخلی و بین‌المللی، فرهنگ‌های شناخته شده و مغفول، کنجکاوی‌های تاریخی، عرصه جریان‌ات روزمره و پیش‌بینی‌های آینده، با رویکرد انسان شناسانه و از جنس زندگی ملموس و واقعی مردم را به نمایش گذاشته است.

در روزهایی که ارائه سخن، بیان افکار و نظرات بدون قضاوت و سوءگیر، بسیار مشکل می‌نماید، فراهم آوردن فضایی برای انتشار این اندیشه‌ها بدور از محدودیت و در گیر شدن با حاشیه، ستودنی است. شاید زمان آن رسیده باشد که از جدال بر سر القاب و واژه‌ها چشم‌برگیریم و نفوذ و گسترش فرهنگ را با وسعت یک زندگی در هزاران اجتماع و ایده‌های خلاقانه زندگی نظاره‌گر باشیم.

Yasmin.ohadi@gmail.com



نوشتن و هویت رشته ای در سایت انسان شناسی و فرهنگ

اصغر ایزدی جیران

مدیر صفحه انسان شناسی هنر

به یاد دارم که در اوایل سال 1385 با سایت «انسانشناسی و فرهنگ» آشنا شدم. کنکور کارشناسی را تازه داده بودم و همچنان شیفته انسان شناسی. مهر 85 که وارد دوره کارشناسی ارشد انسان شناسی دانشگاه تهران شدم، همواره پیگیر بودم تا به طریقی من نیز بتوانم در این سایت فعالیت کنم. سایت برای نوشتن مطلب شرط ترجمه یک پاراگراف از چند متن لاتین را گذاشته بود، من هم به سرعت این کار را انجام دادم و پس از تایید به انتشار رساندم.

نوشتن در سایت و انتشار مطلبی از سوی ما در آن دوره شوق و ذوق وافری داشت. مدیریت سایت با هدف وارد کردن افراد به محیطی که بتوانند «نوشتن» را تجربه کنند، تبدیل به موقعیتی شده بود که ما دانشجویان می توانستیم بدون اینکه از کانال های پر پیچ و خم مجلات و روزنامه ها عبور کنیم، به سهولت مطالب و مقالات مان را پس از تأیید مدیریت سایت در معرض قضاوت عموم دانشگاهیان و مردم قرار دهیم. مهم ترین نتیجه فعالیت در سایت، حداقل برای بنده، آزمون و تجربه شیوه نگارش یک متن علمی بود. و البته پیش از آن جرأت به انجام چنین کاری. چیزی که اکنون هم هنوز از ضعف های جدی دانشجویان به ویژه دانشجویان علوم اجتماعی است، نداشتن جرأت نگارش و سپس تسلط به سبک های نگارشی است. اما سایت توانست طیف وسیعی از دانشجویان و پژوهشگران را در طی این شش سال، به ویژه تأکید من بر افرادی است که قبل از فعالیت در سایت تجربه های جدی نگارش متن علمی نداشته اند، را به خود جذب کرده و به آنها جرأت نوشتن دهد. و این شاید بزرگترین دستاورد سایت و مدیریت آن، در کنار دستاوردهای بسیار آن،

باشد؛ خدمتی که بهتر از آن نمی توان به یک فرد دانشگاهی انجام داد.

جرات و قدرت نوشتن، ابزار کار یک فرد دانشگاهی است. نهادهای آموزشی در ایران هرگز نتوانسته اند، مبانی و اصول نوشتن را به دانش آموزان و دانش جویان یاد دهند. اما در سایت افراد، به ویژه با ارتباطی که با مدیران صفحات و مدیر سایت دارند، همواره از کاستی های شیوه نگارش شان آگاه شده و به طور بازخوردی در مطالب و مقالات بعد آنها را اصلاح می کنند.

اما می خواهم بر خدمت و نقش دیگر سایت اشاره کنم، و آن ارتباط سایت با رشته انسان شناسی است. دانشگاه و نهادهای دانشگاهی در حوزه رشته انسان شناسی بنا به مسائل و مشکلات بسیار هنوز نتوانسته اند، رشته انسان شناسی را به طور نهادی در قالب انجمن ها و اجتماعات علمی به پیش ببرند. انجمن ها و اجتماعات علمی در تمامی علوم نقش بنیادینی را در توسعه و افزایش کیفی و کمی علمی خاص بازی می کنند. اما و هزار اما که انجمن ها و اجتماعات اندک موجود در رشته انسان شناسی در رکود کاملاً مطلق به سر می برند و نتوانسته اند دانشجویان این رشته را به صورت فعال جذب کرده و موجب تهییج انگیزه های نظری و کاربردی در این رشته شوند. همین نقص باعث شده است تا انسان شناسی نتواند از خود قابلیت برای جلب نظر سازمان های مربوطه برای انجام انواع پروژه های فرهنگی نشان دهد. اما در این میان، یک سایت که هیچ وظیفه رسمی ای در قبال رشته انسان شناسی ندارد، با انرژی بسیار دست به ایجاد موقعیت و بستری کرده است در حد و اندازه یک انجمن علمی بسیار فعال و بزرگ، اگر نخواهم اغراق کنم در حد و اندازه چند انجمن علمی. سایت بخش اعظمی از دانشجویان رشته انسان شناسی را به خود جذب کرده که در آن به طور مداوم در شاخه های تخصصی انسان شناسی فعالیت می کنند، چیزی که انجمن ها و اجتماعات علمی این رشته در آن به طور کامل ناکام بوده اند. نکته بسیار مهم آن است که دانشجویان معمولاً در دوره تحصیلی خود، که اغلب کوتاه است، در انجمن های علمی فعالیت می کنند، اما سایت با قدرت فراگیری که دارد هنوز

هم نسل های گذشته دانشجویان انسان شناسی را در بستر فعالیت های خود نگهداشته است. علاوه بر این، سایت به لحاظ نهادی خدمت بزرگ دیگری را نیز انجام می دهد و آن وارد کردن مباحث انسان شناسی به سطح مخاطبین عام غیر- دانشگاهی است. چیزی که برای پی بردن به اهمیت وجودی یک علم و کاربرد آن در جامعه ضرورت دارد.

به جرأت می توانم بگویم که سایت «انسان شناسی و فرهنگ» اصلی ترین کانون رشته انسان شناسی در ایران است و این قطعاً بدون هر گونه تعصب و جانبداری ای است، چراکه تولیدات و فعالیت های آن در معرض دید عموم است و می توانند این امر را مشاهده کنند. در غیبت و بی فعالیتی و بی انگیزگی و مدیریت های ناصحیح نهادهای مرتبط با رشته انسان شناسی، سایت (که دیگر اکنون بخشی از فعالیت های موسسه «انسان شناسی و فرهنگ» است) همچون مادری است که فرزندان انسان شناسی را تغذیه و تربیت می کند. مادری است که به فرزندان اش امید آینده ای مطلوب را برای رشته انسان شناسی نوید می دهد. مادری است که در اندیشه تربیت نسل های آتی برای رشته انسان شناسی است.

از صمیم قلب و از ته دل، ششمین سالگرد تأسیس سایت را به مدیران و همکاران و نیز جامعه دانشگاهی و غیر- دانشگاهی ایران تبریک و تهنیت می گویم.

a_izadi_j@yahoo.com



از شما چه پنهان!

به مناسبت ششمین سالگرد تولد کودکی بزرگ بنام «انسان شناسی و فرهنگ»

محمد بلوچزی

پژوهشگر و محقق حوزه فرهنگی بلوچستان

از شما چه پنهان! بعد از گذشت بیش از یک دهه از کار نوشتن و روزنامه نگاری باور بفرمایید که با این همه دغدغه و پشت سر گذاشتن چالش های روزمره، نوشتن به اندازه کافی سخت و دشوار شده و ذهن و فکر مثل گذشته دست و دل را برای یک نوشته خوب یاری نمی کند.

شماکه غریبه نیستید! و به قول شاعر به شما برنخورد ولی این روزها اپیدمی روزمرگی به همه سرایت نموده و اگر به هر نوشته ای برنجورید! و آنرا با دقت مطالعه بفرمایید پی خواهید برد که فارغ از استرس و فشارهای روزمره نیست و به نحوی رد پای اینگونه موارد در اکثر دست نوشته ها دیده می شود. حالا فرقی نمی کند این نوشته در چند خط باشد و چند سطر و یا در چند صفحه و اصلاً اینکه نویسنده فردی آماتور باشد و یا حرفه ای، روزنامه نگار باشد و یا اهالی هنر، استاد دانشگاه و یا دانشجو.

متاسفانه خواسته و یا ناخواسته ما چنان درگیری فکری و ذهنی برای خود ایجاد نموده ایم و خود را در لاک این روزمره گی ها گیر انداخته ایم حتی گوشه کوچکی از ذهن خود را برای یک نوشته و یا یادداشت کوتاه ناب خالی نمی بینیم. طبیعی است در چنین حالتی برای یک نوشته سالم حتی از نوع فانتزی آن باید چندین ساعت وقت بگذاریم تا آنچه را که خواسته ایم به قلم برانیم البته شاید هم همین تکرار مکررات دل و دماغ نوشتن را از ما بگیرد.

مدت ها پیش بنده هم در این قید و بندهای بی پایان غوطه ور بودم و مشغله فکری و کاری را بهانه ای جهت قهر با قلم خویش دستاویز قرار داده بودم اصلاً دور نوشتن را که شاید تنها چیزی باشد بتواند من را ارضاء نماید، پس از مدتها خط کشیده بودم و اگر هم می نوشتم احساسم این بود که چنگی به دل نمی زند و از دل برنخواسته پس بر دل نمی نشیند، همین امر مانع از انتشار مطالبم شد و خیلی کم دست به قلم گرد و غبار خورده خود می بردم.

تا اینکه با انسان هایی اندیشمند، صاحب نظرانی نجیب، اساتیدی برجسته از جنس مردم آشنا شدم و مفتخر به همکاری. مراوده با دوستانی از اهالی علم و فرهنگ و هنر توان و دقتم را دوچندان نمود و تلاشم را مضاعف و صد البته مسئولیتم را نیز سنگین تر. همین باعث شد تا دوباره با همدم روحم آشتی کنم و آن را از تنهایی کنج طاقچه و یا گوشه شلوغ جیبم بیرون بیاورم و بنویسم از « انسان شناسی تا فرهنگ».

Mohamad_balochzehi@yahoo.com



خروج از خشکی حوزه علمی

سعیده بوغیری

مترجم، مدیر روابط بین المللی و ترجمه انسان شناسی و فرهنگ

در آستانه ششمین سال تاسیس سایت "انسان شناسی و فرهنگ" و به خصوص با توجه به موفقیت این سایت در میان سایت های ایرانی و حتی جهانی که شمار بسیاری بالایی از آن ها تنها دارای رنگ و لعابی چشمگیر بوده و کارکرد اصلی شان تبلیغات

از همه رنگ و همه جنس است و رویهمرفته مطلب چندانی عاید کاربر نمی سازند، جای دارد به تمامی دست اندرکاران این سایت، از مدیران و مسولان صفحه ها گرفته تا خوانندگان که به لطف همگی آنان این موفقیت رقم خورده، تبریک و خسته نباشیدی گرم گفته شود.

سایت انسان شناسی و فرهنگ یک سایت علمی است که درعین حال، توانسته خود را از خشکی خاصی که در بسیاری از سایت های علمی محض یافت می شود و شمار کاربران آن ها را محدود می سازد، جدا نگاه دارد. امری که از این سایت، یک محل دیدار میان کاربرانی از همه سنخ و تمامی سطوح معلوماتی فراهم آورده است. این موضوع در مراحل آتی به ایجاد روابط گسترده تر و خدمات پیشرفته تر انجامیده که ایجاد انگیزه در نخبگان به منظور انجام کار علمی با توجه به شرایط و تخصص خود، ایجاد ارتباط میان جامعه علمی داخل و خارج از کشور، استفاده از تخصص هریک از آنان و معرفی شاخه های گوناگون علم انسان شناسی و نیز ترسیم تصویری نزدیک تر به واقعیت از خارج از کشور توسط مقیمان آن سوی مرزها را از آن جمله می توان نام برد.

به مدد این همکاری ها تاسیس مراکزی چون موسسه انسان شناسی و فرهنگ، مرکز اسناد و تاریخ فرهنگی و نیز همکاری میان مراکز انتشاراتی، مراکز علمی و پژوهشی دانشگاهی و غیردانشگاهی از جمله شهرداری ها و موسسات دیگر نه تنها در تهران، که حتی در شهرستان ها نیز میسر شده است. امید که این فرصت طلایی که در اختیار جامعه علمی کشور قرار گرفته را قدر بدانیم و در میان مشغله های خود، فرصتی کوچک را به آن اختصاص دهیم تا به این وسیله پیش از همه بر سطح علمی خود بیفزاییم و نیز سهمی هرچند محدود در پیشرفت این جامعه ایفا کنیم.

yeganehtaraneh@gmail.com



پروژه ای پیش رو

روزبه بهزادی

مهندس الکترونیک

از حدود 3 سال پیش با سایت انسان شناسی و فرهنگ آشنا شدم. در زمینه انسان شناسی فرهنگی - علوم شناختی و مغز- خاستگاهها و تاریخ تحول دین - روانشناسی و تاریخ ایران مطالعاتی داشته‌ام و به طور کلی علاقمند به تحقیق و ترجمه در این زمینه‌ها هستم. البته به طور حرفه‌ای ترجمه در این موارد نداشته‌ام اما موضوع‌های ذهنی مرتبط با اجتماع را گاهی به پروژه‌ای برای خود تبدیل می‌کنم و مطالعه و تحقیق برای رهایی بیشتر و بیشتر از تاریکی‌ها. تاریکی به آن معناهای متعدد که اینجاها نمودهای متعددی داشته و دارد. محتویات و روند حرکت پایگاه انسان شناسی و فرهنگ را نیز در این مسیر یافته‌ام.

می‌توانم بخشی از زمان زندگی‌ام را برای حفظ حیات و بالابردن کیفیت محتویات سایت اختصاص دهم؛ منتها به دلیل اینکه در این زمینه کار حرفه‌ای نداشته‌ام شما می‌توانید با توجه به علاقه‌مندی‌های یادشده‌ام در صورت نیاز به همکاری آگاهم کنید.

rbehzadi15@gmail.com



تکثر در عین تخصص گرایی: پست مدرنیسم از نوع انسان شناسی و فرهنگ

لیلا پاپلی یزدی

مجمع آموزش عالی نیشابور

مدیر صفحه انسان شناسی باستان شناختی

به عنوان استادیار باستان شناسی همواره با پرسشی تکراری از سوی دانشجویانم مواجه شده ام: این درس منبع فارسی دارد؟ وجود مقاله قابل اتکا و ارجاع در کلاسهای مرتبط به انسان شناسی و در کلیت علوم انسانی مسئله ای است که نه تنها من که بسیاری از همکارانم با آن مواجهند. نبود مجلات کاغذی متعدد سبب شده تا دست دانشجوی فارسی زبان از مطالب به روز به زبان مادری اش کوتاه باشد، او یا باید نخست زبانی غیر فارسی بیاموزد یا به کتابهای موجود مراجعه کند. در این فرایند او ممکن است زمان و توانش را از دست بدهد تنها به یک دلیل: به آن دلیل که منابع به زبان فارسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد به ویژه در شکل مقاله در ایران کمیاب یا حتی در برخی شاخه های نایاب است.

در میان بودن و نبودن منابع، اما، انسان شناسی و فرهنگ فضایی ایجاد کرده متکثر و رنگارنگ. از سویی وجود مقالات ترجمه شده معتبر نوشته شده توسط پژوهشگران نامدار جهانی این امکان را به دانشجویان رشته های علوم انسانی می دهد تا این مقالات را به زبان فارسی مطالعه کنند و از سویی دست استادان را در معرفی منابع باز می گذارد. دانشجوی یکی از رشته های مرتبط با علوم اجتماعی و انسان شناسی تنها با گشتن در صفحات سایت می تواند با شاخه های این رشته های علوم انسانی آشنا شود و امکانهای متعدد پژوهش در آنها را دریابد.

این، اما تنها يك روي سكه است در روي ديگر انسان شناسي و فرهنگ اين امكان را به خود دانشجو مي دهد تا نوشته هايش را در سايت به اشتراك بگذارد، دانشجويي كه ممكن است سالها به دليل فرايند بوروکراتيك مجلات كاغذي معمول با مسئله چاپ كردن مقاله يا نوشته اش مواجه شود امكان مطرح شدن مي يابد، به اينگونه نوشته او خود مي تواند منبع جديدي باشد. بر اين مبنا انسان شناسي و فرهنگ فضايي است چند صدائي، فضايي كه در آن دانشجو و استاد امكان مساوي براي اشتراك نگاشته ها و پژوهشهايشان دارند. اينگونه است كه صفحات متعدد انسان شناسي و فرهنگ در بسياري موارد محلي است براي نخستين مقاله دانشجويي در رشته اي از رشته هاي علوم انساني، دانشجويي كه با بازخورد از انتشار مطلبش در سايت مي تواند راه را در پژوهشهاي بعدي اش باز يابد.

از سوي ديگر تنوع سبك و سطح در انسان شناسي و فرهنگ امكان مراجعه غيرمتخصصان و استفاده عامه مردم از مطالب را نيز فراهم مي كند. لازم به ذكر است كه به نظر نگارنده از آسيبهاي علوم انساني در ايران مشكل نبود ارتباط متداوم بين پژوهشگران اين رشته ها با كليت توده هاي جامعه است. در بسياري مواقع پژوهش انديشمندان علوم انساني در فضايي تخصصي مطرح مي شود و ساير انديشمندان حتي از وجود چنين پژوهشي مطلع نمي شوند. اين مشكل مسئله اي است به نهايت جدي كه جمله اينترنتي انسان شناسي و فرهنگ سعي در تغيير آن دارد، تحيري كه مشخصا در آمار روزانه بازديدكنندگان سايت مشاهده مي شود.

انسان شناسي و فرهنگ عملا امكان در كنار هم قرار گرفتن تكثير و تخصص را نشان مي دهد: تكثير مطالب، شاخه هاي مرتبط، پژوهشگران و جوانان مرتبط با آن و تخصص... اين در حالي است كه علوم انساني در ايران امروز از نبود ريه هاي براي تنفس در رنج است. انسان شناسي و فرهنگ بر اين مبنا فضايي است به غايت پست مدرن كه عملا رابطه هرمي پژوهشگر، مدير مسئول و سردبير را از ميان برمي دارد و آن را به ساختاري مدور، انساني و به غايت برابريانه بدل مي سازد كه معيار اصلي در انتشار مطالب آن تخصص گراني است تا لزوما مرتبه علمي و

جایگاه نگارنده. وجود چنین فضایی، چه مجازی چه کاغذی در فضای پرتنش علوم انسانی راهی است به سوی شکوفایی آن... فضایی که نشان می دهد اگر بخواهیم مطمئنا خواهیم توانست، که امکان کار گروهی و مدیریت غیر هرمی در عین ساختار و معیار مندی در ایران ما نیز ممکن است و درست به همین دلایل و دهها دلیل دیگر، تولد انسان شناسی و فرهنگ مبارك بوده است برای علوم انسانی ایران، چنانچه بالندگی و شکوفایی اش....

papoli@gmail.com



تبریک

الهام توکلی

کارشناس ارشد جامعه شناسی

شروع ششمین سال فعالیت سایت انسان شناسی و فرهنگ را تبریک می گویم. مدت دو سال است که با سایت انسان شناسی و فرهنگ آشنا شدم و مطالب خوب و ارزنده آن را میخوانم.

ممنون از تلاشی که برای این مجموعه می کنید. امیدوارم همیشه موفق باشید.

elham.tavakoli@gmail.com



تلاش بیشتر برای بهبود

علیرضا جاوید

نویسنده و ناشر

مدیر صفحه کتاب

سایت انسان‌شناسی و فرهنگ در طول شش سال فعالیت خودش پیش رفت خوبی داشته است. این که بشود موضوعات مختلف را از منظر انسان‌شناسی و فرهنگ مورد بررسی قرار داد و از اشخاص باصلاحیت مطالب خوب و اختصاصی برای سایت تهیه کرد گواهی است بر اهمیت و اعتبار سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.

من نیز که عضو بسیار کوچکی از این خانواده بزرگ هستم درصدد بودم که صفحه کتاب کاملاً حرفه‌ای تنظیم و اداره شود اما متأسفانه به دلایل مختلف تا به امروز چنین امری محقق نشده است. خوانندگان حرفه‌ای کتاب و مخاطبان فهیم سایت انسان‌شناسی و فرهنگ انتظار دارند که نخست کتاب‌های جدید به سرعت در سایت معرفی شوند و سپس نقد کتاب‌ها و گفت‌وگوهای اختصاصی با مآلف/ مترجم آن‌ها صورت بگیرد. رسیدن به این جایگاه که متناسب با سیاست سایت است، یعنی مرجع بودن مطالب، توان مالی و انسانی می‌طلبد.

شخصاً امیدوارم که در آینده پرتلاش‌تر باشم تا بتوانم به سهم خودم صفحه کتاب را همانند دیگر صفحات سایت پربار و برجسته نمایم.

ar_sokut@yahoo.com



آخر این کوشش و امید به جایی برسد...

مرضیه جعفری

کارشناس انسان شناسی دانشگاه تهران

همکار صفحه فیلم مستند، کتاب و رسانه و «پرونده»ها

اگر از منظر نگاه یک فرد خارج از حوزه ی علوم اجتماعی به این حوزه بنگریم، چه باید ببینیم؟ چه تفاوت هایی را می توانیم در این فضا جست و جو کنیم که حضور آن ها در دیگر رشته ها کم رنگ تر است؟ از نگاه یک فرد بیرون از این فضا، علوم اجتماعی به عنوان یکی از شاخه های علوم انسانی چه جذابیت هایی دارد که افراد بسیاری از دیگر حوزه ها را به آن جذب می کند؟ و چرا انگشت یافتن منشأ بسیاری از رویدادهای یک جامعه از سوی دولت ها و بسیاری از اقشار به سمت این حوزه گرفته می شود؟...

علوم اجتماعی پویاست و متکثر؛ علمی که میان تمام علوم انسانی با شاخه ها و زیرشاخه هایش ایستاده است و ریشه ی بسیاری دیگر از بخش های یک جامعه را در بدنه ی گسترده ی آن باید یافت. علوم اجتماعی به واسطه ی این کهن سالی و گستردگی لزوما نیازمند کنش گرانی است که با روحیه و کارکردی فعالانه بتوانند در پهنای این بستر به شناخت هرچه بیشتر علم انسانی و یا بهتر است بگوییم «انسانیت» در لایه لایه های آن مشغول باشند. ازین رو علوم اجتماعی هنگامی موفق است که بتواند کنش گران خود را برای فراگرفتن انباشتی از دیدن ها، شنیدن ها، خواندن ها و... با توان تحلیل و سخن گفتن تربیت کند؛ توانی که ابزار آن "امید" و "کوشش"ی است که در جهانی چنین عاری از انسانیت تاب آورد و پیش رود.

با این تعریف، هنگامی که به این علم در کشور خودمان باز می گردیم، پرسشی تلخ به سراغمان می آید؛ با توجه به ماهیت

این علم، چرا ما با چنین فضایی از بی انگیزگی و انفعال و حرکتی در جهت مخالف روند این رشته در بسیاری از افراد این حوزه و نیز فضای آکادمیک آن رو به رو هستیم؟ و چرا پویایی و نشاط و تکثر در دانستن در این حوزه در بسیاری ابعاد رو به فراموشی و سکون دارد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند شناخت و بررسی بسیاری از جنبه ها هم چون واکاوی سیستم دانشگاهی در ایران، بررسی تاریخ و روند تشکیل این علم در ایران و... است، اما راه حل و پاسخ بهتر و نزدیک تر به این پرسش و مضمون آن، بازگشتن به جریانی از کار و فعالیتی امیدوارانه در جهت شناخت این حوزه و حرکت در آن است.

در این میان، در راهی پر فراز و نشیب، با چراغ هایی اغلب خاموش و روزنه هایی پوشیده و پنهان شده در تیرگی ها، اما هنوز در مسیر و نیازمند یافتن و شناختن، برای علاقمندان به حوزه ی علوم اجتماعی و علوم انسانی، «انسان شناسی و فرهنگ» قدم های اولیه ی راهی است که در جهت جریانی از کار و فعالیت شروع به حرکت کرده است و دنباله ی قدم هایی را بر می دارد که موسسان و بزرگان این حوزه در ایران پیش از ما برداشته اند. امتداد دادن این راه، مسئولیتی است که هر فرد متعلق به این حوزه و علاقمند به آن باید با کوششی چه به شکل فردی و چه به صورت جمعی بر عهده بگیرد.

پایگاه «انسان شناسی و فرهنگ» ازین رو، امکانی است برای ادامه دادن این روند و توانسته است بسیاری از ویژگی های مثبت یک فضای علوم اجتماعی را در کنار یگدیگر جمع کند؛ ایجاد صفحات و شاخه های مختلف علوم انسانی، کوچک نشمردن تولیدات ساده ی علمی، بها دادن به کارهای دانشجویی، تشکیل مجموعه ای از روابط و انجام فعالیت های علمی گوناگون، برقراری ارتباط با دیگر حوزه ها و افراد علاقمند به همکاری در این حوزه، بها دادن به فرهنگ ها و اقوام ایرانی در کنار فرهنگ و تاریخ دیگر مناطق جهان و... از این ویژگی هاست، که لازمه ی آن، همواره، امید و تلاشی بوده است که در شرایطی با ضعف های بسیار محیطی و در سعی برای پایدار نگه داشتن سلامت اندیشه، دوام آورده، رشد کرده و ثمره داده است. مکانی که می توان در گریز از نا امیدی های نشات گرفته از انفعال

فضای علوم اجتماعی، به آن پناه برد؛ به امید پیشبرد قدمی هرچند کوچک برای حرکت به سمت آموختن و تغییر دادن. «انسان شناسی و فرهنگ» از این رو، پرکننده ی یک خلاء است؛ خلای در آنچه که این حوزه به طبع باید بهترین زمینه ی آن باشد؛ عملکردی فعالانه و پرنشاط با هدف تغییر آنچه که هست به آنچه که باید باشد.

امیدورایم و مطمئن، که تمامی این «کوشش» ها و «امید» ها ثمره ای دهند در خور آنچه که در این زمین کاشته می شوند؛ «مه پرستان که ستاره همه شب می شمرد / آخر این کوشش و امید به جایی برسد...»*

* : دیوان شمس .

Jafari.e.marzi@gmail.com



انسان شناسی و فرهنگ، عرصه عمومی کنشگران فرهنگ

امیر جعفری آزاد

کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

«شناخت»، محور کنجکاوی و بزرگترین دغدغه بشر از سحرگاه آفرینش تاکنون بوده و ادامه تلاش او برای بودن و شدن های بعدی؛ شناخت، التیام بخش روح کنجکاو و جستجوگر بشر و نیروی محرکه برای تمام اکتشافات، دستاوردها و رمزگشایی های او بوده است. بشر ابتدا از محیط و اجسام شروع کرد و در نهایت شناختن را به خود و درونیات خود تعمیم داده و امروز کمتر موضوعی است که بشر تشنه به شناختن، وارد آن نشده باشد و تفاوت فقط در زمان آغاز به پروسه شناختن است.

پس از مصاف چند هزار ساله با طبیعت و شکل گرفتن اسلحه‌ای به نام علم، بشر نقش همیشه مغلوب خود را با ژست شکارچی فاتح بر بالای پیکر نیمه جان طبیعت عوض کرده و هم اکنون به شناخت آفریده‌های خود و پرتوهای این آفرینش در حیاتش پرداخته است. این عرصه جدید چند دهه بیشتر عمر ندارد، اما به ناگاه گستره‌ای شده به نام "علوم انسانی"، به وسعت انسان و درون نامحدود او. این دایره به تدریج آنچنان وسعت یافته که ورود برای شناخت هر عرصه سال‌ها مقدمه می‌خواهد و کار در گوشه‌ای از آن، تمرین و تجربه و تلاش برای یک عمر. از میان این دایره‌های شناخت، انسان‌شناسی با وجود جوانی و کم‌سالی، جایگاه ویژه و نابی را کسب کرده شاید به قول اریک ولف به این دلیل که «انسان‌شناسی، علمی‌ترین رشته علوم انسانی و انسانی‌ترین رشته میان علوم است».

عمر انسان‌شناسی در معنای آکادمیک آن شاید به نیم قرن هم نرسد. متون انسان‌شناسانه تا چند سال اخیر در زیر مجموعه جامعه‌شناسی طبقه‌بندی می‌شده و حتی می‌توان ادعا کرد در زمان حاضر هم، یک نفر خواننده تحصیل کرده در رشته‌های فنی، متن انسان‌شناسی را مطلبی جامعه‌شناسانه قلمداد می‌کند، چرا که هنوز نهالی به نام انسان‌شناسی از زیر سایه انبوه درخت پیر و پرشاخه جامعه‌شناسی بیرون نیامده و قابل دیدن برای عام نیست. اما 6 سال است که روحی تازه بر این نهال نوپا دمیده شده و چنان قدرتی برای بالندگی و سرکشی آن داده است که حتی بسیاری از باغبانان باتجربه و زمستان دیده جامعه‌شناسی نیز گوشه چشم و الطفاتی به این نهال ارزشمند پیدا کرده‌اند. این هوای تازه، "انسان‌شناسی و فرهنگ" است که با آغاز فعالیت خود، هم انسان‌شناسی را صاحب‌خانه و کاشانه کرد، هم فرهنگ را و هم انسان‌های فرهنگ دوست را.

"انسان‌شناسی و فرهنگ" مثل پیر خرقان شد که می‌گفت «هرکه در نزد خدا به جانی ارزد در سرای ابوالحسن به نانی ارزد» و اینچنین سفره نعمت خود را بر دوستداران فرهنگ گشود تا هر کس به میل خود از این خوان پرنعمت بهره‌مند شود. گستردگی، تنوع، به روز بودن و از همه مهم‌تر معتبر و مستند بودن، شاخص‌هایی هستند که از هر لحاظ، مخاطبان "انسان‌شناسی و

فرهنگ" را هم راضی می‌کند و هم قانع. خوشبختانه وسعت اطلاعات و مطالب در این درگاه آنقدر افزایش یافته که برای جستجوی اینترنتی در هر موضوع فرهنگی، کمتر پیش می‌آید که یک سر آن به "انسان‌شناسی و فرهنگ" ختم نشود. طبقه بندی خوب و علمی، دسته بندی موضوعی، نگاه باز و در نظر گرفتن تمام سلیقه‌ها، نیازها و گرایش‌ها این درگاه را از هر گونه یک سویه پردازی و حرکت تک بعدی دور نگاه داشته است. بالاخص درج مطلب با نگاه‌های متفاوت از یک موضوع و اجازه انتشار مطالب نقادانه، آن را به یک عرصه عمومی برای اهالی فرهنگ تبدیل کرده است تا با کنش‌های علمی خود، سنتز موثر، ماندگار و مثبتی به نام «فرهنگ پویا و زنده» را به ارمغان بیاورند. این درگاه عرصه ای شده برای کسانی که تشنه دانستن هستند و با دیدن چشمه‌ای گوارا و زلال، عطش دانستن خود را فرو می‌نشانند، انگیزه ای شده برای کسانی که بر این باور بوده اند تحصیل علم در ایران یعنی وقت گذرانی صرف در کلاس‌های وقت گیر و اخذ کاغذ باطله‌ای به نام مدرک، چرا که می‌پنداشتند گذراندن آخرین واحد دانشگاه یعنی خداحافظی با محیط‌های تبادل علم. اما "انسان‌شناسی و فرهنگ" امکان دیدن و دیده شدن را به علاقمندان می‌دهد، دیدن کسانی که هم سودا و هم فکر تواند و دیده شدن افکار و ایده‌هایی که اگر مخاطب نداشته باشند، در هزار توی مغز گم و گور می‌شوند.

امید که این حرکت هر روز بیشتر از قبل، غنی تر و پرمغزتر شود و با سعه صدر و تحمل، به سمت موضوعاتی برود که همیشه حساسیت‌های بی مورد و مرزهای بی معنی دور آنها بوده و اجازه ابراز نداشته اند، شاید که از همین عرصه حرف‌های حساب نیز برای گفتن باشد.

amirjazar@gmail.com



از مجازی تا واقعی

حامد جلیلوند

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

مدیر فنی و توسعه انسان شناسی و فرهنگ

«آنقدر بد خطم که حتی نوشته‌های تایپم را هم نمی‌توان خواند!» این نوشته‌ی روی دیوار چشمانم را دزدید. لبخند کوتاهی که با خود داشت را این فکر از لبانم برد که آدم‌ها فردا از دست‌خط چه خواهند فهمید. مرز میان واقعیت و مجاز را تکنولوژی‌های جدید چنان مخشوش کرده‌اند که تفکیک‌ها و مرزبندی‌های کلاسیک دیگر پاسخگوی نیاز ما نیستند. «انسان‌شناسی و فرهنگ» نیز امروز کم و بیش در چنین موقعیتی قرار دارد. سؤال اینجاست که انسان‌شناسی و فرهنگ یک نهاد واقعی است یا مجازی؟ از یک سو می‌توان گفت نهادی واقعی است چرا که روابط میان اعضای آن در محیط خارج از شبکه هم وجود دارد اما از سوی دیگر تمامی این روابط حول یک وب سایت اینترنتی جریان دارد و حذف آن می‌تواند تمامیت این روابط را زیر سؤال ببرد، پس انسان‌شناسی و فرهنگ نهاد مجازی است.

پاسخ به این سؤال و دفاع از مجازی یا واقعی بودن انسان‌شناسی و فرهنگ می‌تواند به بحثی طولانی دامن بزند اما هدف من از طرح این سؤال پرداختن به پاسخ آن نیست، بلکه هدف اصلی جلب توجه مخاطب به ضرورت توسعه همزمان فعالیت‌های انسان‌شناسی و فرهنگ در فضای مجازی و واقعی است. جایگاه و نقش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در شکل‌گیری انسان‌شناسی و فرهنگ بر مخاطبان آن پوشیده نیست. تنها به عنوان یک مثال می‌توان به این موضوع اشاره کرد که وب سایت فعلی انسان‌شناسی و فرهنگ طی دوران فعالیتش، چهار مرتبه مورد بازبینی و ویرایش‌های اساسی قرار گرفته است و در حال حاضر

نیز مطالعات و کارهای مرتبط با پنجمین ویرایش آن در دست انجام است. تا به امروز این وب سایت اصلی‌ترین باز نمود فعالیت‌های انسان‌شناسی و فرهنگ بوده و عمده هزینه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ نیز صرف تولید، نگهداری، تهیه نسخه پشتیبان و بازیابی اطلاعات پایگاه اینترنتی انسان‌شناسی و فرهنگ شده است. توسعه فعالیت‌های انسان‌شناسی فرهنگ در فضای مجازی، آن را به سمت شکل دادن یک نهاد در دنیای واقعی کشاند. اما سؤال اینجاست که مسئله حرکت از دنیای مجازی به دنیای واقعی را تا کجا باید ادامه داد؟ تنها بدنه مدیریتی انسان‌شناسی و فرهنگ باید در دنیای واقعی بازتولید شود و یا آن‌که دیگر سطوح روابط در انسان‌شناسی و فرهنگ نیز نیازمند حرکت به سمت واقعی شدن هستند؟

به نظر می‌رسد محدود شدن فعالیت‌های اعضای سطوح مختلف انسان‌شناسی و فرهنگ در سطح مجازی، امکان چرخش و تبدیل سرمایه‌های بوردیویی را برای آن‌ها و البته خود انسان‌شناسی و فرهنگ محدود و بعضاً مختل می‌کند. گردهم‌آیی‌های سالانه، شکل‌گیری گروه‌های تخصصی در دنیای واقعی، برگزاری سفرهای علمی، پیک‌نیک‌های یک روزه و برنامه‌هایی از این دست امکان شکل‌گیری و تسهیل روابط واقعی میان اعضای انسان‌شناسی و فرهنگ را فراهم می‌آورند. سرمایه اجتماعی حاصل از این دست از تجربه‌ها در کنار داشته‌های امروز انسان‌شناسی و فرهنگ می‌توانند پشتوانه قابل اعتمادی برای گسترش و تدام فعالیت‌های آن باشد.

hamed.j@gmail.com



آینده یک نهاد فرهنگی و تجربه های متناقض احساسی

محمد رضا حائری مازندرانی

مهندس معمار و شهرساز و مدیر مسئول نشریه اندیشه ایران شهر

وقتی خبر سالگرد تولد شش ساله شدن یک نهاد فرهنگی مانند سایت انسان شناسی و فرهنگ را می شنوی یک تجربه ی احساسی متناقض در وجودت بیدار می شود: خوشحالی بسیار و نگرانی شدید.

نمیدانی که این نهاد فرهنگی به سبب فرهنگی بودن و پایداری شش ساله اش آیا می تواند چندین سال دیگر خود را به سالگرد تولدی دیگر متصل کند؟

این نهاد فرهنگی اگر چه در وجود مجازی است ولی در ماهیت تاثیرات حقیقی فرهنگی عمیقی را بسترسازی کرده است و این خوشحالی زائد الوصفی را در بر دارد. همه ی ما می توانیم به سرنوشت نهادهای فرهنگی نگاه کنیم و از نامعلومی عاقبت آنها نگرانی سنگینی را در خود احساس کنیم.

نمی توان دقیقاً پیش بینی کرد که تداوم نهادهای فرهنگی در ایران به چه عواملی بستگی دارد:

به خصوصی بودن، به مجازی بودن، به مدیریت، به کار و کوشش اعضا، به ماهیت، به پژوهشگری روزگار گذراندن و سیاسی نشدن، به روشنگری پرداختن و پرده برداری از نادیده ها و نامعلومی ها (در مقابل افشاگری و پرده دری)، به یافتن و معلوم کردن این بی شمار عناوین کار نشده در کشور ما در زمینه های گوناگون، و اگر همه اینها باشد چرا باید نگران بود؟ بخاطر اینکه:

تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس

اما نمی توان بخاطر این نگرانی های تاریخی مزمن شده کار و زندگی کنجکاوانه را رها کرد و از روشنگری دست شست و از خوشحالی کنار رفتن پرده های جهل بی نصیب ماند.

خوب من دانائی را بنشان بر تخت و توانائی را حلقه به گوشش کن.

andishe.iranshahr@yahoo.com



نخستین نشریه علمی - ترویجی در انسان شناسی

بهاره حجتی

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان شناسی د انشگاه تهران

همکار انسان شناسی و فرهنگ

متأسفانه به دلیل بی مهری‌هایی که معمولاً نسبت به انسان شناسی و زیر مجموعه های متعدد آن در عرصه ی علم و فرهنگ روا می‌دارند، جنبه‌های مثبت و کارآمد این رشته هنوز از چشم مسئولان غافل مانده است، سایت انسان شناسی و فرهنگ با توجه به همین نادیده گرفته شدن‌ها در مهرماه سال 1385 پایه گذاری شد و آمد که حرفی برای گفتن داشته باشد و بتواند نظرها را به خود جلب کند.

این نشریه ی الکترونیکی با هدف آگاه کردن افکار عمومی نسبت به فرهنگ، ضرورت توجه به آن و کاربرد این رشته در سایر بخش‌ها شروع به کار کرد، انسان شناسی و فرهنگ، نخستین نشریه ی علمی ترویجی در زمینه ی انسان شناسی بود که به منظور گسترش دانش انسان شناسی و معرفی این رشته به سایرین دردسترس همگان قرار گرفت. در اوضاع و احوال امروز دانشگاه‌های ایران که بسیاری از نشریه‌های دانشگاهی، متأسفانه به دلیل مشکلاتی از

قبیل عدم توزیع مناسب و ... در گوشه و کنار کتاب خانه ها و گاه انبارهای دانشکده ها خاک می‌خورند، انسان شناسی و فرهنگ توانست با به کار گرفتن امکانات گسترده ی اینترنت که مورد اقبال نسل جوان (و نه چندان کتاب خوان) هم بود، طیف قابل توجهی از مخاطبها را به خود جلب کند و به نوعی پاتوق اینترنتی، نوعی حوزه ی عمومی دانشجویان و علاقه مندان این رشته تبدیل شود. از سوی دیگر برای ما دانش آموختگان و دانشجویان انسان شناسی که در این رشته به تحقیق و پژوهش دست می زنیم، منتشر شدن کارنوشت های دانشجویی مان در این سایت، که مقاله ها در آن بلافاصله در اختیار مخاطبان آن در هر کجای ایران قرار می‌گیرد و نظرات آنها نیز از طریق آن مستقیماً به ما انتقال می‌یابد، نوعی دلگرمی به شمار آمده، خود باعث تشویق ما به فعالیت بیشتر در این رشته می‌شود. از این رو می‌توان گفت که انسان شناسی و فرهنگ در عین برخورد تخصصی به رشته ی انسان شناسی، به دلیل طیف گسترده ی مخاطبان و ارتباط مجازی آنان با نویسنده و همچنین روند سریع چاپ مقاله ها در آن (به ویژه در مقایسه با برخی نشریات دانشگاهی که تنها بررسی مقاله توسط هیات تحریریه در آن، شش ماه طول می‌کشد.) توانسته ویژگی‌های یک نشریه ی علمی دانشگاهی را با امکانات متنوع تر رسانه هایی مانند روزنامه در هم آمیزد. از همین رو امید است با افزایش توجه به علوم انسانی و به ویژه قایل شدن اهمیت بیشتر برای رشته ی جذاب و همیشه تازه ی ما، سایت انسان شناسی و فرهنگ نیز بتواند هر روز، حرفی تازه برای گفتن به دوستان انسان شناسی ایران داشته باشد.

bahareh_hojjaty@yahoo.com



بیرون جهیدن از صف

اسماعیل حسام مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی- دانشگاه کاشان

"برای آنکس که دیگر وطنی ندارد، نوشتن جایی می‌شود برای زیستن..." تئودور آدورنو

سالیانی پیشین را به یاد می‌آورم که وبسایت سابق انسان شناسی و فرهنگ، برای من که روزنامه‌نگاری در جنوب بودم، نقطه عزیمتی می‌شد که با مفاهیم فرهنگی، مواجهه‌ای بی‌واسطه پیام و خاطره‌ی عکس- نوشته‌های‌اش مرا به مخاطبی همواره مبدل می‌نمود و هم‌چنان‌که این وبسایت راه‌اندازی شد و من بازهم خود را در مسیر مواجهات آن قرار داده‌ام. برای من که جهان را از منظر متن و نوشتار رصد کرده‌ام، انسان‌شناسی و فرهنگ همان-جایی بوده که نوشتن را مبدل به چیزی کرده که فرانتس کافکا از آن این‌گونه یاد می‌کند؛ نوشتن، بیرون جهیدن از صف مردگان است.

paradox_hesam@yahoo.com



تولدی دوباره برای الف نون سین الف نون در انسان شناسی و فرهنگ

صدیق حسین زاده

مسئول روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان شهرستان نیکشهر

الف مثل انسان، موجودی پیچیده با باورهای متفاوت، علم با وجود تمام پیشرفت هایی که داشته هنوز نتوانسته از انسان یک مرجع کامل ارائه دهد، پیچیدگی انسان تنها در جسم و فیزیک بدن او خلاصه نمی شود و باید جسم را در کنار اعتقاداتی قرار داد که یک فرهنگ را می سازند گرچه شاید این باورها در ردیف مابعد الطبیعه یا متافیزیک قرار گیرند و دلیلی علمی برای آن یافت نشود.

نون مثل نوستالژی، پنج سال برای آنهایی که ثانیه ثانیه عمرشان را برنامه ریزی کرده اند زمان زیادی است و برای آنهایی که بی برنامه بودن جزئی از زندگی شده پنج سال پنج روز هم نیست. دلایل بسیاری دارم تا پنج سال گذشته برای من بسیار ناراحت کننده باشد و دیر آشنا شدن با اهالی انسان شناسی و فرهنگ در زمره مهمترین ها قرار می گیرد و به باور من اگر هدف انسان شناسی و فرهنگ تبدیل شدن به مکانی برای تبادل اندیشه و عرضه افکار و پژوهش ها و ارائه اخبار و رویدادهای فرهنگی و گزارش آنها و ایجاد رابطه میان دانشگاهیان، روشنفکران و دانشجویان و نویسندگان بوده، باید گفت که به این هدف نزدیک شده و اگر اقرار نباشد بهتر است بگویم به این هدف رسیده است.

سین مثل سبک و سلیقه، وقتی به تاریخ کار گروهی آن هم از نوع فرهنگی در کشورمان بنگریم می بینیم که تضاد سلیقه ها همیشه باعث فروپاشی آن گروه بوده و اعضا نتوانسته اند قبول کنند که سبکی غیر از روش آنها نیز وجود داشته باشد، اما انسان شناسی ثابت کرد که میشود همدیگر را با نگرش های متفاوت تحمل کرد و سبک و نوشته او را برای خوانندگان به قضاوت گذاشت.

الف مثل انسان شناسی و فرهنگ ، نمی دانم که یک مرجع کاملاً ایرانی آن هم در فضای مجازی برای شناخت انسانهایی با فرهنگ های متفاوت از چین گرفته تا قلب اروپا چقدر برای شناختن و شناخته شدن مفید باشد اما می دانم اگر به قسمت آمار مراجعین سایت انسان شناسی و فرهنگ سر بزنیم متوجه می شویم که جستجوگر گوگل کاوشگران فارسی زبان اینترنت را برای یافتن مرجعی در باب انسانها و فرهنگ های گوناگون بشری به این سایت راهنمایی می کند تا خلا دانش خود در انسان شناسی و فرهنگ پر کنند.

نون مثل نشاط می دانم شما هم به این باور رسیده اید که در جامعه ما روزمره گی به یک بیماری تبدیل شده و تا هنوز دارویی نیز برای آن کشف نشده است، خوشحالم که شما به مقابله با این بیماری برخواسته اید و این از همان شناخت شما از فرهنگ های گوناگون انسان شناسانه است، شما نشان دادید در علوم اجتماعی همت و تلاش اساس کار است و خستگی و کار امروز را به فردا وا گذاشتن در آن جایی ندارد از شما تشکر کنم چون به من دارویی دادید برای مقابله با بیماری روزمره گی.

sedig.hoseinzadeh@gmail.com



برای ششمین سالگرد انسانشناسی و فرهنگ

گلناز خالقی

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

سایت انسانشناسی و فرهنگ را در واقع باید چیزی فراتر از یک سایت دانست. انسانشناسی و فرهنگ، اجتماعی از علاقه مندان به این رشته و به طور عام به فرهنگ است؛ که در دورانی که همه چیز با میزان سودمندی مادی سنجیده می شود، بی

هیچ حمایت مادی و تبلیغاتی 6 سال به فعالیت خود ادامه داده است و هر روز داوطلبان بیشتری علاقه مند به همکاری با سایت می شوند. همین اتفاق است که انسانشناسی و فرهنگ را به عنوان یک نهاد علمی - فرهنگی، ارزشمند و متمایز کرده است.

باید گفت که انسانشناسی و فرهنگ در این جایگاه خود تبدیل به شکل جدیدی از فرهنگ شده است. فرهنگ ارزشمندی فرهنگ و علم به خاطر خود فرهنگ و علم، و تلاش علاقه مندان و متخصصان این حوزه برای اثبات ارزشمندی آن و اثبات علت و ضرورت وجودشان در جامعه.

تجربه‌ی شخصی من برای همکاری با سایت - اگرچه آشنایی با سایت به همان سالهای اول بر می گردد- با ورود به دانشگاه بعنوان دانشجوی ارشد انسانشناسی شروع شد. و در همین تجربه‌ی عملی در این عرصه بود که من آموختم، جسارت نوشتن و گفتن اندیشه‌هایم را داشته باشم. و بدانم که برای وجود داشتن در این عرصه لازم است که بنویسم؛ تا خواننده شوم و در واقع باید گفت که حتی اگر دانشمند و نظریه پرداز نابغه‌ای باشی ولی افکارت در خانه‌ی ذهنت و یا در یادداشت‌های شخصیت باقی بمانند، انگار هیچ وقت وجود نداشته‌ای. اینکه در نوشتن است که به ضعف‌ها و قوت‌های خود پی می‌بریم؛ تا اصلاح شویم و یک قدم به جلو برداریم. در نوشتن است که فکر شکل می‌گیرد، ساخت و پرورش می‌یابد.

در نهایت سایت انسانشناسی و فرهنگ را باید به خاطر اندیشه خلاقانه آن در تولید مطالب علمی و خارج ساختن آن از چارچوب سخت رسمی، ولی نه زایل کردنش، و به خاطر امکان و جسارتی که به علاقه مندان در این رشته می‌دهد متفاوت دانست.

golnaz.targhi.khaleghi@gmail.com



عمومی کردن دانش اجتماعی

بهناز خسروی

دانشجو دکتری انسان شناسی، دانشگاه لیون فرانسه

مدیر صفحه سبک زندگی

پنج سال از تولد انسان‌شناسی و فرهنگ می‌گذرد؛ مجموعه‌ای که شاید در آغاز فعالیت آن کمتر کسی تصور می‌کرد چیزی چندان متفاوت از دیگر سایت‌ها و وبلاگ‌های موجود در حوزه علوم اجتماعی باشد. اما امروز می‌توان گفت به ندرت اتفاق می‌افتد در اینترنت کلیدواژه‌ای را در علوم اجتماعی به فارسی جستجو کنیم و موتور جستجوگر صفحه یا صفحاتی را از مجموعه انسان‌شناسی و فرهنگ به ما معرفی نکند؛ این شاید کمترین دستاورد این مجموعه باشد.

انسان‌شناسی و فرهنگ در قالب یک پایگاه اینترنتی با جمع بزرگی از دانشجویان، استادان و علاقمندان علوم اجتماعی در ارتباط است. به راحتی می‌توانیم به عنوان یکی از اعضای این مجموعه مطلبی را در آن منتشر کنیم و یا در هر بار مراجعه به آن، چند ساعتی را صرف خواندن مطالب جدیدش کنیم. اما باز هم این همه ماجرا نیست.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین اهدافی که انسان‌شناسی و فرهنگ، در قالب پایگاه اینترنتی، دنبال می‌کند؛ ترویج و عمومی کردن دانش اجتماعی است. این همان چیزی است که سال‌هاست در برخی کشورهای انگلیسی زبان تحت عنوان **Public Science** و در فرانسه با عنوان **Science Vulgarisée** پیگیری می‌شود. در واقع در حوزه‌های مختلف علم نشریات گوناگونی وجود دارند که مشخصاً هدف خود را عمومی کردن دانشی خاص قرار داده‌اند. این امر به خصوص در مورد علوم انسانی با اقبال زیادی روبرو

شده است. این علوم معمولاً علاقمندان زیادی دارند اما کمتر کسی جسارت آن را دارد که صرفاً به عنوان یک علاقمند به سراغ کتابهای حجیم برود تا دریابد فلان متفکری که بارها اسم او را شنیده چه گفته و چه نظراتی داشته است یا مثلاً جامعه‌شناسان امروز در مورد مسائل گوناگون جامعه چه تحقیقاتی انجام داده‌اند. کار این نشریات از پاسخ به همین پرسش‌ها آغاز می‌شود و با انتشار هدفمند مطالب مختلف گام مهمی را در جهت آشنایی مخاطبان در سطوح مختلف با دانش مورد نظر و دستاوردهای آن برمی‌دارند.

امروز جای بسی خوشبختی است که در ایران نیز انسان‌شناسی و فرهنگ راهی را در جهت عمومی کردن و ترویج دانش اجتماعی باز کرده است. این مجموعه اینترنتی اگر چه هنوز به انسجام نشریه‌ای مانند مجله علوم انسانی در فرانسه که مشخصاً با هدف عمومی کردن دانش فعالیت می‌کند و سال گذشته بیستمین سال فعالیتش را جشن گرفت، نرسیده است؛ ولی گام بزرگی را در این راه برداشته که بسیار قابل تحسین است. امروز با وجود همه مشکلات و سختی‌هایی که در کار وجود دارد، وقتی به مجموعه‌ای که دکتر ناصر فکوهی مدیریت می‌کند نگاه می‌کنیم، شکی نداریم که این سایت به ظاهر ساده اینترنتی جز با دانش و تجربه و پیگیری و پشتکار مدیریت مجموعه و البته تلاش و همکاری بسیاری از علاقمندان و کنشگران فعال این عرصه ممکن نبوده است. کافی است در این زمینه دستی داشته باشیم یا تلاش کوچکی کرده باشیم که بدانیم انتشار منظم مطالبی از این دست آن هم به صورت روزانه طی پنج سال متوالی به هیچ وجه کار ساده‌ای نیست و قطعاً ایمان و اعتقاد راسخی را طلب می‌کند. با مشاهده این روند ترجیح می‌دهم لااقل به مناسبت تولد آن، خود را در گفتن یک دست مریزاد کوچک را سانسور نکنم و آرزوی پایداری و ادامه راه آن را در شرایط پرفراز و نشیب علوم انسانی ایران داشته باشم. به این امید که ما هم نقش موثرتری در این راه مهم داشته باشیم و با برنامه‌ریزی‌های بیشتر و حضور فعال‌تر گام‌های منسجم‌تری را در راه ترویج دانش خود برداریم.

behnaz.khosravi@gmail.com



جایگاهی برای دانشجویان

فاطمه خضری

کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

سایت انسان‌شناسی و فرهنگ شش سال است که فعالیت دارد. با این که چند سال پیش سرور سایت انسان‌شناسی و فرهنگ دچار مشکل شد اما توانست سریع با طراحی جدید دوباره فعالیت‌اش را از سر گیرد. وقتی این روزها به آن مراجعه می‌کنم و آن را با چهار سال پیش مقایسه می‌کنم متوجه پیشرفت‌اش می‌شوم. شاید پیشرفت را بیشتر بتوان در این دید که رشته‌های مختلف را برای گفت‌وگو و تبادل نظر دور هم جمع کرد. درست است این سایت کار خودش را بیشتر با انتشار نوشته‌ها و تحقیقات دانشجویان انسان‌شناسی دانشگاه تهران شروع کرد اما امروزه قدم در راه تخصصی شدن برداشته است و دارای مدیرهای متعددی است؛ حتی مدیرهایی خارج از حوزه علوم اجتماعی و انسان‌شناسی و همچنین این مدیران شامل اساتید دانشگاه‌های خارج از کشور و شهرستان‌ها هم می‌شود. بنابراین دانشجویانی بیشتری به نسبت دانشجویان انسان‌شناسی دانشگاه تهران این روزها فرصت انتشار مطالبشان را دارند. شاید برای یک جوان انتشار مطالب‌اش یک دخوشی باشد که برای بهتر نوشتن تمرین کند؛ وقتی محدودیت انتشار مطالب به صورت کلاسیک و نوشتاری وجود دارد. دانشجوی می‌داند وقتی مطلبی را در یک حوزه مشخص علوم اجتماعی یا مربوط به این حوزه نوشت بالاخره مدیر آن بخش یا یک استاد به کار او نظر می‌دهد و سپس انتشار پیدا می‌کند؛ چه خوب که تلاش‌ها کوچک در راه فکر کردن هم نابود نشوند. وقتی حرف منتقدین سایت انسان‌شناسی و فرهنگ را می‌شنوم که

می‌گویند اکثر مطالب منتشر شده روی سایت زیاد ارزش علمی ندارند تعجب می‌کنم. آخر به نظرم می‌رسد این منتقدین توقع دارند فقط نظریه‌های بزرگ حق انتشار را دارند و دیگر هر تلاشی باید در نطفه خفه شود. اما ما در کشوری زندگی می‌کنیم که برای یادگرفتن تفکر هنوز قدم‌های اولیه را بر می‌دایم؛ پس من هر تلاشی که برای محکم کردن این قدم‌ها برداشته شود را می‌ستایم. به نظر می‌رسد سایت انسان‌شناسی با این هدف فعالیت خود را شروع کرده که نوع نوشتن تحقیقات دانشجویها و نوشته‌های حوزه علوم اجتماعی و حوزه‌های مربوط به آن مورد نقد قرار بگیرد؛ چون این سایت چگونگی کارهای دانشجوها و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و حوزه‌های مربوط به آن را آشکار کرده و آن را در دسترس عموم مردم قرار داده است. مردم نمی‌توانند به مجلات تخصصی علوم اجتماعی دسترسی داشته باشند اما اینترنت یک وسیله اطلاع رسانی عمومی است؛ وسیله‌ایی که نه تنها مردم بلکه متخصصین ما هم تا اندازه‌ایی از آن وحشت دارند. آخر اینترنت فضایی است که تخصص و انحصارگرایی را به زیر سوال می‌برد و اجازه می‌دهد افراد متفاوتی وارد گفت‌وگو با فردی شوند که در این فضا مطلب انتشار می‌دهد. بالاخره اینترنت قدرت شکستن فاصله‌ها را دارد. سایت انسان‌شناسی و فرهنگ این قدرت را داشته است که بگوید ما این گونه فکر می‌کنیم و می‌نویسیم و سایرین حق دارند کار ما را به نقد کشانند.

من خودم شخصا با وجود سایت انسان‌شناسی و فرهنگ خیالم راحت است که از کتاب‌های جدید و خبرهای حوزه‌ی علوم اجتماعی و حوزه‌های مربوط به آن بی‌خبر نمی‌مانم و همچنین می‌توانم با ایده‌هایی دست‌نخورده که در تحقیقات دانشجویها وجود دارد، رو برو شوم؛ شاید این یک دلیل باشد که دوست دارم به سایت انسان‌شناسی و فرهنگ همواره سر بزنم.

ای کاش سایت انسان‌شناسی و فرهنگ بیشتر در فکر انتشار و انسجام نظرات مراجعینش باشد.

fatemekhezri@gmail.com



روایت یک تجربه

مرضیه دافعیان

کارشناس انسان شناسی، دانشگاه تهران

مسئول بخش فرهنگ آنلاین انسان شناسی و فرهنگ

این یادداشت روایتی است از تجربه ی شخصی نگارنده در طول چهار سال فعالیت اش با سایت "انسان شناسی و فرهنگ".

یک سال پس از ورود به دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و آشنایی با فضای علوم اجتماعی، برخورد با افراد ، دیدگاه های رنگارنگ، تشکل ها و فعالیت های مختلف و سردرگمی در میان واحدهای درسی که بعضاً هیچ ارتباطی با آنچه که از یک دانشجوی علوم اجتماعی توقع می رود، نداشت، همراه با دوستان پرنشاط و علاقه مند به حوزه ی انسان شناسی در انجمن علمی دانشجویان رشته ی انسان شناسی تلاشمان را برای بهبود و کارآمد نمودن وضع موجود آغاز کردیم و هم قدم با دوستانی شدیم که سعی و کوشش برای تغییر را زودتر از ما شروع کرده بودند، نامه ها و امضا های بسیاری را ازاین اتاق به آن اتاق، از این مسئول به آن مسئول برده و با پاسخ های تکراری بسیاری مواجه شده بودند. فعالیت بچه های انجمن در همه ی ابعاد ، با رشد خوبی همراه بود. با این حال هرچند کارهای بسیار چشم گیری انجام شد، اما صرفاً محدود می شد به کارهای مقطعی که چیزی از مشکلات اصلی دانشجویان این رشته را حل نمی کرد. لذا پس از صرف وقت و نیروی بسیار، در نهایت تصمیم گرفتیم بسیاری از واقعیت ها را بپذیریم و به این نتیجه رسیدیم که فعالیت های ما هر چه قدر هم زنده و پویا باشد، در آن تجربه لازم وجود ندارد. ساختار آموزشی هرچه قدر هم معیوب باشد، مدل معادلی از سوی ما قابل ارایه نیست. مطالب و تولیدات حوزه ی علوم اجتماعی به ویژه حوزه انسان

شناسی هر چه قدر هم مفید و کارآمد نباشد، باز هم ما آنقدر مشروعیت نداریم که بخواهیم چیز دیگری در این حوزه ارایه دهیم. با این وجود ما این را دریافته بودیم که نسبت به این رشته علاقه ای داریم و با آشنایی هر چه بیشتر مسوولیتی نیز بر دوشمان قرار می گیرد. مسوولیتی در مقابل علمی که بر دانش ما افزوده است.

توجه به موجود انسان در همه ی ابعادش از اصول اولیه علم تازه تحول یافته ی انسان شناسی است. انسان رنج دیده و منتظر در میان کورراه های بشریت که با امید به بهبود وضع موجودش، آن هم در جهان فرو رفته در ساختارهای تو در تو ی ساخته ی دست خود، تلاش می کند. امید، حرکت و ارائه ی راه حل از نشانه های بارز ایشان بود. به همین سبب اندکی بعد از فروکش کردن همه ی جنب و جوش ها و پراکنده شدن افراد، دوستان به طور فردی یا دسته جمعی به نزد ایشان رفتند تا پیرامون این وضعیت مشورت کنند.

از دوستان شنیده بودم که مدتی است سایتی راه اندازی شده است. در آن مطالب دانشجویان نیز جایگاهی دارند و سعی می شود تا نیرو و استعداد های دوستداران حوزه انسان شناسی را به شکل نظام مند به کار گیرد و پرورش دهد. لذا پس از مشورت با دوستان با سابقه که ارتباط بیشتری با اساتید داشتند، به خاطر دارم که لیستی از سوالات را در ذهنم داشتم آماده کردم تا در جلسه با مدیریت پایگاه آنها را بپرسم و مدام به این فکر می کردم که چه طور می توانم ظرف نیم ساعت همه ی آنها را بپرسم. اما جلسه از ۲۰ دقیقه بیشتر نشد و چکیده ی این جلسه ی ۲۰ دقیقه ای سه خط بود. مدیر سایت "انسان شناسی و فرهنگ" این طور مطرح نمودند:

" به عقیده ی من هر دانشجویی باید سه قابلیت کلیدی داشته باشد که متأسفانه در سیستم آموزشی ما بعضاً افرادی هستند که دکترا گرفته اند و هنوز این سه قابلیت را کسب نکردند، لذا ما تلاش می کنیم تا دانشجویان به این سه قابلیت دست یابند:

1 قابلیت نوشتن:

افرادی هستند که دانش خوبی دارند اما نمی توانند، بنویسند. کسی هست که خیلی خوب سخن می گوید اما وقتی به او می گویی یک خط بنویس، اصلاً همه ی این مطالبی که داری در موردش حرف می زنی را بنویس نمی تواند این کار را بکند.

2 - زبان:

اگر می خواهی در محیط آکادمیک بمانی غیر از زبان مادری باید به دو زبان دیگر نیز مسلط باشی. زبان انگلیسی را که همه باید بدانند و زبان دومی مثل آلمانی، فرانسه و یا هر زبان دیگری که به حوزه ی مطالعاتی ات نزدیک تر است. اگر به یک قومیت خاصی تعلق داری، مثلاً ترکی، کردی یا مازندرانی و ... پیشنهاد می کنیم تا این زبان یا گویش را تقویت کنی.

3 - قابلیت تحلیل:

در نهایت قابلیت تحلیل است که این اصلاً کار ساده ای نیست اما با پشتکار، مطالعه و تجربه به مرور زمان شکل می گیرد. " پس از این گفتگو و در فضای جامعه ی امروزی مان که مملو است از باید و نباید های بی حاصل، حرف های دکترفکوهی نیز برایم حکم یکی از همین بایدها بود. سخن های بسیار خوبی که همه می گویند اما مسیر دستیابی و طرحی برای محقق شدنش، ارایه نمی دهند. با این حال با خودم فکر کردم که داشتن این اهداف هرچند که انرژی زیادی را می گیرد اما قطعاً ضرری ندارد. نکته ی قابل ملاحظه این است که من خود را در مقابل آن سه خط تا حدی توانا می دیدم اما در مورد هر کدام از این سه موضوع با تجربیات تازه ای مواجه شدم که بیان آن خالی از لطف نیست.

موضوع اول: از طرف انسان شناسی و فرهنگ پیشنهاد شده بود تا از معرفی کتاب، نوشتن را شروع کنم کاری که در نظر خیلی افراد، بسیار ساده است. شب تحویل که رسید، در کمال تعجب دیدم کاری که باید یک ساعت طول بکشد، حدوداً شش ساعت به طول انجامیده است. در این لحظه بود که معنی عبارت "تولید یک خط" را فهمیدم. به این کار ادامه دادم و توانستم به مرور

این قابلیت را تا حد معرفی و نقد کتاب و مقاله در خودم گسترش دهم.

موضوع دوم: در سال دوم فعالیت در سایت، کارگاه زبان تخصصی فرانسه توسط انسان شناسی و فرهنگ برگزار شد. این کارگاه در مورد متفکران فرانسوی به زبان فرانسه بود و شکل عملی آن به این صورت بود که در هر جلسه همه ی افراد باید یک متن تخصصی را ترجمه می کردند و دو نفر نیز دو متفکر تعیین شده را با ارایه ی پاورپینت معرفی کنند و بعد از یک ساعت تدریس، در مورد آن متفکران در کارگاه بحث و گفتگو می شد. تجربه این کارگاه باعث شد تا شرایط واقعی محیط آکادمیک فرانسوی زبان را درک کنم. علاوه بر اینکه محتوای جلسات بسیار پربار بود و دانش و اطلاعات علوم اجتماعی بسیار خوبی را برای همه در برداشت. نکته قابل ملاحظه دیگری نیز بود و آن بالا رفتن قابلیت شرکت کنندگان در بیان و توضیح مطالب علمی و همچنین تعامل با ابزارهای روز بود. همه ی اینها از اصول اولیه در آموزش است که در اینجا محقق گشت. این کارگاه در سال بعد نیز ادامه پیدا کرد و این بار تحت عنوان کارگاه فرهنگ فرانسه و کارگاه فرهنگ ژاپن ارایه گردید که کارگاه فرهنگ ژاپن به زبان انگلیسی برگزار شد. شور و شوق و استقبال دانشجویان برای شرکت در این کارگاه ها، فضای زنده و پرتحرکی را برای همه در برداشت.

موضوع سوم: سال سوم فعالیت، پایان نامه ام را می توانستم به انجام برسانم که به گمانم در اینجا محقق شد. این موضوع را مدیون ارتباط مدام با دست اندرکاران سایت می دانم. این امر سیستم تحلیلی ذهن را به خوبی فعال می کند و با حضور یک دغدغه می تواند منجر به تولید ایده شود.

اکنون پس از گذشت 4 سال، فارغ التحصیل رشته انسان شناسی شدم. در حالیکه بسیاری از قابلیت ها، دانش و اطلاعاتم را نه صرفاً از محیط دانشگاه بلکه در تعامل با فضای "انسان شناسی و فرهنگ" کسب نمودم.

خوشبختانه سایت "انسان شناسی و فرهنگ" که دیگر می رود تا تبدیل به یک موسسه ای پر توان شود. در ابتدا هرگز تصور نمی

شد، پس از مدتی این چنین گسترده شده به طوری که به فضای بزرگی از زیرشاخه های متنوع و کلیدی در حوزه ی علوم اجتماعی تبدیل شود و نیز نیروهای کارآمدی از دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا تا اساتید گرانقدر و پیشکسوتان، آن هم در ابعاد بومی و جهانی بتوانند در فضای ایجاد شده ی آن همکاری نمایند.

قطعاً چنین امری جز با تلاش های بی دریغ و کار داوطلبانه دوستان و همکاران عزیز و از همه مهم تر مدیریت سایت هرگز محقق نمی شد. تک تک ما شاهد صرف وقت ایشان در تعلیم و تربیت نیروهای تازه و جذب افراد متخصص و کارآمد بودیم و این از خدمات گرانبهایی است که نتیجه ی آن را در آینده شاهد خواهیم بود.

قطعاً کمک به حوزه علوم انسانی در درجه اول کمک به خود و از همه مهم تر جامعه پرورش دهنده ما است. "انسان شناسی و فرهنگ" فضایی است تا بتوانیم مشکلات و دغدغه های اجتماعی مان را فارغ از هر هیاهوی بی سرانجام در رویکردی علمی به اشتراک گذاریم و به جای نگاه سطحی سعی در درک آنها در بستر صحیح خود نماییم.

هرچند مشکلات و اتفاقات مختلف ما را از همکاری مداوم با بعضی از دوستان محروم ساخت. اما مسلماً تلاش گذشته آنها در رشد این محیط تأثیر گذار بوده و معرفی نیروهای جایگزین لازم باشد.

به شخصه شاهد این بودم که بسیاری از دوستان با علاقه زیاد و با هدف کارآمد شدن پا به این فضا گذاشتند. اما به عنوان عضوی از این گروه نیز می توانم درک کنم که زمان لازم برای فعالیت در سایت "انسان شناسی و فرهنگ" بیش از آن چیزی بوده است که از کار داوطلبانه توقع می رود. اما داشتن تعامل مداوم با سایت در بازه زمانی بلند بسیار بهتر از رفت و آمد های منقطع است.

نتایج فعالیت های فرهنگی نه دفعتاً که به مرور زمان مشاهده می شود. به همین دلیل نیز کار و همکاری با موسسه ی "انسان شناسی و فرهنگ" از سوی افراد با حوصله و آینده نگرتحقق می پذیرد. کسانی که دانسته تنها راه بیرون رفتن از وضعیت غیر

مطلوب اجتماعی و فرهنگی این سرزمین کهن و پر میراث را عشق و تلاش مضاعف و بی توقعانه در راه وطن، فرهنگ و در نهایت انسان و انسانیت می دانند.

در پایان لازم است از همه به ویژه کسانی که با تکیه بر وجدان فردی و کاریشان برای ارتقاء دانش به روز و واقعی حوزه علوم انسانی کمک می کنند، تشکر کنم.

Marziyeh.d@gmail.com



مهر آغازی بر انسان شناسی و فرهنگ

ملیحه درگاهی

کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

مهرماه برای هر کس همواره یاد آور خاطرات شیرین دوران کودکی و اولین روزهایی است که پا به عرصه ی علم و دانش نهاده است. روزگاری سرشار از هیاهو و نشاط، آموزگار مهربان، دوستان جدید، و لباس، کیف و کفش نو و قلم و مداد و دفتر. در این بین اولین روزهایی که با مسئولیت و تکلیف به معنای واقعی آن مواجه می شویم، دیکته ی شب می نویسیم، مبصر و خوب ها و بد های کلاس، ممتاز و گاه اخراج می شویم. سر صف جایزه می گیریم، اردو می رویم، روزنامه دیواری درست می کنیم و عضو گروه های مختلف در مدرسه همچون گروه سرود و تئاتر می شویم. بدین ترتیب طی این دوران پر هیاهو یاد گرفتیم که بیاموزیم و پله های دانش را یکی پس از دیگری بپیماییم.

چشم که بر هم گذاشتیم شدیم دانش آموز دبیرستانی. به یاد دارم که در آن دوران اینترنت، نحوه ی کاربرد آن و استفاده های مختلفی که می توان از آن به عمل آورد هنوز مفهومی تقریباً نا ملموس به شمار می آمد تا زمانی که قدم به دانشگاه گذاشتیم. به عنوان یکی از دانشجویان جدیدالورود جستجوهای اولیه که در اینترنت داشتم بیشتر به منظور کشف سایت های آموزشی و تفریحی بود و پس از آن در جهت تکمیل تحقیقات دانشجویی و بهره گیری علمی خیلی بیشتر از این فضای نا محدود دیدن می کردم.

سال 1384 دانشجوی سال سوم دوره ی کارشناسی بودم که با سایت انسانشناسی آشنا شدم. در آن زمان این سایت با همراهی چند تن از دانشجویان و با بهره گیری از هزینه ی شخصی و امکاناتی هر چند محدود این سایت علمی را با هدف پیشبرد علم انسان شناسی راه اندازی شده بود. این سایت از همان ابتدای کار عرصه ای بود برای دانشجویان، به ویژه در مقطع لیسانس که مقالات، یادداشت ها و سایر تحقیقات و پژوهش های دانشگاهی خود را در معرض دیده شدن، شناخته شدن، مورد نقد واقع شدن، پذیرفته شدن، رد شدن و ... قرار دهند و همچنین زمینه ای بود برای در دسترس قرار گرفتن تحقیقات علمی دانشجویی برای سایر دانش آموختگانی که خواهان بهره مندی از تجربیات و دانسته های دوستان خود بودند. در واقع این سایت جایگاه بسیار با ارزشی بود برای ارتقاء سطح فکری، بالا بردن میزان تحمل و تأمل و نیز جایگاهی برای ایجاد حس اعتماد.

سایت انسان شناسی و فرهنگ در حال حاضر پیشرفت شایان توجهی داشته و همچون پلی علمی است که دانشجویان، محققین و اساتید و اندیشمندان بسیاری از ایران و برخی کشورهای دنیا را به یکدیگر مرتبط می سازد و این امر میسر نمی شد مگر با یک مدیریت قوی و همکاری گسترده از جانب تمامی دوستداران دانش. این عرصه ی علمی بخشی است از دنیای بی کران به نام اینترنت است که اکنون برای کودکان نیز نام آشنایی است و حتی به عنوان یکی از اعضای خانواده و یا دوستی صمیمی از آن یاد می کنند. چه کسی تصور می کرد اینترنت، این بزرگترین سامانه ی جهانی که تا کنون به دست انسان ها طراحی شده، از ابزاری

برای انجام پروژه ای نظامی به شبکه ای عظیم و جهانشمول بدل شود که اکنون تمامی فعالیت های بشر از یک خرید یا فروش ساده گرفته تا انجام پروژه های عظیم علمی و اطلاعاتی، وابسته ی به آن شود. به عبارتی اینترنت شبکه ای از شبکه هاست متشکل از میلیون ها شبکه ی خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی از ساده ترین تا پیچیده ترین شکل آن که تا کنون دستاوردهای باورنکردنی را به ارمغان آورده است.

اگر بخواهیم تنها به یکی از این دستاوردها اشاره کنیم باید شکل گیری فضاهای مجازی را عنوان کرد که در آن افراد مختلف بادیگاه ها و نگارش های متفاوت، نظرات خود را در قالب وبلاگ ها، تالار های گفتگو و وب سایت های مختلف در معرض دیده شدن و شناخته شدن قرار می دهند. بدین ترتیب فاصله ها از میان برداشته می شود و در زمانی کوتاه و با کمترین هزینه ارتباط میان تعداد زیادی از افراد در اقصی نقاط دنیا برقرار می شود. در این جهان مجازی مرزهای جغرافیایی مفهوم فیزیکی خود را از دست می دهند و هر فردی هر کجای دنیا که باشد می تواند با داشتن یک کامپیوتر ساده و یک خط تلفن به این دنیای متفاوت و رو به رشد متصل شود.

این ارتباط بویژه می تواند شکلی علمی بیابد و از طریق جریان یافتن اطلاعات به صورت پیوسته و انتشار سریع افکار و عقاید مختلف، زمینه ی لازم برای شکوفایی ذهنی و رفتاری فراهم آید و در مراحل بعدی دانشی خلاقانه تر و نوین تر پا به این عرصه ی اشتراک دانش بگذارد و این از جنبه های بسیار مهم بهره وری از اینترنت است که در سایت انسان شناسی و فرهنگ به نحوی قابل تحسین مورد استفاده قرار گرفته است.

اینترنت و گستره های بهره وری از آن طی چند دهه ی گذشته در سطح دنیا و طی تقریباً یک دهه در کشورمان جهش و پیشرفتی چشمگیر و غیر قابل تصور داشته است. هنوز هم با وجود این پیشرفت عظیم باید گفت این دستاورد بشر در قدم های اولیه ی خود به سر می برد و گام های بعدی آن تاریخی را خواهد ساخت که نویدبخش زندگی کاملاً متفاوت نسبت به امروز است و این سیر پیش رونده ادامه می یابد تا زمانی که انسان هست، فکر می کند و به دنبال آگاهی و آزادی است.

در پایان این یادداشت لازم می دانم ششمین سالگرد تأسیس سایت انسان شناسی و فرهنگ را به مدیریت سایت و همچنین همه ی دوستان و عزیزانی که در زمینه های مختلف با سایت همکاری دارند و نیز همه ی دوستداران علم و دانش و طرفداران و بازدیدکنندگان این سایت، تبریک بگویم.

malihedargahi@yahoo.com



پایان یک دغدغه

زهره دودانگه

همکار انسان شناسی و فرهنگ

روز اولی که با سایت انسان شناسی و فرهنگ آشنا شدم یکی از روزهای سرد زمستان 1387 بود؛ یکی از روزهایی که دغدغه پایان نامه مرا به جستجو در اینترنت واداشته بود. مقصود را در انسان شناسی و فرهنگ یافتم و آنچه یافتم پایان نامه ای بود که شد الهام بخش موضوع پژوهش من و یکی از منابع اصلی آن. این آشنایی اولیه می توانست بهتر از هر چیزی به من نشان دهد که شفافیت، دسترسی به اطلاعات و نشر دانش که امروزه به عنوان یکی از شاخص های بالندگی جامعه از آن دم زده می شود یعنی چه؛ ذهن من ناخود آگاه این موضوع را مقایسه کرد با دویدن های مکررم در دوره چهار ساله ی دانشگاه، در نهادهای مختلف برای دسترسی به کوچکترین داده هایی که جهت انجام پروژه های هر ترم به آن ها نیاز داشتم؛ که گاه و بی گاه گرد نا امیدی را بر دل من می پاشید. شرایطی که به واقع سدی در برابر انجام کارهای پژوهشی به دست دانشجویان است.

روزها گذشت و گذشت و من پس از فراغت از تحصیل در پس ذهنم مایل به انجام کاری فرهنگی در قالب یک گروه سازمان یافته و هدفمند بودم. یکی از دفعاتی که طبق معمول به انسان شناسی و فرهنگ سر زدم، گزینه "همکاری با سایت" توجه مرا جلب کرد. گویی به آنچه می خواستم رسیده بودم. با وجود باور به محدودیت در دانش و توانایی هایم، امیدوارانه رایانامه ای ارسال کردم و درخواستم را برای ترجمه متون در میان گذاشتم.

می توانم به صراحت بیان کنم پاسخ و برخوردی که دریافت کردم اصلی ترین مشوق من برای همکاری در سایت بوده است. من به واقع باور دارم توجه خاصی که مدیریت سایت برای پاسخ به علاقه مندان صرف می کنند و کمکی که در این زمینه ارائه می دهند یکی از اصلی ترین رموز موفقیت و شکوفایی انسان شناسی و فرهنگ است. امروز که به این موضوع می اندیشم به این نتیجه می رسم که این صمیمیت یک اصل بنیادین در فضای انسان شناسی و فرهنگ است، اصلی که ثمره آن به قول فریدون مشیری نیروی شگفت انگیزی است که از دست هایی بهم پیوسته حاصل شده است.

در همکاری با این مجموعه ی فرهنگی هرگز حس یاس به من دست نداد؛ چون هیچ گاه مرا از اشتباه کردن و ندانستن نترسانیدند و با رویی گشاده برای ارتقای مهارت های من در حوزه ترجمه و ارائه کارهایی بهتر یاری دادند. در اینجا بود که دریافتم انجام این کار فرهنگی پیش از همه به خود من کمک کرده است، اینجا یک فضای یادگیری است، یک یادگیری متقابل در قالب یک مدرسه ی پر بار مجازی؛ عرصه ای فرهنگی که مشوق پویا بودن و پویا ماندن است و دریچه ای به سوی سخاوتمندی در حوزه ی علم گشوده است؛ و به راستی چه زیباست انجام کاری مداوم و پیوسته که هم به خود انسان بیفزاید و هم دیگران را بهره ای دهد.

این روزها سپری کردن زمانی مشخص در روز برای همکاری با انسان شناسی و فرهنگ، برای من تبدیل به یکی از کارهای رضایت بخش شده است. من به خوبی می دانم که سهم من در این مجموعه بسیار کم بوده، ولی همین سهم بسیار کوچک رضایتمندی بسیار بزرگی را در دل من ایجاد کرده و من از این بابت

شادمانم. آرزومندم این حرکت زیبا، این صمیمیت مثال زدنی، این تلاش بی وقفه و این خدمت شایان به عرصه دانش همواره ادامه داشته و روز به روز با جذب علاقه مندانی که دستی در حوزه کارهای فرهنگی دارند بالنده تر و پربارتر گردد.

zo1986do@gmail.com



یادگاری برای آیندگان

سیما ذوالفقاری

دانشگاه لایدن هلند

مدیر صفحه ی انسان شناسی عشایر

صرف نظر از اهمیت سایت "انسان شناسی و فرهنگ" برای جامعه ی دانشگاهی و اهل مطالعه و تفکر ایران، صرف اقدام به گرد هم آوردن جمعی متخصص و تشویق آنان به همکاری، همدلی و به اشتراک گذاشتن دانسته های کم یا زیادشان با هم و با دیگران، آن هم در دورانی از حیات جامعه ی ما که انتخاب غالب، "گلیم خود را از آب بیرون کشیدن" است، نشانگر وسعت نظر و فرازمانی بودن درک مدیریت این پایگاه از مفهوم انسان و فرهنگ است. همکاری با "انسان شناسی و فرهنگ" همیشه از بزرگترین افتخارات من بوده است و امیدوارم با تداوم این همدلی و همراهی بتوانیم یادگار ارزشمندی برای نسل های آینده به جا بگذاریم و به آنها یادآوری کنیم که "در هر شرایطی می توان و باید کار کرد".

agisima@yahoo.com



به بهانه شش سالگی

زینب رزازی بروجنی

دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی

با سلام

وقتی بچه ها شش ساله میشوند پدر و مادر به خود میبالند که فرزندم بزرگ شده است و به قولی از آب و گل در آمده است. امروز که شش سالگی انسان شناسی و فرهنگ را به جشن نشسته ایید ضمن تبریک به شما، به خود میبالم که من نیز چند صباحی است با این کودک بزرگ هم پا بوده ام و کمتر روزی بوده است که از سر شوق و علاقه لابه لای برگهای زرینش به کنکاش نپرداخته باشم.

آشنایی من با انسان شناسی و فرهنگ در بهترین روزهای عمرم در کلاس درس دانشگاه اتفاق افتاد اما او آنقدر برایم جذاب بود که دوستی اش را رها نکردم و هر روز و هر روز بیشتر علاقه مندش شدم.

زحمات بیدریغ تمامی دست اندرکاران را ارج مینهم و بردستان تلاشگر و قلب پر مهرشان که برای فرهنگ و تمدن بشر می تپد بوسه سپاس می زنم

همواره پیروز، سلامت و ثابت قدم باشید

به مدد مولا تلاش فراموشان مباد

ساکن چهارمحال و بختیاری، شهرستان بروجن

zeinab.razazi@ymail.com



به مناسبت 6 سالگی سایت انسان شناسی و فرهنگ

رایحه رضایی

کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

6 سال از تاسیس سایت انسان شناسی و فرهنگ می گذرد. 6 سال پیش، ما، دانشجویان تازه راه رشته انسان شناسی، مشتاقانه دنبال هر مطلب تازه ای در زمینه رشته خود بودیم. کتابهایی را که با سرعتی لاک پشت وار در بازار منتشر می شد، می خواندیم و مقاله هایی را که سالها از انتشار آنها گذشته بود به اشتراک می گذاشتیم و حسرتان کمبود یا بهتر بگوییم نبود منابع و اطلاعات در رشته تحصیلیمان بود. در حالی که همان موقع ها دوستان جامعه شناسان در دانشکده و خوابگاه از وفور منابع، زمان برای مطالعه کم می آوردند. در چنین شرایطی بود که سایت انسان شناسی و فرهنگ، آغاز به کار کرد.

حال 6 سال از آن زمان گذشته، در طی این مدت تعداد کتابهای منتشر شده به وفور افزایش یافته و مقاله ها روز به روز رو به فزونی است. این سایت برای برخی از ما تمرین نوشتن بوده و برای تعدادی تمرین خواندن. سایت علاوه بر اینکه خوراک علمی فراوانی برای دانشجویان و مشتاقان این رشته فراهم کرده، بسیاری از اهالی رشته های دیگر را با نگاه انسان شناسانه آشنا کرده و از پتانسیل علمی افراد گوناگون با گرایشات متفاوت بهره گرفته است. در طول این 6 سال برخی از ما نقش های زیادی را در این سایت به عهده گرفته ایم، گاه نویسنده، گاه مسوول صفحه ای خاص و گاه نیز خواننده، در این مدت، علاوه بر یادگیری مطالب فراوان و به اشتراک گذاشتن

تجربیاتمان، سایت، نقش دیگری را نیز برای ما ایفا کرده است؛
پاتوقی برای یافتن یکدیگر.

واقعیت این است که بعد از فارغ التحصیلی هر کداممان به فراخور شرایط زندگی به گوشه ای خزیدیم. عده ای در تهران ماندند و عده ای به شهر خود بازگشتند، آنهایی هم که می توانستند بار سفر از این دیار بستند. حالا هر بار که مقاله یا نوشته ای از یکدیگر در سایت می خوانیم، به مثابه خبری است از "ما"یی که اکنون مرزهای جغرافیایی شان از محدوده دانشکده علوم اجتماعی به اندازه یک دنیا فراتر رفته است. خواندن مطالب دوستان و مشاهده متخصص شدن تدریجی شان در زمینه ای خاص، پیگیری ایده ها و یادگیری مداوم از آنهایی که خود، به سبب شرایط، در حال آموختن از بهترین های دنیا هستند، فرصت مغتنمی است که این سایت در اختیار می گذارد. بنابراین حفظ و ساخت یک هویت که از آن به عنوان "ما" به مثابه گروهی انسان شناس نام برده می شود، یکی از زیباترین کارکردهای این سایت است که شاید ناخواسته در کنار سایر کارکردهای علمی آن شکل گرفته است. به امید روزهایی شکوفاتر.

rezaei.rayehe@gmail.com



پنج سال کار مداوم و تأثیرگذار در عرصه انسان شناسی و فرهنگ!

زهره روحی (پژوهشگر مستقل)

مدیر صفحه فرهنگ اصفهان

این افتخار به من داده شد تا درباره ششمین سال فعالیت «انسان شناسی و فرهنگ» سخن بگویم. می‌گویم «افتخار»، چون مطمئن هستم، «آیندگان» با نیکی از این فعالیت یاد خواهند کرد البته نه فقط به این دلیل مهم که سایت انسان شناسی و فرهنگ، نخستین موسسه فرهنگی - اجتماعی (مجازی) در ایران است که سیاست‌اش را مبنی بر دره‌ایی همواره گشوده به روی «همگان» قرار داده است، بلکه احتمالاً به این دلیل مهم‌تر که این اشتیاق باز نگه داشتن درها را، حتا در شش‌سالگی‌اش هم از دست نداده است....

باری، مطمئن هستم در آن متنی که آیندگان خواهند نوشت، این جملات حتماً خواهد آمد: "«انسان شناسی و فرهنگ»، نخستین موسسه مجازی در ایران بود که اعضاء داوطلبش، «عاشقانه کار کردن» را خوب می‌دانستند. چون در سرشان پر از رویاهای قشنگی بود که نسبت به جهان، کشور و شهرشان داشتند. آنهم در عصری که دیگر خبری از «رویا داشتن» نبود و نگاه ابزاری به آدمی و موقعیت‌های هستی‌شناختی او، ریشه روابط انسانی را سوزانده بود « . (نقل از عاشقانه‌های اجتماعی - فرهنگی، جلد پنجم، فصل ایران، ص 975).

اکنون اجازه می‌خواهم از احساس و تصور خودم درباره «انسان شناسی و فرهنگ» بیشتر بگویم. منظورم نگاهی کاملاً شخصی و درونی‌ست؛ شاید بهتر باشد اول این را بگویم که با وجودیکه چند سالی می‌شود با اینترنت کار می‌کنم، اما هنوز در فضای‌اش به اصطلاح جا نیفتاده‌ام و حتا ممکن است گاهی «گم و گور» هم

باشوم. برای همین کمتر دست به اکتشافات جغرافیایی و پرسه‌زنی می‌زنم. گفتن این نکته از اینرو مهم است تا بدانید هیچ ادعای جهان‌دیدگی و دانستن اعداد و ارقام مخاطبان این سایت و آن سایت را ندارم و اگر به «انسان‌شناسی و فرهنگ» پیوسته‌ام، به دلیل فضای مطلوب‌باش است. می‌نویسم «مطلوب» ولی درجا از کلمه‌ای که به کار برده‌ام دچار تردید می‌شوم. زیرا می‌ترسم و جداً نگرانم مبادا منظورم را درست ادا نکرده باشم. آنهم به این دلیل که به نظر می‌رسد این روزها کلمات و مفاهیم به دلیل کاربردهای ناب‌جا و ریاکارانه‌ی آنها، به طرز رقت‌انگیزی کج و معوج شده‌اند....

بنابراین شاید اصلاً بهتر باشد طور دیگری مقصودم را بگویم: به «انسان‌شناسی و فرهنگ» پیوسته‌ام، به این دلیل که همکاران محترمی چون شما دارم و یا برای مخاطبان عزیزِ چون شما می‌نویسم. اینها دلایلی بسیار مهم و در عین حال ساده‌اند درست مثل خودِ زندگی که وقتی اینطور می‌فهم‌اش، معنا و مفهومی واقعی به خود می‌گیرد.

بودن با شما، به من، در مقام «آدمی»، این کمک را می‌کند تا برای خود ارزشی معنوی قائل شوم و احساس تعالی‌ام را از دست ندهم. به واقع باید بگویم این حس، یاری‌ام می‌دهد تا تبدیل به آن چیزی شوم که آرزویش را دارم: انسانی فرهیخته.

عزیزان: مدیران، همکاران (اعم از عضو یا غیر عضو)، و خوانندگان محترم، به همگی تبریک و خسته نباشید می‌گویم.

پایدار، سربلند و سلامت باشید

اصفهان - شهریور 1390

zohre.rouhi@yahoo.com



یاری برای دیارم

سارا سالاری

مهندس فناوری اطلاعات، دانشگاه پیام نور مشهد

پس از طی هزاره های گذشته از روزگار نوپای تمدن ، انسان ؛ قربانی عقب ماندگی از فرهنگ خویش شد . برای پیمودن راه تعادل و رسیدن به بلندای انسان ، می جوییم ، می کاویم و تجلی می بخشیم ؛ انسان و فرهنگمان را .

ارجمندان ؛

برای نشر واکاوی و حفظ ارکان فرهنگ دیارم ، سیستان ؛ نیاز به همیاری است . امید که برای اعتلای قطره ای از دریای میهنمان ، دست یاری دهید و بخش " فرهنگ سیستان " به بخش های فرهنگ این کهن بوم و بر ، اضافه شود . ورنه دیار خورشید هم چنان در سینه ی تف زده ی کویر به خاکِ سردِ گورِ فراموشیِ انسانی ، خواهد رفت .

سپاس گزارم

Unicornland2008@gmail.com



انسان شناسی و فرهنگ؛ دایره المعارفی برای انسان شناسی جدید ایران

حامده سبحانی

دانشجوی کارشناسی انسان شناسی، دانشگاه تهران

همکار گروه کتاب و رسانه

انسان شناسی و فرهنگ مجموعه ای است پر رونق از مطالب با ارزش؛ حاصل تلاش نویسندگان و گردآوردگان آن.

انسان شناسی و فرهنگ برای دانشجویان و علاقمندان حوزه های علوم اجتماعی فرصتی را فراهم نموده تا نوشتارها و مطالب خود را در فضایی علمی در معرض دیده شدن و خوانده شدن قرار دهند و دیدگاه های خود را درباره ی مسائل مختلف در حوزه ی فرهنگ، جامعه، انسان شناسی و... بیان نمایند. این مجموعه را می توان دایره المعارفی بالقوه در حوزه ی انسان شناسی جدید ایران دانست که از ویژگی های آن جامعیت و نو بودن مطالب آن است.

آرزو داریم که در سال های آینده شاهد پیشرفت های بیشتر سایت انسان شناسی و فرهنگ باشیم که جبرانی شود برای انفعال و رخوتی که امروز دامنگیر حوزه های علوم اجتماعی شده است.

shuna_h@yahoo.com



ارزش یک کار مهم

فرزانه سجادیپور

دانشگاه آزاد اسلامی خرم آباد

خسته نباشید. شش سال تلاش بی وقفه در سایت انسان شناسی و فرهنگ (را ارج می نهم) و بیش از یک دهه است که دوستان این گروه را می شناسم و شاهد تلاش در عرصه انسان شناسی بوده ام. امیدوارم این تلاش هم چنان پایدار باشد. می دانم که شاید خود دانشجوی حق شناسی برای این رشته نبوده ام و حق شاگردی به جا نیاورده ام اما بدانید همیشه ارزش کارهای مهم را می دانم و یکی از بزرگترین افتخاراتم حضور در این رشته است. سرتان را درد آوردم قصد این بود که فقط خسته نباشیدی بگویم و از دور برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی کنم.

پاینده و سربلند باشید

f_sajadpour@yahoo.com



سایتی برای همه فرهنگ ها

معصومه سلیمی

همکار صفحه فرهنگ بختیاری

با سلام و درود بر کسانی که دستی بر قلم دارند. همیشه تصور می‌کردم مدیریت و پشتیبانی سایت کار بسیار ساده‌ای است. زمانی که در مورد راه اندازی صفحه بختیاری‌ها صحبت کردیم و شرایط انسان‌شناسی و فرهنگ توضیح داده شد، قرار شد با همکاری دوستان دیگر این صفحه مدیریت شود، برخی معتقد بودند که داشتن سایت کار سختی نیست و چرا باید صفحه بختیاری‌ها زیر مجموعه انسان‌شناسی و فرهنگ باشد، می‌توان به تنهایی سایت بختیاری را ایجاد کرد. با تمام این اوصاف از بین دوستان گروهی مصمم به این کار شدند و این صفحه با هماهنگی و لطف مدیریت و پشتیبانی سایت انسان‌شناسی و فرهنگ ایجاد گردید. نکته بسیار مهم در این بود که مدیریت صفحه بختیاری با فرهنگ و آداب و رسوم خاص و شرایط فرهنگی متفاوت بختیاری کاری بس دشوار است. حال تصور اینکه سایت انسان‌شناسی و فرهنگ توانسته به مدت 6 سال صفحه‌هایی با فرهنگ‌های مختلف و به خصوص تمدن دیرینه ایران عزیز داشته باشد و با احترام به آداب و رسوم فرهنگ‌های مختلف پشتیبانی علمی ایجاد کند، جای بسی تقدیر و تشکر دارد. در شرایط کنونی اندیشه‌ورزی برای کلیه این عزیزان آرزوی توفیق دارم.

m.salimi4007@yahoo.com



وجودي فراموش نشدني

مینو سلیمی

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی-پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی

انسان شناسي و فرهنگ، وجودي نازنين و گرانمايه براي اعتلاي هرچه بيشتري انسان شناسي است، وجودش توانسته نه تنها شادي و انرژي فعاليت را به خيلي از دوستان بدهد، بلکه باعث شده دوستان دور و نزديك دور هم جمع شوند و به تبادل اطلاعاتي دست بزنند که مي دانند ممکن است براي هر کسي و مهم تر اينکه انسان شناسي مفيد باشد... وجودش درست مثل يک دوست دانشمند بي تکبر است که دايم تمام ايده هايي که به نظرش مي رسد را مي گويد و هيچ شباهتي به انسان هاي توخالي که کسي سر در نياورد چه مي کنند، ندارد. وجودش احساس بي نظيري به من مي دهد... جاي پاي شور زندگي را مي بينم براي تلاش و بالندگي در انسان شناسي... و پشت اين وجود مجازي دوستان و ياراني هستند که با درد جهل به مبارزه نشسته اند، دست مريزاد به تک تکشان و آرزوي سرفرازي براي آن ها. در اين راه بايد تلاش بيشتري انجام دهيم چرا که ريشه هاي تک تک مان در خاک و آب و فريادي يکسان است و اميد داريم که آن روز، روز بالندگي انسان شناسي، انسان شناس ايراني و ايراني زودتر فرا رسد روزي که ما دوباره کبوترهاي مان را پيدا خواهيم کرد

و مهرباني دست زيبايي را خواهد گرفت

روزي که کم ترين سرود

بوسه است

و هر انسان

براي هر انسان

برادري ست.

روزي كه ديگر درهاي خانه شان را نمي بندند

قفل

افسانه يي ست

و قلب

براي زنده گي بس است

Salimimin@yahoo.com



در کنار هم بودن

فاطمه سیارپور

کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

مدیر منابع انسانی و کانون همکاران

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشجویان علوم اجتماعی، یافتن شغلی است که بتوانند آموخته‌های خود را در آن به کار گیرند، در حالی که تعداد کمی از این فارغ‌التحصیلان می‌توانند در جایگاه شغلی مناسب قرار گیرند. به نظر می‌رسد آن دسته از دانش‌آموختگان علوم اجتماعی که به تحصیل در مقاطع تکمیلی می‌انديشند، معمولاً آینده‌ی خویش را جذب شدن در هیات علمی دانشگاه‌ها دیده و خواهان ادامه‌ی راه اساتید خود در محافل علمی با وجود سختی‌های مسیر جذب هستند. عده‌ی دیگر هم

مجبورند به تحصیلات در سطح کارشناسی و یا کارشناسی ارشد اکتفا کرده و در جایگاه شغلی مغایر با آموخته‌های تحصیلات عالی خود قرار گیرند. در این میان عده‌ی بسیار کمی هستند که به گزینش و ادامه‌ی یک مسیر پژوهشی به طور منفک از سیستم‌های آکادمیک می‌اندیشند. زیرا این مسیر نیز سختی‌های خاصی دارد که در صورت تامین نشدن بودجه و هزینه‌های پژوهشی به زودی رها می‌شود. به ویژه آن‌که بازار تقاضای بسیاری از پژوهش‌های علمی نیز از سوی دولت تعریف می‌شود و تجربه‌ی سال‌های اخیر نشان داده که سلیقه‌ی دولت‌مردان در تعریف اولویت‌های پژوهشی متغیر بوده و علاوه بر آن اعتقاد به الزام پیوست پژوهش اجتماعی در پروژه‌های مختلف عمرانی و زیربنایی و ... افت و خیز فراوان داشته است.

با این حساب از نسلی که با بازار کار آشفته، مسیر سخت و پرپیچ و خم جذب هیات علمی، هزینه‌ی بالای پژوهش‌های علمی و ... مواجه است، نباید انتظار داشت که بتواند از یکسو اندوخته‌های علمی خویش را در بازار اشتغال به کار گیرد و از سوی دیگر بخواهد با وجود این مشکلات همچنان باقی عمر خود را در فضای علوم اجتماعی سپری کند و در نهایت بتواند تبدیل به پژوهشگری از جنس نسل اول بزرگان علوم اجتماعی ایران شود. به این ترتیب این گونه مشکلات علاوه بر آن‌که می‌توانند تعادل بازار کار را برهم زنند، بر سایر افراد در گزینش رشته‌ی علوم اجتماعی موثرند و باعث می‌شوند رغبت عمومی جامعه نسبت به این علوم کاهش یافته و در آینده‌ای نه چندان دور با خطر کمبود تحلیل‌گران مسائل اجتماعی روبرو شود. آن هم جامعه‌ای که در حال تجربه‌ی تحولات جدیدی است که می‌توان از آن بیشتر به گذار سنت به مدرنیته یاد کرد. با این حساب باید برای علوم اجتماعی ایران چاره‌ای اندیشید.

به نظر می‌رسد یکی از راه‌های درمان چنین مشکلاتی تقویت نهادهایی است که به طور مستقل از دولت فعالیت کنند و تنها در سایه‌ی قدرتی که از در کنار هم بودن و کار جمعی کسب می‌کنند، به ترویج و گسترش پژوهش‌های اجتماعی و تولید و نشر دانش پردازند. این نهادها با گردآوردن سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، نمادین و اقتصادی تک تک افراد و استفاده از آن‌ها

در جهت کسب منافع جمعی - که همان پر کردن خلایی است که نهادهای آکادمیک و دولتی از عهده‌ی آن بر نمی‌آیند - به تقویت روابط خود با دنیای اطراف بپردازند و از آن‌جا که قوانین دست و پاگیر حاکم بر سلسله‌مراتب دانشگاهی را ندارند، به راحتی می‌توانند علاوه بر آن که خود برای دانش‌آموختگان علوم اجتماعی بازار کاری باشند، با ابتکار و خلاقیت به تعریف نیازهای جدید علمی و نشر دانش پرداخته و از سوی دیگر از رکود و کساد حاکم بر فضای دانشگاهی دور می‌شوند. به این ترتیب چنین نهادهایی توان رقابت با سازمان‌های خود دانشگاهی را در تولیدات علمی - در صورتی که بتوانند خود را مستقر و ثابت کنند - دارند.

این نوشته حاصل 5 سال تجربه‌ی همکاری دائم و موقت نگارنده با مجموعه‌ای است که اکنون با نام انسان‌شناسی و فرهنگ شناخته می‌شود و در ایام نه چندان دور تبدیل به موسسه‌ای با همین نام می‌شود. اگرچه به حکم تجربه بودنش می‌تواند دارای نقص باشد و به همین جهت انتقاد فراوانی نیز می‌توان بدان وارد کرد، اما به نظر نگارنده در حال حاضر و شرایط فعلی حاکم بر فضای آکادمیک علوم اجتماعی ایران، از بهترین گزینه‌ها ایجاد و تقویت چنین نهادهایی است که علاوه بر کار پژوهشی، می‌توانند به نوآوری‌هایی مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی، جشنواره‌های فیلم و عکس اتنوگرافیک و مستند و...، اردوهای علمی - پژوهشی برای جبران کمبودهای آموزشی دانشگاهی به ویژه در حوزه‌ی روش تحقیق و... بپردازند. به نظر می‌رسد در آینده‌ی علوم اجتماعی و انسانی ما، با وجود تعداد زیادی از این نهادها و ایجاد فضای رقابتی با یکدیگر، علاوه بر تولید و نشر دانش، راه به سوی نظریه‌پردازی‌های بومی گشوده می‌شود و این کاری است که تجربه نشان داده حوزه‌های آکادمیک تاکنون کمتر از عهده‌ی آن برآمده‌اند.

fsayyarpour@yahoo.com



جایگاهی برای جستجوهای ما

کاظم شاملو

کارشناس ارشد انسان شناسی و خبرنگار ایرنا

همیشه آغاز نوشتن دشوار است، اصولاً آغاز هرکاری دشوار است و خداوند انسان را در دشواری و سختی آفریده تا خدای گونه ای شود و همانند آفریدگارش، آفرینندگی کند و اگر برای انسان بودن تنها یک بهانه کافی باشد، بدون شک این همان بهانه است.

مانده بودم که برای پایگاه انسان شناسی و فرهنگ که با آدرس اینترنتی anthropology.ir شناخته می شود، چه بنویسم، یاد روزهای آغازین فعالیت این پایگاه علمی افتادم که با دامنه دیگری آغاز به فعالیت کرده بود و امروز سالهاست که از آغاز فعالیت این پایگاه می گذرد و مدیریت آن خود به نیکی دریافت که اندوخته های پایگاهی که ایجاد کرده از نام اشخاص فراتر رفته و باید نام بزرگتر بر آن نهاده شود و این گونه بود که پایگاه انسان شناسی و فرهنگ متولد شد. به جرات می توان گفت به همت تمامی کسانی که در این چند سال فعالیت کرده اند، این پایگاه علمی امروز به یکی از منابع خوب در حوزه انسان شناسی و فرهنگ و دیگر حوزه های علوم اجتماعی مبدل شده و برای پژوهشگرانی که در جستجوی متون فارسی در حوزه های علوم اجتماعی هستند، یکی از نخستین مواردی که موتورهای جستجوگر اینترنتی می یابند، همین پایگاه است.

در جامعه ما که بیشتر مصرف کننده دانش ترجمه شده از غرب در حوزه های مختلف علوم انسانی و تجربی است، وجود چنین پایگاه های علمی غنی‌متی است تا پژوهشگران از پیلۀ تنهایی خود خارج شوند و در بستری مناسب، یافته های خود را در معرض دید، استفاده و نقادی قرار دهند.

به عنوان کسی که افتخار همکاری هرچند اندک را با این پایگاه داشته ام، باید بیان کنم که خلاء چنین پایگاه های علمی برای حوزه های مختلف علمی به شدت در کشور احساس می شود فراهم آوردن کانونی برای همفکری و تولید دانش به زبان فارسی، ستودنی است. اما بدون شک تقویت دانش جمع آوری شده در این پایگاه تنها با تعامل دانش آموختگان مراکز علمی و دانشگاهی و پژوهشگران خارج از این حوزه که دغدغه فرهنگ و جامعه را دارند، امکان پذیر است.

از زبان حضرت حافظ شیرازی این آرزوی را برای انسان شناسی و فرهنگ و بانی آن می توان کرد:

حسن تو همیشه در فزون باد/رویت همه ساله لاله گون باد

اندر سر ما خیال عشقت/هر روز که باد در فزون باد

k_shamlu@yahoo.com



رشد جامعه مجازی

محمد حسن شربتیان

دانشگاه پیام نور

سایت انسان شناسی و فرهنگ در واقع یکی از بهترین و معتبر ترین سایت های علمی در حوزه مطالعه جامعه شناختی، انسان شناسی، مطالعات فرهنگی، مسائل سیاسی و اجتماعی به روز جامعه و جهان است، که نویسندگان و پژوهشگران آن از معتبرترین دانشگاه های جهان و ایران زیر نظر اساتید مجرب بهره های علمی برده اند، و آموخته های علمی خود را در اختیار هزاران مشتاق علمی و بازدید کننده فرهنگی قرار داده اند.

این سایت علمی- ایرانی در طی این 5 سال با ارائه مقالات علمی، فرهنگی و اجتماعی، همچنین با آگاهی از محتوای کتب علمی معتبر دنیا و ایران، در کنار معرفی معتبرترین سایت های مسائل فرهنگی، همایش های فرهنگی در سطح ملی و بین المللی، معرفی دیپارتمان های دانشگاهی معتبر جهان و... توانسته است در جهت ارتقاء سواد رسانه ای، تقویت دانایی محور، توسعه دانش اطلاعاتی و بصری جامعه دانشگاهی حال حاضر ایران، گام موثری را در قرن حاضر بردارد؛ همچنین در جهت رشد جامعه مجازی علمی و فرهنگی با رویکردهای متنوع علوم انسانی، اعتبار لازمی را کسب نموده است.

در واقع وجود چنین خلاقیت هایی در حوزه فرهنگی و اجتماعی به نوعی منجر به تقویت شاخص های سرمایه اجتماعی مدیریت و همکاران وقت این سایت شده است، که جا دارد تمام پژوهشگران، اساتید و دانشجویان عزیز با مشارکت مالی، علمی، معنوی، فکری و فرهنگی خود در سال های آتی حمایت بی دریغانه ای از اعتبار علمی این سایت بنمایند.

حوزه های متنوع این سایت در طی تکامل 5 ساله خود با درایت اندیشمندانه علمی و فرهنگی مدیریت سایت و همکارانشان، خدمات قابل توجهی را در جهت رشد بلوغ اجتماعی و فرهنگی مشتاقان علمی ارائه داده اند پس بجاست جامعه نخبه پرور ما با تلاش فکری، مالی و فرهنگی خود از این سایت حمایت بی دریغانه ای بنمایند.

با امید آرزو و بهروزی علمی و فرهنگی برای مدیریت محترم و همکاران فنی و علمی شان.

sharbatian@pnu.ac.ir



همکاری با اساتید

خدیجه شرقی

دانشجوی مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

با سلام و عرض تبریک به مناسبت آغاز ششمین سال فعالیت انسان شناسی و فرهنگ.

سایت انسان شناسی و فرهنگ بسیار پرمحتوا بوده و دارای مطالب و موضوعات متنوع در حوزه های مختلف علوم اجتماعی است. در اینجا هم می توان مباحث متنوعی را از اساتید دانشگاه ها و محققان زبده و توانا مشاهده کرد و از آنها بهره گرفت و هم این فرصت در اختیار دانشجویان قرار داده شده است که مطالب خود را ارائه کنند. از این رو همکاری با این سایت برای من از یک سو مایه مباهات بوده و از سوی دیگر فرصتی برای تقویت انگیزه هایم در راه تحصیل علم است.

به نوبه خویش از مدیریت پایگاه اطلاع رسانی انسان شناسی و فرهنگ و کلیه کسانی که در ایجاد و راه اندازی این سایت سهم بوده اند و همچنین از تمامی افرادی که در جهت فعالیت سایت نقشی بر عهده دارند صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم و برای تک تک این عزیزان آرزوی تندرستی و توفیق می کنم.

n_sharqi@yahoo.com



بدیلی برای نشر دور از دسترس و ناکارآ

محمد شلیله

پژوهشگر مستقل اجتماعی (اوتاوا - کانادا)

مرور، مطالعه و بررسی شماری از پژوهش‌ها و انتشارات حوزه علوم اجتماعی و انسانی طی بیش از یک دهه ی گذشته ، نگارنده را به این فرض نزدیک کرده است که خط مشی، سیاست و به طور کلی گرایش مشهود متمرکز بر توسعه انسانی در زمینه ی پژوهش و نشر در کار نیست ؛ نه در سطح کلان، در اغلب کشورها ؛ بویژه در کشورهای امریکای شمالی و اروپا ؛ و نه در سطح خرد، نزد اغلب دانشگاه‌ها و موسسات انتشاراتی بزرگ. در عوض آنچه آشکار تر است، رویکرد های واکنشی ـ معطوف به گرایش های فردی به موضوع های موردی و پراکنده و به طور معمول بدون ارتباط یا دارای ارتباط تصادفی با یکدیگر، اما بیشتر همراه با انتظارات و سیاست های مراجع قدرت در کشورها و هم جهت با خط مشی های سنتی و محافظه کارانه اغلب موسسات انتشاراتی بزرگ و دانشگاه ها. بررسی موضوع کتاب هایی که اغلب موسسات وابسته به دولت ها و ناشران بزرگ و دانشگاه های بسیاری از کشورهای جهان (بجز شماری ناشران مستقل کوچک و متوسط) در یک دوره معین منتشر می کنند، نشان دهنده ی وجود تنوع همراه با تناقض های آشکار در مشی فکری، نظری و فلسفی، سیاسی و اقتصادی آنهاست ؛ از این قرار که در مجموعه ی کتاب های بسیاری از این گونه موسسه های انتشاراتی یا دانشگاهی هم کتاب هایی را می توان یافت که مروج اندیشه ها و گرایش های نظری هدایتگر سیاست های اقتصاد آزاد اند، که تا کنون نه فقط سرچشمه ی فقر و تهیدستی و بیکاری و بی خانمانی شمار گسترده ای از مردم جهان بوده ، بلکه به ورشکستگی دولت ها

نیز انجامیده است؛ امریکایی با چهارده تریلیون دلار بدهی و چهارده میلیون بیکار (طبق آمار رسمی و نه الزاما واقعی) برجای گذاشته و اروپایی با کشورهای ورشکسته یا در آستانه ورشکستگی و رویاروی بحران های مالی و اقتصادی و اجتماعی و اغلب آنها کشورهای پیشگام اجرای سیاست های اقتصاد آزاد و جهانی کردن سرمایه و اقتصاد. همزمان در همان موسسات و دانشگاه ها می توان کتاب هایی یافت در زمینه ی فقر و بیکاری ؛ فاجعه هایی که با رشدی بیش از نرخ رشد جمعیت در اغلب نقاط جهان رو به گسترش است و پیشگیری از گسترش آنها در بازار جهانی شده ی تحت امر بازارهای مالی و شرکت های بزرگ و فراملیتی از کنترل دولت ها ی وابسته به این گونه مراکز و شرکت ها خارج است، و تا آنجا که منافع این گونه شرکت ها ایجاب کند مهار ناشدنی می نماید. تازه این گونه پژوهش ها نیز دست بالا کارشان پاسخ دادن به پرسش های تکراری از این قبیل است که قربانیان فقر تا چه اندازه قربانی جنسیت یا قومیت اند و تا چه اندازه فقرشان با گروه سنی آنها پیوند دارد، و به ندرت علت ها و ساختار و سیاست های فقر افزای را بازمی گشایند و رویکردی چاره جویانه دارند. به نظر می رسد عامل های زیر در این چگونگی نقش دارند :

- بسیاری از پژوهشهای رسمی در رشته علوم اجتماعی، چگونگی تحولات واقعیت پدیده ها را با فرض های پیشینی به آزمون در می آورند. تک ساحتی اند؛ به کاویدن ارتباط عوامل محدود می پردازند ؛ طریقی که به روشنگری محتوا ، ماهیت و واقعیت پدیده ها نمی انجامد .

- واقع گرا و ژرف نگر نیستند ، توصیف گر و توجیه کننده اند تا روشنگر؛ در بحر نظریه پردازی سرگردانند تا مگر از آن میان راهی بیایند که پدیده را توضیح دادنی کنند؛ به مطالعات بیشتر واگذارند؛ یا تعویق به محال . برای نمونه در اغلب پژوهشهای رسمی در زمینه ی فقر، تصویر و تغییرات مقداری این پدیده برجسته تر می شود و به اعداد و ارقام تقویم می شود ، و از خود فقر که با ترس و اضطراب مزمن، اختلال روانی، با درد، با بیماری و ضعف جسمانی و تحلیل قوای

حیاتی و با یاس و نا امیدی و پیامدهای مرگ بار دیگر آن که در طول زمان قربانی می گیرد، غفلت می شود. این اختلاف در درک و تجربه ی فقر آن را از مصداق واقعی اش تهی می سازد و به موضوعی دست چندم تقلیل می دهد و مراجع قدرت مالی و اقتصادی مسبب و مسئول فقر را تا حد امکان از گزند اتهام مستقیم در امان نگه می دارد .

- گذشته نگرند، در پشت تحولات واقعیت حرکت می کنند ، توان و اعتماد به نفس پیش بینی کردن ندارند ؛ محافظه کارند؛ در حالی که تحولات زندگی اجتماعی انسان در ژرف ساختهای مناسبات اقتصادی - اجتماعی جامعه به شدن آغاز کند، دور از دیدرس پژوهشهای رسمی رو به توسعه می گذارد و در زمان و مکان تحقق و استمرار می یابد .

- بسیاری از پژوهشهایی که در سازمانها، موسسات اقتصادی و شرکتها در مورد نیروی انسانی این موسسات و به طور کلی گروه های انسانی به سفارش یا با همکاری سازمان های مربوط انجام می شود به روشهای گوناگون با اعمال نفوذ اداره کنندگان ذینفع آنها همراه است که صراحت پاسخگویان در اظهار نظر را زایل می گرداند و نمی توان تصویری در خور اتکا از نتایج آنها بدست آورد.

- بسیاری از موسسات و نهادهای پژوهشی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به مراجع قدرت مالی و اقتصادی و سیاسی وابسته اند ، و واقعیت های را که با منافع مراجع قدرت سازگار نیست کتمان و تحریف می کنند .

- همه ی پژوهشگرانی که سودای پژوهش و نشر داشته باشند از امکانات و فرصت های مورد نیاز در این زمینه برخوردار نمی شوند .

نتیجه آنکه حاصل پژوهش هایی از آن دست که برشردیم به دلیل کاستی های پیشگفته فاقد راه حل معنی دار و موثرند . افزون بر اینها پژوهشگران از حلقه گروه های محدود کارشناسان فراتر نمی رود و یا دست بالا به عنوان منبع و مرجع برای دانشجویان و پژوهشگران در کارهای شان مورد استناد قرار می گیرند و راهی به حل مسائل توده های انسانی

نی‌گشایند و در حد توصیه‌هایی بی‌حاصل یا تفنن‌روشنفکرانه
برجای می‌مانند .

از سوی دیگر بخش عمده‌ی اطلاعات در باره گردش امور جهان
بدلیل آنکه سیستم‌های عملیاتی مربوط تحت نظارت و کنترل
متمرکز شرکتها ی بزرگ و مراجع قدرت مالی و اقتصادی جهانی
ست ، دور از دسترس مردم نگره‌داری می‌شود و مردم
رویاری تغییرات و تحولات و بحران‌های اقتصادی که باید
هزینه آنها را بپردازند ، از کم و کیف آنها آگاه نمی‌شوند؛
مگر آنکه دارندگان اطلاعات بر حسب نیاز بخش‌هایی گزیده از
اطلاعات واقعیت‌ها را منتشر نمایند؛ و گر نه بحران مالی و
اقتصادی سال 2008 که برآورد می‌شود 200 میلیون نفر بر
جمعیت فقیر در جهان افزود و نرخ (رسمی) بیکاری جوانان را
دست کم در کشورهای عضو **سازمان همکاری اقتصادی و توسعه** ()
در برگیرنده کشورهایی مانند کانادا، آلمان، یونان،
اسرائیل، سوئیس، ترکیه، انگلستان و ایالات متحد .. .) که
اعضای آن متعهد به اصول اقتصاد آزادند از 14.2 درصد در سال
2007 به 19.7 درصد در سال 2011 رساند ، همان روز که حساب‌ها
در وال استریت ترکیب اتفاق نیفتاد؛ مراجع قدرت مالی و
اقتصادی و بازارهای مالی جهانی از بیکاری گسترده وام
گیرندگان و کاهش درآمد نیروی کار که خود مسبب آن بودند
آگاهی داشتند و بر اینکه شمار گسترده‌ای از آنها قادر به
بازپرداخت وام‌های مسکنی که گرفته بودند نیستند واقف
بودند.

در چنین شرایطی نشر اینترنتی و آنلاین فرصتی نسبی در زمینه
نشر آگاهی و اطلاعات فراهم آورده است و از این طریق شبکه‌ی
گسترده‌ی ارتباطات انسانی را در جهان سامان داده است و
کار نشر اطلاعات و آگاهی را آسان‌تر کرده است، اما هنوز
هم آنها که آسیب‌پذیر ترند از دسترس به این گونه نشر
محرومند. در زمان حاضر بر آورد می‌شود اکثریت مخاطبان نشر
اینترنتی و آنلاین را افراد طبقه‌ی متوسط به بالا که شماری از
این میان با احتمال بالا خود در آستانه‌ی سقوط از طبقه‌ی
متوسط به پائین اند تشکیل می‌دهند. از همین روست که گزینه
ی مقدم بیشتر فعالان اجتماعی بهره‌مند از رفاه نسبی،

دموکراسی (صرف نظر از طیف گسترده ی معنایی آن) است ، نه به طور مستقیم کار و نان و غذا و آب آشامیدنی و مسکن یا نیاز های آن دو میلیارد و ششصد میلیون نفری که از توالیت و توالیت صحرایی، لوله کشی و هرگونه تاسیسات بهداشتی محرومند یا آن یک میلیارد نفر از سه میلیارد جمعیت شهر نشینی که در حلبی آباد ها زندگی می کنند و یک میلیارد و پنجاه و سه میلیون نیروی کار (بر اساس آمارهای سال 2009) که با نا امنی شغلی رویارویند. واقعیت این است که فرض وجود و تحقق دموکراسی در جامعه هایی که شمار گسترده یی از مردم آنها بیکارند و در فقر بسر می برند با تردید جدی رو به روست، آنها که به حاشیه رانده شده اند و نا دیده گرفته می شوند دست شان از مشارکت در امور که لازمه ی تحقق دموکراسی است کوتاه است. آنها در سپهر دیگری زندگی می کنند؛ در سپهری که از کتاب و کتابخانه و روزنامه و اینترنت و فیس بوک هم خبری نیست. آنها نه صدایی می شنوند و نه صدای شان شنیده می شود؛ بی دفاع اند . نشانه ای هم از اینکه فقر از رشد باز ایستد پیش روی نیست؛ نه نشانه ای از وجود گرایشی هوشمندانه نزد مراجع قدرت مالی و اقتصادی (هوش اقتصادی) در زمینه ی بازنگری در استراتژی های سرمایه گذاری؛ و نه دولت های بازار از اقتداری برخوردارند که در راستای حقوق بنیادی مردم اعمال حاکمیت نمایند. در چنین اوضاع مهیبی تنها جوانان مانده اند که تا صدای شان را به جایی برسانند و چون شنیده و دیده نمی شوند سر به شورش بر می دارند. همین شورش اخیر نا تنهام در بریتانیا و تداوم آن در منطقه ای روی داد که 75 درصد بودجه های اجتماعی این منطقه در سال جاری قطع شده بود و در برابر هر شغل 50 نفر متقاضی وجود دارد و هیچکس حاضر نبود حرف های آنها را بشنود و در برابر نیازهای اجتماعی آنها پاسخگو باشد و حقوق اجتماعی آنها را به رسمیت بشناسد .

شورش جوانان در جهان که خوان سوماویا مدیر کل سازمان بین المللی کار نیز در صدمین کنفرانس سالانه ی سازمان بین المللی کار (1 تا 17 ماه ژوئن 2011) نسبت به آن هشدار داد از شمار رخدادهایی است که از سال ها قبل فعالان و نهادهای

اجتماعی مستقل و بهبود خواه جهان نسبت به آن هشدار داده بودند .

انگار پژوهش و نشر باید بیش از پیش و بیش از همیشه بر کاویدن و چاره جویی در زمینه ی بیکاری و فقر به صورت جمعی متمرکز گردد .

shalilehm@yahoo.ca



امکانی برای ابراز اندیشه ها

بهنوش شمس الهی

دانشجو دکتری مردم شناسی، مالزی

همکار انسان شناسی و فرهنگ

انسان شناسی به عنوان دانشی فرهنگ محور توانسته در یک دهه اخیر بسیاری از محققان و پژوهشگران ایرانی را در حوزه های مختلفی چون؛ هنر، جغرافیا، اقتصاد، پزشکی، مدیریت و بسیاری از علوم دیگر به سوی خود جذب کند و بدین ترتیب جایگاه ویژه ای را در محافل مختلف علمی در ایران برای خود کسب نماید. در این عرصه نقش وب سایت " انسان شناسی و فرهنگ" به عنوان فضایی مجازی و نیز تخصصی در زمینه انسان شناسی بسیار پررنگ بوده است، چراکه با فراهم آوردن زمینه ای مساعد برای گروههای مختلف علاقمند به پژوهش در این حوزه امکان تعامل و تبادل موثر علمی را فراهم آورده است. شبکه " انسان شناسی و فرهنگ" به کلیه دانش پژوهان و پژوهشگران، با رده های مختلف علمی، امکان ابراز اندیشه داده است؛ بطوریکه این امکان را برای دانشجویان کم تجربه، که تازه

قدم به این عرصه از دانش اجتماعی گذارده اند، فراهم آورده است که همراه با پژوهشگران با تجربه و متخصص اندیشه ها و افکار خود را منتشر کنند و از ابتدای راه خود را برای حضور در محافل علمی آماده و محیا سازند و بدین ترتیب با سرعت بیشتری مسیر پیشرفت و تعالی علمی را طی نمایند که این خود یکی از مهم ترین دلایل موفقیت و محبوبیت شبکه علمی " انسان شناسی و فرهنگ" به شمار می آید. همچنین قابل ذکر است که " انسان شناسی و فرهنگ" با انتشار مقالات، اخبار، گزارشها، معرفی تازه ترین مجلات و کتابها، در بخشهای داخلی و خارجی، توانسته است از محدودیتهای دسترسی به اطلاعات جدید، که از مشکلات دانشجویان به شمار می آید، به شکل قابل توجهی بکاهد و زمینه ای مساعد جهت بسط افکار و اندیشه دانشجویان و پژوهشگران فراهم آورد. امید است با آغاز ششمین سال تاسیس " انسان شناسی و فرهنگ" و نیز شکل گیری " موسسه انسان شناسی و فرهنگ" این دانش بتواند جایگاه شایسته و حقیقی خود را در ایران کسب نماید و " موسسه انسان شناسی و فرهنگ" به عنوان یکی از مراکز مهم علمی و پژوهشی در حوزه انسان شناسی و گرایشهای مختلف آن در دوعرصه داخلی و خارجی به موفقیتهای بسیاری نایل گردد.

b.shamsollahi@gmail.com



رmqی تازه برای نوشتن

رامتن شهبازی

هیئت علمی دانشگاه سوره

مدیر صفحه فرهنگ و سینما

جشن های سالگرد انتشار يك نشریه بهانه ای است تا "با صدای بلند" درباره آنچه در یکسال گذشته رخ داده است فکر کنیم.

امیدوارم بتوانم این اتفاق را در یادداشت پیش رو که به بهانه ششمین سالگرد انتشار نشریه الکترونیکی انسان شناسی و فرهنگ نگاشته می شود پیگیری کنم. برای یافتن موضوع قابل طرح در این یادداشت مدتی تأمل کرده و در نهایت نتیجه حاصل کردم که مسئله را در پاسخ به این سؤال مطرح کنم: چرا با سایت انسان شناسی و فرهنگ همکاری می کنم؟

منتقدانی که تازه قدم در عرصه نوشتن نقد فیلم یا تئاتر می گذارند می کوشند با نوشتن در نشریات مختلف کمیت حضور خود را افزایش دهند و از این راه بتوانند مجرای ارتباطی شان را با مخاطب گسترش دهند. تکرار نام سبب می شود مخاطب آراء این نویسندگان را بهتر بشناسد و بعد ها زمانی که آنها يك نشریه را برای حضور ثابت انتخاب کردند، در صورت تمایل مطالب شان را پیگیری کنند. صاحب این قلم نیز در اواخر دهه 70 چنین حالتی داشت و دائم می کوشید تا آنجایی که می تواند فرصت حضور در نشریات مختلف را از دست ندهد.

اما سال ها که می گذرد این تعدد حضور انسان را خسته و تهی می کند. خسته از تکرار واژگان و نگاه های تکراری و تهی از اینکه انسان دائم مجبور است اطلاعات بدهد، بدون اینکه به دانش خود بیفزاید که این روزمرگی ماهیت رسانه است و تکرار حضور ناخودآگاه این تهی شدگی را در نویسنده ایجاد می کند.

این حس بعد از 10 سال کار به عنوان منتقد حرفه ای ناگهان 3 سال پیش گریبانم را گرفت. هیچ میل و رمقی برای نوشتن نداشتم. احساس می کردم که نه تنها خودم بلکه اغلب منتقدان به همین زبان تکرار و روزمرگی افتاده اند. دنبال نگاهی می گشتم تا بتواند حداقل برای خودم پنجره ای دیگر را به دنیای هنر بگشاید و البته ناگفته نماند که این پنجره ها متعدد هستند و سواد صاحب این قلم اندک.

تا اینکه آشنایی ام با میان رشته ای ها بیشتر شد. یکی از دوستانم در حوزه سینمای مستند من را با سایت انسان شناسی و فرهنگ آشنا کرد و از سویی دیگر تغییر جهتی در مطالعات شخصی دادم. متوجه شدم میان رشته ای ها تا چه اندازه می توانند در نگاه و تحلیل ها تنوع و تمرکز ایجاد کنند. پس آن راه را ادامه دادم و سایت انسان شناسی و فرهنگ فرصتی را پدید آورد تا با دوستانی آشنا شوم که در رشته های مختلف علوم اجتماعی تحصیل می کنند و به حق نوشته هایشان بر بسیاری از دوستان منتقدم ارجحیت داشت. به جرات اقرار می کنم که از آنها آموختم و سعی کردم برخی انگاره های نظری آنها را در نوشته های خودم نیز لحاظ کنم.

چندی است که نظریه نه چندان تازه و شاید قدیمی قابل نقد رومن یاکوبسن که در مقاله زبان شناسی و شعر شناسی خود آن را مورد توجه قرار داده ذهنم را به خود مشغول کرده است. اینکه چگونه می توان مجرای ارتباطی میان فرستنده و گیرنده یک پیام را گسترش داد و از انقیاد زبان رهایی یافت- مگر می شود؟- و به معناهای گسترده تر رسید. چگونه می تواند واژگان تخصصی و انگاره های دشوار علوم مختلف انسانی را از نشانه شناسی گرفته تا انسان شناسی و فلسفه و جامعه شناسی و... را با زبان سینما معنا کرد! یا بلعکس سینما را با کمک این نظریه ها و واژگان بهتر درک کرد! میان رشته ای یکی از راه های همان گسترش مجرای ارتباطی بودند. افزودن انگاره هایی دیگر به جز نظریه های تحلیل فیلم که اگرچه بسیاری از آنها خواه ناخواه در دهه های 60 و 70 میلادی با این انگاره ها آموخته شده بودند و تنها باید راه حلی عملی برای استفاده از آنها جست. این پنجره های تازه جایی از اثر هنری را معنا

مي کند که تنها پرداختن به ساختار و يا محتوای فيلم ها از منظر تکراری نقد فيلم نمی تواند آنها را توضیح دهد.

از همین رو حضور در سایت انسان شناسی و فرهنگ را پذیرفتم تا شاید بتوانم با کمک دوستانی که بیشتر آنها از سوی مدیریت سایت به اینجانب معرفی شدند به تجربه ای جمعی دست یابیم. برخی از دوستان سینمایی نویس که دغدغه های مشترکی با بنده داشتند نیز مرا همراهی کردند و زمان به خوشی گذشت. اما هم اکنون بعد از این دوره کوتاه همکاری در این سایت می دانم - و می دانیم- که صفحه سینما ضعف هایی دارد. در جست و جوی برنامه ای هستم که بتوانیم ما هم مجرای این صفحه را با دوستان گسترش دهیم. بی شک از همه انتقاد ها و پیشنهاد ها استقبال خواهیم کرد .

جهان نو در تحلیل نیاز به میان رشت ای ها دارد. علوم نظری در حوزه سینما و یا تأثیر نمی تواند بدون وجود و ارتباط میان رشته ای ها رشد داشته باشد. بنابراین امیدوارم بتوانیم با یاری دوستان سایت انسان شناسی و فرهنگ دریچه کوچکی را به این دنیای پهناور ایجاد کرده و از پنجره ای تازه جهان هنر هفتم را بنگریم.

ramtin_shahbazi@yahoo.com



بستری برای ترویج رویکرد علمی-انتقادی

خسرو صادقی بروجنی

پژوهشگر

«انسان شناسی و فرهنگ» در مدتی که به فعالیت خود پرداخته است، توانسته فراتر از یک تارغای اینترنتی، به عنوان یک بنیاد علمی-ترویجی، پلی باشد میان حوزه‌ی علمی-آکادمیک و حوزه‌ی عمومی. تلاش‌های این بنیاد در ترویج رویکرد علمی به مسائل میان مخاطبان عام و محدود نکردن پژوهش علمی به فضای دانشگاه، تلاشی ارزنده و قابل ستایش می‌باشد.

سایت انسان شناسی و فرهنگ با طبقه‌بندی وسیعی که از حوزه‌های گوناگون علوم انسانی انجام داده است تقریباً تمامی این حوزه‌ها را پوشش می‌دهد و ضمن تأکید بر دانش بین رشته‌ای، خود را به تقسیم بندی‌های تنگ نظرانه‌ی متعارف در فضای آکادمیک محدود نکرده است.

این سایت ضمن انتشار پژوهش‌های اساتید، دانشجویان و محققین، آن‌ها را از فضای بسته و محدود نشریات دانشگاهی که اغلب دسترسی عموم به آن‌ها مقدور نمی‌باشد، وارد فضای گستره‌تری کرده و در اختیار عموم علاقه‌مندان قرار داده است. این امر از سویی موجب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی دانشگاهیان و اصحاب علم می‌گردد و از سوی دیگر رویکرد علمی به مسائل را در میان جامعه‌ی مخاطبین عام ترویج می‌دهد.

اما در این بین دغدغه‌هایی نیز وجود دارد. رویکرد پوزیتیویستی و کارکردگرایانه همواره گفتمان حاکم بر فضای رسمی دانشگاهی در ایران بوده است. این رویکرد با برداشتهای نادرست و کج فهمی از اصطلاحاتی چون «فراغت ارزشی» و «رویکرد غیر ایدئولوژیک و غیر سیاسی به مسائل» و ... سعی

کرده است از نقد وضعیت موجود پرهیز کند، در مواردی سکوت کند و یا حتی به توجیه آن بپردازد.

این رویکرد امروزه با رونق گرفتن ایدئولوژی نولیبرالیسم و پیوند آن با نوعی از محافظه‌کاری و رسوخ آن به فضای آکادمیک و همچنین تبدیل اصول آن به عقل سلیمی که ازلی و ابدی پنداشته می‌شود، می‌تواند بیشترین تهدید برای رویکردهای انتقادی باشد.

روش‌شناسی رشته‌ی انسان‌شناسی (روش کیفی) که در برابر روش‌شناسی رسمی (روش کمی) و محافظه‌کارانه‌ی موجود در جامعه‌شناسی و اقتصاد و حتی علوم سیاسی وجود دارد، این امکان را در اختیار این رشته قرار می‌دهد که از نگاه سطحی و تأییدگرایانه‌ای که معمولاً نسبت به واقعیات اجتماعی در محافل رسمی دانشگاهی اتخاذ می‌شود دوری گزیند و با طرح پرسش‌های رادیکال (ریشه‌ای)، مفهوم‌رهایی بخشی از علوم انسانی ارائه دهد که در تقابل با دیدگاه «مهندسان اجتماعی» و کسانی می‌باشد که اهداف و ابزارهای علوم انسانی را نیز همچون علوم دقیقه در ذیل پروژه‌های ایدئولوژیک خود تعریف می‌کنند.

از این رو وظیفه‌ی خطیری بر عهده‌ی تارنماها و بنیادهای پژوهشی‌ای همچون «انسان‌شناسی و فرهنگ» قرار دارد. این نهادها چنانچه بخواهند پیوند خود را با مخاطبین عمومی حفظ کرده و رنگ و بوی تکراری و رخوت آمیزی را که اغلب در جزوات و تحقیق‌های دانشجوی وجود دارد به خود نگیرند، بایستی کوشش کنند ضمن پرهیز از آلوده شدن به تعصبات سیاسی-عقیدتی و به دور از هرگونه شعارزدگی، بسترهای لازم را برای طرح پژوهش‌ها و تبیین‌های علمی-انتقادی فراهم کنند. در همین راستا استقلال فکری، علمی و اقتصادی این نهادها از اهمیت زیادی برخوردار است که خوشبختانه «انسان‌شناسی و فرهنگ» تاکنون در این زمینه کارنامه‌ی مثبتی را داشته است.

تارنمای «انسان‌شناسی و فرهنگ» و فعالیت‌هایی که در آن صورت گرفته است حاصل کوشش جمعی مجموعه‌ای از اساتید، دانشجویان، نویسندگان و پژوهش‌گرانی می‌باشد که بدون هیچ چشمداشت مادی، سرمایه‌های فکری و فرهنگی خود را با مخاطبان‌شان به اشتراک

می‌گذارند. این کوشش‌های ارزنده در راستای توزیع دانش و جلوگیری از انباشت آن در محافل رسمی و خشک و انعطاف ناپذیر، شایسته‌ی تقدیر و تشکر فراوان است.

در پایان ششمین سالگرد تأسیس مجموعه‌ی انسان‌شناسی و فرهنگ را به همه‌ی دست‌اندرکاران و خوانندگان این سایت شادباش گفته و آرزو می‌کنم این مجموعه‌ی وزین علمی و فرهنگی هر روز بر پرباری‌اش افزوده شود و بتواند در راه ترویج بینش علمی-انتقادی رشته‌های گوناگون علوم انسانی در میان مخاطبان و علاقه‌مندان این مباحث، قدم‌های مفید و کارایی را بردارد.

khosrow.sb@gmail.com



هنرِ سایت انسان‌شناسی و فرهنگ در ششمین سالگرد آن

روبرت صافیاریان

مستند ساز، نویسنده، مترجم، سردبیر دو هفت هامة ارمنی-فارسی هویس و مدیر گروه فرهنگ ارمنی

مهرماه سال گذشته که همکاری با سایت "انسان‌شناسی و فرهنگ" را به عنوان مدیر بخش فرهنگ ارمنی شروع کردم، نوشته خود را درباره ضرورت شناخت متقابل فرهنگ‌ها از یکدیگر با این جمله شروع کردم:

"سأله‌است کنار هم زندگی می‌کنیم و هنوز ساده‌ترین چیزها را راجع به هم نمی‌دانیم. یک نمونه‌اش همین که هنوز خیلی از ایرانی‌ها، حتی آدم‌های تحصیل‌کرده، فکر می‌کنند ارمنی یعنی مسیحی".

براستی نیز اعتقاد دارم مهم‌ترین راه مقابله با تعصبات قومی و درگیری‌های و خشونت‌هایی که با آن همراه هستند، آشنایی با فرهنگ اقوام، ملت‌ها و ادیان دیگر است. این شناخت به مرور زمانی تعصبات را که عموماً ریشه در تصورات نادرست و توهّمات بی‌پایه درباره گروه‌های انسانی دیگر دارند، می‌فرساید و چشم را به روی ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر می‌گشاید. البته در همان نوشته گفته‌ام که این به معنای چشم بستن بر کاستی‌های فرهنگ خودی و دیگری نیست، بلکه شناخت متقابل باید با نگاه انتقادی همراه باشد و گرنه در سطح تعارف و بیان نیت حسنه باقی خواهد ماند.

همین اندازه کافی است که دلیل همراهی من با سایت انسان‌شناسی و فرهنگ معلوم شود. این سایت از محدود جاهایی است که فضای زیادی را به فرهنگ ملل و اقوام گوناگون اختصاص داده است. این تلاشی است که در دراز مدّت به بار خواهد نشست و به عنوان جزئی از یک جریان عمومی از تعصبات جمعی خواهد کاست.

البته من پیش از شروع همکاری با انسان‌شناسی و فرهنگ در زمینه فرهنگ ارمنی، این سایت را می‌شناختم و برخی از نوشته‌هایم درباره سینمای مستند در آن منتشر شده بود. مهم‌ترین عامل جذابیت آن برای من این بود (و هست) که با اندکی گشت زدن در آن به تنوع مسائلی که می‌توان از دیدگاه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی به آن‌ها نگریست پی می‌بریم. بسیاری از مسائل ظاهراً زیستی و بیولوژیکی را می‌توان به عنوان پدیده فرهنگی نیز تلقی و بررسی کرد. تندرستی و احساس درد از این جمله‌اند. مسائل حوزه باستان‌شناسی و اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی همه وجهی انسان‌شناسانه نیز دارند و می‌توانند موضوع این علم قرار گیرند. در یک کلام، گردشی کوتاه در عنوان‌های سایت نیز انگیزه‌های نیرومندی برای اندیشیدن به موضوع‌های ساده از دید جامعه‌شناسی و فرهنگی به دست می‌دهد و این برای مستندساز و روزنامه‌نگار — دو کاری که فعلاً به آن‌ها اشتغال دارم — بسیار راهگشا و مفید است.

سایت انسان‌شناسی و فرهنگ در کنار کار مفیدی که در دو زمینه یادشده می‌کند، از کاستی‌هایی هم دارد. یکی اینکه به گمان من در آن، کمیت بر کیفیت می‌چربد. در میان مطالب سایت

بسیارند نوشته‌هایی که به لحاظ محتوا یا نگارش عیب‌های عیان دارند و جای‌شان در یک سایت علمی وزین نیست. دیگر اینکه از نظر فنی اشکالاتی دارد که مهم‌ترینش محدودیت جاگذاری یک عکس برای هر مطلب است، که به دلیل آن، مطالب عکس‌دار (که اتفاقاً در بحث‌های انسان‌شناسی مهمند) به نحو مناسبی ارائه نمی‌شوند. گذاشتن عکس‌ها به صورت یک فایل ورد word به عنوان پیوست مطلب نیز شیوه کهنه و دست‌وپاگیری است و به قول اهل کامپیوتر user-friendly نیست. می‌دانم که این برطرف ساختن این مسائل به امکانات مالی نیاز دارد و امیدوارم که با فراهم آمدن این امکانات، این مشکلات نیز رفع شوند. به هر رو مدیریت سایت و همراهانش تا همین جا هم کار بزرگی را پیش برده‌اند. خسته نباشند!

robertsafarian@gmail.com



سرپناهی برای اقتصاددانان متفاوت

پرویز صداقت

پژوهشگر و اقتصاددان

جریان مخالف ارتدکسی و راست‌آیینی در نظریه‌ی اقتصاد، مخالفان و ناراضیان از جریان اصلی علم اقتصاد را دربرمی‌گیرد. ریشه‌ی اصلی این جریان به قرن نوزدهم و شکل‌گیری دوگانه‌ی «علم اقتصاد» در برابر «اقتصاد سیاسی» بازمی‌گردد. اما نقطه عطف، انقلاب نوکلاسیکی در اواخر قرن گذشته بود که واگرایی این دو جریان در عرصه‌ی اقتصاد را شتاب بخشید.

اکنون جریان مخالف اقتصاد ارتدکس که می‌توان آن را جریان دگراندیش یا دگرآیین Heterodox خواند اصطلاحی جاافتاده در میان پژوهشگران عرصه‌ی اجتماعی است و طیفی رنگارنگ از اقتصاددانان نهادگرا، مارکسی و پساکینزی را شامل می‌شود.

برخی عنوان اقتصاد سیاسی را برای این طیف متنوع برمی‌گزینند اما در گذشته این اصطلاحی برای نامیدن اقتصاد سیاسی مارکسی بود یا به زعم برخی نامی برای علم اقتصاد پیش از نیمه دوم قرن نوزدهم، و امروز نیز در نظریه‌ی انتخاب عمومی نوکلاسیک از این اصطلاح استفاده می‌شود. از این رو، از دهه‌ی 1990 به این سو برای نامیدن این طیف متنوع فکری بیشتر از عنوان «دگراندیش» یا «دگرآیین» استفاده شده است.

توسعه‌ی رویکردهای اقتصادی دگراندیش با شکست فاحش اقتصاد نولیبرالی در سال‌های اخیر شتاب یافت چنان که امروز حدود 140 نشریه‌ی دانشگاهی با رویکرد دگراندیشانه منتشر می‌شود و ده‌ها نشریه‌ی دیگر نیز با چنین رویکردی اما با زبانی ساده‌تر مفاهیم منتقدانه‌ی این دیدگاه‌ها را ترویج می‌کنند. همچنین، از سال 2004 خبرنامه‌ی علم اقتصاد دگراندیش منتشر شد و اکنون 3200 اقتصاددان در سرتاسر جهان آن را دریافت می‌کنند.

رکود تورمی دهه‌ی 1970 زمینه‌ساز خروج دولت رفاه از عرصه‌ی زندگی اقتصادی مردم در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری بود. ظهور راست جدید در ایالات متحده و انگلستان از دهه‌ی 1980 آغازی بر سه دهه یکه‌تازی اقتصاددانان نولیبرال در عرصه‌ی دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی شد. این سه دهه، لطمه‌های جبران‌ناپذیری هم بر زندگی اقتصادی مردم، هم بر محیط زیست و هم بر کثرت‌گرایی در عرصه‌ی علوم اجتماعی و به‌خصوص علم اقتصاد زد. جوزف استیگلیتز، قائم‌مقام پیشین بانک جهانی و منتقد جدی سیاست‌های اقتصادی دهه‌های اخیر، اشاره کرده است که چه‌گونه از دهه‌ی 1980 اقتصاددانان کینزگرا از بانک جهانی اخراج شدند و جای آنان را انواع و اقسام اقتصاددانان نولیبرال گرفتند. این اقتصاددانان تشخیص‌شان از

بیماری اقتصادی جهانی، حضور دولت در عرصه‌ی اقتصاد و ناکارآمدی اقتصاد دولتی بود، تجویزشان نسخه‌ی درمانی «اجماع واشنگتنی» بود و حاصل تجویز این نسخه اما، نه شفای بیمار، که کاهش رشد و رکود اقتصادی، افزایش فقر و اختلاف طبقاتی و تخریب بیش از پیش محیط زیست بود.

در عصر طلایی سرمایه‌داری، به تعبیر اریک هابزبام، طی سال‌های 1945 تا 1970 به موازات وفاق اجتماعی در کشورهای سرمایه‌داری، شاهد نوعی وفاق و همزیستی در عرصه‌ی اقتصاد دانشگاهی بودیم و «سنتر نوکلاسیک» که آمیزه‌ی اقتصاد نوکلاسیک در عرصه‌ی اقتصاد خرد و اقتصاد کینزی در عرصه‌ی اقتصاد کلان بود نشانه‌ی چنین وفاقی بود. اما دهه‌ی 1980 اقتصاد کینزی به حاشیه رانده شد و این دسته از اقتصاددانان کینزی نیز در شمار «غیرخودی»ها قرار گرفتند و رفته‌رفته به عرصه‌ی دگراندیشی علم اقتصاد راه یافتند.

بدون تردید، از سویی تنگنظری اقتصاددانان نولیبرال و نخوت «علمی» آنان در برخورد با اندیشه‌های رقیب و از سوی دیگر نتایج فاجعه‌باری که ریگانیسم و تاچریسم و اجماع واشنگتنی بر زندگی اقتصادی مردم و بر توسعه‌ی پایدار اقتصادها گذاشته بود در عمل به گرایش به چپ اقتصاددانان پساکینزی مؤثر بود.

در هر حال، طیف اقتصاددانان دگراندیش هر روز گسترده‌تر می‌شود و اگر روزی طیف خاصی از مارکسیست‌ها و منتقدان رادیکال سرمایه‌داری دوگانگی «اقتصاد سیاسی» و «علم اقتصاد» را پدید آورده بودند امروز شاهد آن هستیم که اقتصاددانانی که در مطالعات خود به نهادها، ساختارهای اجتماعی و طبقات، جنسیت و زنان، محیط زیست و مبادلات غیرکالایی در عرصه‌ی زندگی،... بها می‌دهند همه در پهنه‌ی اقتصاد دگراندیش جای گرفته‌اند. از این روست که در میان این گروه از اقتصاددانان طیفی می‌بینیم که یک سر آن اقتصاددانان مارکس‌گراست و سر دیگر آن اقتصاددانان پساکینزی و در آن میانه نیز انبوهی از بوم‌شناسان، نهادگرایان، فمینیست‌ها و جز آن.

تحولات اقتصاد دانشگاهی در ایران نیز روند کم‌وبیش مشابهی را از سرگذراند. اقتصاددانانی که به جزمیات اقتصاد نولیبرال باور نداشتند از عرصه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی به کل حذف شدند و در عرصه‌ی دانشگاهی نیز یا به حاشیه رانده شدند و یا به دانشکده‌های دیگر.

در هر حال، در چنین فضایی از آن‌جا که «علم اقتصاد» مسیر خود را از دیگر علوم اجتماعی جدا کرد شاهد هستیم که اقتصاددانان دگراندیش به علوم اجتماعی دیگر و از آن جمله انسان‌شناسی پناه آوردند. پس از جمله دستاوردهای انسان‌شناسی در عرصه‌ی علمی نیز یکی آن است که سرپناهی آکادمیک برای اقتصاددانان تبعیدشده پدید آورد.

تولد سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، از آن رو خجسته است که به سنت اصیل علوم اجتماعی وفادار مانده است و رویکردی کثرت‌گرا برای جذب پژوهشگران در عرصه‌ی علوم اجتماعی را برگزیده است: جایگاهی برای آنان که سرپناهی برای خود و دیگران می‌خواهند.

parvizsedaghat@yahoo.com



به مناسبت ششمین سال تأسیس "انسان شناسی و فرهنگ"

ربابه صدیقی

دانشجوی دکتری مردم شناسی هندوستان

با سپاس وشادباش جهت آغاز کار سایت انسانشناسی و فرهنگ به مناسبت ششمین سال افتتاح آن.

رابطه فرد با فرهنگ همواره از روابط مهم و بحث برانگیز در حوزه فرهنگ و انسانشناسی است و ایجاد رابطه‌ای منطقی برای رویکردهای جامعه شناختی و انسان شناختی در جامعه است و این روش برای آگاهی و شناخت کاری بس مهم و با ارزش است که در این سایت آرایه می شود. به عبارت دیگر یک نوع آموزش فرهنگی و آگاهی دادن به اجتماع است. من در طول سالها معلمی در زمینه های مختلف فرهنگی سوالات بیشماری در ذهن داشتم که یافتن پاسخ آنها به آسانی میسر نبود اما اکنون با وجود این سایت این امر ممکن گردیده. صادقانه بگویم اغلب از خواندن مطالب علمی و فرهنگی آن بسیار مسرور می شوم. علاقه مندی مدیریت و همکاران سایت، احساس مسولیتان در کارها و تک تک مباحثی که مطرح می شود در واقع نوعی آموزش فرهنگی و انسان شناختی است. حاصل کار این سایت حاصل تلاش و اندیشه و نگرش نگارندگان و یافته های آنان در تحقیق های مردمشناسی /علوم اجتماعی/متون تاریخی /ادبی /جغرافیایی در ایران و نقاط دیگر دنیاست. بنظر بنده مطالب این سایت میتواند برای همه افراد جامعه اعم از افراد متخصص و افراد دیگر جامعه که بنوعی طالب آگاهی و دانش بیشتری هستند مفید واقع شود.

این سایت توانسته است با مخاطبان زیادی ارتباط برقرار کند و همکاری افراد بسیار در موارد فرهنگی-اجتماعی با ارزش است. به نظر من این کار یک آموزش فرهنگی و آگاهی اجتماعی است. اگر با دقت به آن نگاه کنیم از هر بحث و مطلب تازه

بسیار می‌توان آموخت. به قول آلبر کامو: شما به رسالت تان که همانا دوست داشتن است عمل کرده اید و احساس تعلق اجتماعی به جامعه خدمت می‌کنید. مطالب این سایت برای همه افراد طالب علم مفید است و پایان سخن : کلید در امید اگر هست، شمائید.

talatsedighi@yahoo.com



دریچه ای جدید برای ذهن ما

آتیة عارفپور

دانشجوی کارشناسی ارشد مردم شناسی، دانشگاه آزاد

همکار صفحه انسان شناسی زیستی

با سلام و خسته نباشید از تمام دوستانی که در راه اندازی و ماندگاری این سایت تلاش کرده اند. این سایت تلاشی در جهت هر چه بیشتر شناخته شدن انسانشناسی و حوزه های فعالیت آن در ایران است. با این وجود میبینم دانشجویان مردم شناسی سایر دانشگاه هارا که از وجود این سایت مطلع نیستند و بعد از بازدید از این سایت چه نظری دارند. گویا که دریچه ی ذهنشان به این حوزه باز می شود. بنده شخصا برای انجام پروژه ها و کارهایم به این سایت مراجعه میکنم. چون دامنه ی وسیعی از افراد با این سایت همکاری دارند و مطالب گوناگونی را به اشتراک می گذارند. خودم هم در بخش معرفی کتاب با این سایت همکاری داشته ام و خواهم داشت.

atiyeharefpour@yahoo.com



هنوز هم همان طور است...

کاوه عبدالحسینی

کارشناس انسان شناسی، دانشگاه تهران

همکار انسان شناسی و فرهنگ

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برای من از مهر 1387 آغاز شد. از شهرستان می‌آمدم و جذابیت های تهران و دانشگاه تهران و دانشکده ی علوم اجتماعی برایم بسیار بود. بسیاری از آن‌هایی را که سال‌ها آثارشان را خوانده یا دیده یا پیگیری کرده بودم را می‌شد در این دانشکده دید یا گذارشان به این-جا می‌افتاد و بارها پیش آمد که به خود گفتم: اگر الان شش ماه پیش بود می رفتم جلو یک امضایی چیزی می‌گرفتم! ماه‌های اول که گذشت، این هیجان زدگی کمتر شد و سروکله زدن با مسائل مختلف دانشگاه و زندگی غیر انسانی در خوابگاه را نشان داد. انبوه چیزهایی که قرار نبود باشند ولی بودند. نظامی که نبود و کلاس‌هایی که کسل کننده بودند و امکاناتی که درست کار نمی‌کردند و بدتر از همه اساتیدی که پذیرفتن‌شان یا بهتر است بگویم آموختن ازشان دشوار بود و همه ی این‌ها همچنان هست و می‌گردد جهان بر همان مدار که بدتر اگر نشده باشد چیزی بهتر نشده است تا جایی که من توان دید دارم و فهمیدن و انسان شناسی و فرهنگ در چنین فضایی بود که پدید آمد و رشد کرد. هم در دانشکده و هم در درون من. من وقتی رسیدم، اواخر دوره‌ای بود که سایت انسان شناسی و فرهنگ نام مدیرش را بر خود داشت و درواقع سایتی شخصی بود که همین مرا پیگیرش کرد. دنبال کردن از سخنرانی‌ها و نوشته‌ها و دید زدن دورادور رسید به جست و جوی نامش در گوگل و سایتی که عجیب

بود چرا که بیش از مقداری که باید، پر و پیمان بود! این همه تلاش و فعالیت برای چه؟ و توسط که؟

دیدار شخصی ام با مدیریت سایت، پیش از این بود که دانشجویش باشم و رشته ام انسان شناسی باشد و خیلی چیزها را ببینم و به گوشم برسد و پیش از این که مرا دیده باشند ولی به سادگی و بدون پرسش از نام و رشته و رتبه ام قراری گذاشته شد و البته مهم ترین و جذاب ترین بخش اش در آن زمان برای من نوشته شدن نام ام در سررسید او بود که هنوز هم هست هربار که این نوشته شدن تکرار می شود. آن روزها و چند دیدار دیگر به پرسش های من از این جا و آن جا گذشت و پاسخ هایی که قانع کننده بودند و هنوز هم هست. و در همین حین هدایت شدم به چیزی که انسان شناسی و فرهنگ بود. از جایی و گوشه ای کارهایی شروع شد کوچک، که روز و شب مدیریت سایت در گوشتمان می خواندند که کوچک نیستند و کم اهمیت نیستند و بی ارزش نیستند و... و هنوز هم بر آن تأکید دارند. زمینه ی کار کردن در انسان شناسی و فرهنگ بیشتر شد و انتظار از من دانشجو در سر کلاس ها کمتر و کمتر تا در بیشتر مواقع رسید به یک ونیم ساعت نشستن بر صندلی ای که تنها شرط اش قرار داشتن آن در فضای کلاس بود و تنها شرط من سکوت و خواب نبودن یا خوابیده به نظر نرسیدن! کاری و تحقیقی اگر بود، یا استاد دم دست نبود که بپرسی و راهنمایی ات کند و همه از هم می پرسیدند که فلانش را چه کنیم و بهمانش را چه نکنیم، یا دم دست بود ولی نظر خاصی نداشت و یا نظر خاصی داشت ولی شوخی به نظر می آمد و یا قضیه اصلاً به این جدیت نبود که چه کنیم یا نکنیم. فهرستی و چکیده ای و نتیجه ی سرهم بندی شده ای کافی بود برای رستگاری و همه راضی بودند غیر از خودت و هنوز هم همین طور است. تحقیق و پژوهش که هیچ، چیزی اگر قرار بود بخوانی هم یا پدیده ای به شدت بی نسبت با دانشگاه بود بنام جزوه (نوشته شده توسط دیگران) یا کتابی کمتر مربوط با مطالبی که می شنیدی سر کلاس یا کتابی مربوط ولی تاریخ گذشته یا کتابی تازه ولی به کل پرت از مرحله و وای اگر استادی کتابی نوشته باشد در مورد درسی که می دهد (که اصولاً باید بسیاری این چنین باشند ولی نیستند متأسفانه یا خوشبختانه) و وای اگر کتابی نباشد و باید جزوه بخوانی و وای به اوضاعی

که احتمال ریاضی فقط یکی از این دو را نشان می‌دهد یا آن کتاب و یا جزوه و پیشامد دیگری اگر روی دهد بشک باید از استثنا صحبت کرد. و هنوز هم همین طور است.

و هنوز هم می‌مانی که چرا کاری نمی‌بینی از خیلی‌ها، نه کتابی نه مقاله‌ای نه سخرانی و نه حرف تازه‌ای. و باید قناعت کرد به حداقل‌ها و این که فلانی برخوردش خوب است و فلانی خوب نمره می‌دهد و فلانی حضور و غیاب را سخت نمی‌گیرد و معیار انتخاب واحد همین‌ها است در بسیاری از موارد.

نمی‌دانم چرا هر ایده‌ای برای نوشتن یادداشتی برای این ویژه نامه به ذهنم رسید، با نگاهی انتقادی به دانشگاه تنیده شده بود ولی جالب این است که توجه به این کلاس‌ها یا نحوه کنار آمدن با همه‌ی این‌ها و آموختن و یافتن آنچه باید بود و نبود را در همین انسان‌شناسی و فرهنگ یاد گرفتم. آن‌جا صحبت از بهانه نگرفتن و نق نزدن بود. صحبت از این که هرچه هم مشکل و دردسر و پدیده‌های عجیب و غریب از در و دیوار بریزد، جا برای کار هست و کارهای نشده‌ای که منعی برایشان نیست، مانده‌اند و گرچه غم انگیز است برخوردن به سدی که جلوی آموختن یا پژوهیدن یا نوشتن در حوزه‌هایی را می‌گیرد ولی این به آن معنا نیست که دیگر هیچ کاری نمی‌توان کرد. و سخن از این بود که برای اعتراض به همین چیزها هم می‌باید چیزهایی بلد بود که بلد نبودم و توان درک چیزهایی را داشت که من نداشتم و توانایی‌ها و مهارت‌هایی را باید بدست آورد. و گفته می‌شد که می‌شود از این دانشکده متخصص خارج شد.

یاد گرفتم و همه جا از این ایده دفاع کردم که مسئله‌ی خیلی جدی‌ای است و هشدار باید داد که ما دانشجویان (و برخی اساتید) مشکل نوشتن داریم. مشکل ادبیات داریم. که روش نمی‌دانیم و چیزهایی هم اگر پراکنده آموخته‌ایم تا تمرین نشده باشند هیچ نمی‌ارزند. که باید ساخت، باید نوشت، باید منتشر کرد. باید زبان بدانیم و از هر قومیتی که هستیم باید بتوانیم به زبان خود بخوانیم و بنویسیم. باید معرفی کنیم که چه‌ها داریم باید گفت وگو یاد بگیریم. بیشتر باید حواسمان باشد که در جهان چه دارد می‌گذرد. باید اخلاق و رفتار حرفه‌ای بیاموزیم و یاد بگیریم که اصلاً این به چه

معنی است. این که فکرمان را تازه کنیم . سعی کنیم ایده داشته باشیم. این که هیچ فعالیت علمی کم ارزشی وجود ندارد و تأثیری که کار -به ظاهر ساده ای- چون نوشتن خلاصه کتاب در یک یا نیم صفحه یا پیاده کردن یک نوار مصاحبه یا ... بسیار بیش از آن است که فکرش را بکنیم و چقدر خود ما و جامعه ما به تک تک این فعالیتها نیاز دارد و تازه همین کارهای ساده را چقدر می‌توان با خلاقیت توأم کرد و از راه- های نو انجام داد و آموخت از همه‌ی این‌ها. و خیلی چیزهای دیگر که من در انسان شناسی و فرهنگ شروع به آموختنشان کردم و هنوز هم ادامه دارد و امیدوارم داشته باشد همه‌ی این‌ها.

و البته این کارها را هرکس باید خودش می کرد نه این که کلاسی چیزی برایش دایر کنند و کم و کسری‌ها را تدریس کنند. تازه جالب اش این بود که مدام از همه خواسته می‌شد که در فعالیت های گوناگون انسان شناسی و فرهنگ مسئولیت اجرایی بر عهده بگیرند و هم زمان توان علمی خود را بالا ببرند و هنوز هم همین طور است.

همه چیز هنوز همان طور است ولی انسان شناسی و فرهنگ هنوز همان طور نیست! در همه‌ی این سال ها و ماه‌ها که من نتوانستم یک دهم آن چه را نیز که می‌شد انجام داد شروع کنم یا به پایان برسانم، رشد کرد و همیشه ایده‌های تازه داشت و افرادی تازه را در خود جای داد و کارهای زیادی انجام شد تا امروز سایتی داشته باشد که من مجبور باشم به همه دوستانی که دورادور علاقمند اند و پیگیر، توضیح دهم که چطور ممکن است چنین چیزی را به کمک افرادی که همه به شکل داوطلبانه و بدون دستمزد کار می‌کنند راه انداخت چرا که توجیهات توهم- آلودی چون نزدیک شدن به استاد و نمره و پایان نامه و کار ... دیگر نمی توانند توضیح دهند این همه کاری را که دارد انجام می‌شود. حتی اگر همه انسان شناسی و فرهنگ فقط سایتش باشد که نیست. به عنوان یک دانشجوی علوم اجتماعی می‌توانم بگویم که انسان شناسی و فرهنگ برای دانشجویان این رشته موقعیتی نادر و کمتر در دسترس ایجاد کرده که به آن‌ها امکان می‌دهد با پژوهشگران و صاحب نظران مختلف در انواع رشته‌ها و حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی و فرهنگ در تماس

باشند و بیاموزند و تبادل نظر کنند و نیز انواع موقعیت‌های مختلف برای طیف وسیعی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی و اجرایی ایجاد می‌کند و همچنین با داشتن یک سایت پربازدید و برنامه‌ها و همایش‌ها و نشست‌های گوناگون، امکان انتشار کارها را به شکلی قابل قبول فراهم آورده است که می‌تواند آثار و کارهای علاقمندان را در معرض نقد و تصحیح خوانندگانی از طیف‌های مختلف و مدیران گروه‌های پژوهشی قرار دهد و همی این‌ها چیزهایی است که بسیار می‌تواند به کمک آن‌هایی بیاید که دغدغه‌ای درون این رشته‌ها دارند و به دنبال آموختن هستند و کار کردن و تأثیر گذار بودن. گرچه همه‌ی داستان این‌ها نیست و قرار است که اتفاقات تازه‌ای روی دهد چرا که سخن از مؤسسه‌ی انسان‌شناسی و فرهنگ است و قرار است که هیچ وقت همه چیز همان‌طور نباشد که بود. تا باد چنین بادا...

kaveh_abdolhoseiny@yahoo.com



جایی برای اقوام

سامال عرفانی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی توسعه روستایی دانشگاه تهران

وقتی شش سال پیش درباره راه‌اندازی یک وب سایت انسان‌شناسی صحبت می‌شد، هیچوقت نمی‌دانستم که این کار چقدر می‌تواند عظیم باشد و چقدر به من کمک کند. امروز می‌توانم با خیال راحت نوشته‌هایم را به این سایت بفرستم و مطمئن باشم که با اسم خودم در این وب سایت منتشر خواهد شد و کسانی آن را خواهد خواند.

امروز دیگر مشکلات سال‌ها پیش را ندارم و می‌توانم حجم وسیعی از مطالب در زمینه انسان‌شناسی را به زبان فارسی به آسانی

مطالعه کنم، با تازه‌ترین کتاب‌های منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی در زمینه انسان‌شناسی آشنا شوم. می‌توانم مطالب بسیاری در باره اقوام و زبانهای متفاوت ایرانی پیدا کنم...

از وجود این وبسایت بسیار خرسندم و دوست دارم بسیار خودمانی بگویم: عزیزم، تولدت هزاران بار مبارک

erfani.samal@gmail.com



نگاهی بومی به جامعه ما

محمدحسن عزیزی

دانشجوی مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی

انسان شناسی بنیادی ترین علوم در علوم انسانی است. آنجاست که اگر هوشمندانه قدم برداشته شود؛ حاصل این تلاش‌ها در علوم دیگر همانند مدیریت به بار خواهد نشست و میوه‌ی آن تلاش هوشمندانه به اقصا نقاط جامعه خواهد رسید. توجه ویژه به جامعه اصیل ایرانی و فرهنگ این کهن سرزمین، ما را در تبیین هر چه بهتر شرایط امروزمان کمک خواهد کرد و باعث بوجود آمدن نتایجی در علوم دیگر همانند مدیریت خواهد گشت که می‌تواند با نگاه بومی، مشکلات امروز جامعه‌مان را حل کند. نگاه به سینما، اقتصاد، توسعه، موسیقی و مسائل دیگر از نگاه انسان شناسی از نقاط مثبت انسان شناسی و فرهنگ است. توجه به فرهنگ‌های مختلف نیز می‌تواند ما را در تقابل با انسان‌ها از فرهنگ‌های مختلف یاری دهد. به مهم نیز در انسان شناسی و فرهنگ پرداخته شده است.

به سهم خود، ارج می نهم تلاش هاتان را، دستانتان را به گرمی
می فشرم، با ادب در برابرتان می ایستم و می گویم تولد شش
سالگی تلاش و کوششتان در دنیای مجازی مبارک!

mhazizi@live.com



سهم جانوران از فرهنگ

امیر عسکری

دانشگاه میسور هند

مدیر صفحه کردارشناسی (رفتارشناسی جانوری)

از آوای پرندگان مهاجر بر فراز جزیره اشک در دریاچه
ارومیه تا جای سم اسبهای وحشی در بلندای گردنه حیران، از
رقص ماهیان رود سپید در چنگال تور صیاد تا شکستن منقار
عقاب طلایی زاگرس در ارتفاعات، از خشکی تیغهای کویر لوت تا
تخریب کنام ببر مازندران در البرز، از آشیانه خالی گنجشکان
بر چنارهای تهران تا نخلهای سربریده درخراجه های خرمشهر، از
تنهایی خرس سیاه بلوچستان تا اندوه تمساح پوزه باریک
سیستان، از سناریو گرسنگی یوزپلنگ در جاده های تاریک توران
تا رفتن گوزن زرد از بیشه زارهای اطراف کارون، می ترسم، می
ترسم از قهرشان، از کوچشان، از مرگشان، از انقراضشان.

می نویسم، چون می ترسم که نباشند، می ترسم که نباشند تا
فرزندانی ببینند، می ترسم، چون خدا آفرید و من نابود کردم.
می نویسم که همه بدانند، که همه بخوانند، که همه بفهمند که
درختان سرسبز فندقلو برای بریدن نیست، تا اروند همان رود
خروشان برای مناقشه نیست، تا گرگ و یوز و روباه و گراز

برای کشتن نیست، تا جنگل گلستان برای آتش زدن نیست، تا خلیج هست همیشه پارس است و تا

سروران گرامی، ایران عزیز، هنوز سرسبز و با نشاط است، در آستانه عصری نو، با آرمان های کویر لوتش، به سربلندی "دماوند"، پابرجاست. هم میهنانم ، وظیفه ما است که از داشته هایمان مراقبت کنیم، وجود خود را با آبشار "تاف" تطهیر نماییم و با هوای پاک "سبلان" به پالایش درون خویش پردازیم. در این تلاش، نیکان و دوست داران این سرزمین به شما یاری خواهند رساند و در خواهید یافت که چشمه سارهای زلال دامنه "کلایه" درون شما به جوشش در خواهند آمد. دوستان، اگر نمی توانیم به رشد و پاکیزگی طبیعت کمک کنیم، فقط کافی است با سبزی جنگل های بلوط و افرا و توسکا، حقیقت را؛ با سپیدی رودسفید، پیشرفت را؛ و با سرخی غروب دریای خزر، عشق را، به ایران عزیز تقدیم کنیم.

آنچه اکنون اهمیت بسیار دارد و باید بدان پرداخته شود، نظم و انضباط در بهره گیری بهینه از طبیعت است. نمی توان با جست و خیز بی هدف و تصمیم گیری های آنی و بی خردانه، طبیعت را بیهوده نابود کرد. باید گام به گام فرا رفت. هر گام، جایی برای گام دیگر است. عشق به طبیعت باید در خانه ببالد و پرورش یابد، هر عضو خانواده بایستی در این شادی و آرامش سهیم باشد. همه ایرانیان باید در پی یاری رسانی به محیط زیستشان باشند. این دیدگاه را می بایست پاس داشت تا هر چه سریعتر بخشی از فرهنگمان گردد. در ششمین سالگرد فعالیت انسان شناسی و فرهنگ؛ عشق به طبیعت ، احترام به محیط زیست و حیات وحش را ارج می نهیم.

askari1407@yahoo.com



عشق و عقل در انسانشناسی و فرهنگ

ناصر عظیمی

پژوهشگر تاریخ و جغرافی‌دان

مدیر صفحه فرهنگ گیلان

1. مولوی شاعر فرهنگ ایران زمین از منظر عارفانه، تعریفی کانونی از رفتار آدمی در دو حوزه از زندگی به دست می‌دهد: عشق و عقل. نزد مولوی، عشق «لأبالی» است. یعنی به سود و زیان عمل، اندیشه نمی‌کند. چرتکه‌ی ذهن، در عشق، محاسبه‌گر نیست. در عشق عاطفه‌ی انسانی، فرماندهی رفتار آدمیست. مولوی عشق را در مقابل عقل و خرد آدمی قرار می‌دهد. نزد مولوی عقل نه فقط «لأبالی» نیست بلکه دائماً به سود خود اندیشه می‌کند. چرتکه‌ی ذهن عقل، لحظه‌ای از محاسبه‌ی سوداگرانه باز نمی‌ایستد:

لا أبالی عشق باشد نی خرد/عقل آن جوید که از آن سودی برد

از نظر مولوی عقل، بازار گراست. چون در بازار تنها قاعده‌ی سود و زیان آدمی در میان است. اما عشق فراتر از بازار، بازارهای دیگری در اندیشه دارد:

عقل، بازاری بدید و تاجری آغاز کرد/عشق، دیده زان سوی بازار او بازارها

با این مقدمه می‌خواهم بگویم کوشندگان سایت انسانشناسی که بی هیچ ادعا و مدعای نام جویی و مال جویی سالهاست که ما را با فرهنگ و هنر پیوند می‌دهند به راستی نویسنده‌ی این سطور را به یاد عشقی که مولانا در ذهن و ضمیر خود داشت رهنمون می‌شود. با کمترین امکانات و عشق به جامعه‌ی مدنی، فرهنگ، هنر و آموختن، هر روز با خبر و فراتر از خبر صفحه‌ی نو در خانه‌ی هایمان می‌گشایند. اما به راستی آیا امروزه نیز

همانند دوران مولوی فقط عشق برای تداوم چنین کارِ بزرگی کافی است؟

2. در جهانی که به سرعت برق و باد سخیف ترین شکل روابط سرمایه داری تا مغز استخوان آن نفوذ می‌کند و به قول هاروی همه چیز را بی شرمانه به کالا و مبادله‌ی کالایی تبدیل می‌نماید؛ در جهانی که می‌رود تا تمام روابط آدمی را با پول تعریف کند و در تدارک حاکمیت نوعی از عقلانیت باشد که آدمی را فقط به واکنش در مقابل منفعت و سود جویی به تحرك و ابدارد؛ آیا بازهم می‌توان بی اعتناء به عقلانیت سودمداران به پیش تاخت و به پیرامون غرقه در روابط مبادله و منطق آن بی توجه بود؟ آیا می‌توان در چنین روابطی از بازارگرایی و سوداگری، فعالیت نهادی را به پیش برد و علاوه بر هزینه‌ی روزانه از همه‌ی کوشندگانی که در این راه وقت و تخصص خود را به کار می‌گیرند خواست که بی هیچ اجر و پاداشی در دنیایی که همه چیز با پول تعریف می‌شود به تلاش خود ادامه دهند؟ پاسخ با هیچ منطقی نمی‌تواند آری باشد. چرا که جهان بیرون از عشق نیز جهان واقعی است. جهان تعریف شده با منطق پول نیز جهان واقعیت هاست. جهانی که تماماً با منطق بازار تدارک دیده شده است. جهانی که می‌رود تا به گونه‌ای سازمان یابد که فقط در مقابل پول، روی نرم و خوش نشان دهد. در چنین شرایطی لازم است همه‌ی ما دست کم به صورت سمبولیک و با کمترین حد ممکن به کمک این عاشقان بشتابیم و از تداوم این نهاد مجازی پشتیبانی کنیم. و این بار برای عشق دست کم در پستوی خانه نهانگاهی بسازیم و بکوشیم نهانخانه‌ی عشق بماند و بسراید.

3. در پایان این یادداشت مایلیم به دوستان انسانشناسی و فرهنگ تاکیدی کرده باشم. می‌گویم تاکید و نه پیشنهاد زیرا هم اکنون کوشندگان سایت، خود به خوبی به اصولی که می‌خواهم بر آن تاکید کنم، پای بندند. بنابراین من فقط می‌خواهم بر آن تاکیدی داشته باشم و آن این است که از افتادن به ورطه‌ی سیاست و آلودن فرهنگ و هنر و علم به سیاست آن هم از نوعی که در این سرزمین تجربه شده و می‌شود به شدت بپرهیزند. حوزه‌ی سیاست در ایران اشتهای شگفت انگیزی در بلعیدن نهادهای مدنی مستقل برای به خدمت گرفتن آن در راه

رسیدن به قدرت از خود نشان داده است. و اغلب نیز هم خود موفقیتی کسب نکرده و هم نهاد مدنی را به بحران گسست کشانده و از تداوم بازداشته است. این است که تاکید می‌کنم که استقلال از سیاست ضروری است. می‌دانم که در فرهنگ سیاسی ایران این البته بسیار دشوار است و مستلزم سرزنش‌های خار مغیلان خواهد بود لیکن مدیریت سایت انسانشناسی این مهم را تا کنون با درایت خود به انجام رسانده و به خوبی مدیریت کرده است. بگذار سیاست در حوزه ی سیاست رقم بخورد و فرهنگ و هنر از راه مستقل خود به بافت و ساخت ظریف تر جامعه کمک نماید. شاید این بار در حوزه ی فرهنگ و هنر و جامعه ی مدنی بتوان کاخی انسانی تر، ظریف تر و به دور از هیاهوی رایج در عرصه ی سیاست دست یافت.

Nazimi_db@yahoo.com



افزایش سرمایه های فرهنگی

ترکان عینی زاده

کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

همکار انسان شناسی و فرهنگ

گروه انسان شناسی و فرهنگ که در حال تبدیل شدن به موسسه ای با همین نام است، از زمان شروع فعالیت خود از 1384 تا کنون، همواره سعی داشته تا با کار گروهی و هدفمند به ارتقای مهارت ها و توانمندی های دانشجویان و نیز تولید، ترویج و گسترش دانش در حوزه علوم اجتماعی و انسان شناسی بپردازد. در این رابطه به نظر می رسد در کنار برنامه های

متنوعی همچون برگزاری جلسات سخنرانی، کارگاه های آموزشی، نمایش فیلم، ... استفاده از فضای مجازی و سایت به عنوان فضایی برای نشر آثار و ایده های مرتبط با این حوزه از سوی مجموعه انسان شناسی و فرهنگ، با توجه به جایگاه و اهمیت روز افزونی که این رسانه در انتقال و اشاعه مفاهیم مختلف یافته است و نیز نقشی که در سرعت گردش اطلاعات و ایده ها دارد، بسیار مدبرانه بوده است و به این وسیله فرصتی را ایجاد کرده تا دانشجویان و محققین در این رشته و حوزه های مختلف آن به نشر افکار و آثار خود پرداخته و از این طریق مهارت های نوشتاری و علمی خود را گسترش دهند و ضمن این کار مورد ارزیابی و نقد اساتید و پژوهشگران این حوزه قرار بگیرند؛ اتفاق ارزشمندی که با ایجاد و تقویت روابط و سرمایه های اجتماعی افراد، موجب ارتقا و خلق ایده های جدید خواهد شد. در این رابطه آمار نسبتا بالای مخاطبان و بازدید کنندگان سایت و کسب مقام اول در بین سایت های علمی کشور، از نظر تعداد بازدیدکنندگان نشان از موفقیت این تلاش پیگیر دارد.

در طی این سال ها مدیریت و همکاران سایت تلاش زیادی برای تولید محتوا و پربار نمودن آن کرده اند. در این جا فرصت را غنیمت شمرده و ضمن تقدیر و تشکر از همت والا و تلاش مستمر ایشان، ششمین سالگرد تاسیس گروه انسان شناسی و فرهنگ را تبریک گفته و امیدوارم شاهد موفقیت های روزافزون این گروه باشیم.

torkan_eynizadeh@yahoo.com



پر کردن یک خلا

موسي الرضا غربي

کارشناس انسان شناسی، دانشگاه تهران

رشته انسان شناسی در ایران به نسبت رشته نوپایی است که در طول عمر خود دست خوش تغییر نگرش درباره خود بوده است. از این رو از طرفی به نظر می رسد انسانشناسی آن طوری که باید و شاید در جامعه شناخته شده نیست و شاید دچار گمنامی است و یا شناخت در مورد آن محدود به جنبه ای خاص از آن است و از طرفی با توجه به اینکه در کشور ما دانشگاه های کمی دارای رشته انسانشناسی می باشند هر چه بیشتر این رشته حتی در مجموعه علوم اجتماعی هم غریب مانده است.

وجود سایتی همچون انسان شناسی و فرهنگ بخش مهمی از این خلا را می تواند پر کند با توجه به گستردگی سایت که شامل حوزه های مختلف پژوهشی در انسان شناسی است از حوزه های کلاسیک گرفته مثل مطالعات عشایری تا مطالعات مدرنتر مثل مطالعات اجتماعی بدن توانسته تصویری به نسبت جامع و شاملی را از این رشته ارائه کند.

از طرفی با وجود مطالبی کوتاه و سودمند از طرف مخاطب خاص در مجموعه علوم اجتماعی را جذب کرده و از طرف دیگر هرچه بیشتر در فضای معرفی این رشته در میان عموم مردم حرکت کرده (و از آن جمله سلسه نوشته ها و مطالبی که در مورد انسان شناسی و موضوعات دیگر در سایت ارائه شده و همچنین ستون مشترک انسان شناسی و فرهنگ با روزنامه شرق تحت عنوان پرسش از فرهنگ)

گردهم آمدن جمعی از متخصصین انسان شناسی و رشته مرتبط به آن در قالب مدیران صفحات مختلف این سایت توانسته مخاطبان را به مختص هر حوزه هم رهنمود کند. همچنین این سایت محیطی

برای تمرین نوشتن برای دانشجویان نیز هست که این فرصت فراهم می شود که دانشجو زیر نظر متخصص یک حوزه که مدیر صفحه است مطالبی را برای آن صفحه فراهم آورد که این باعث رشد فزاینده دانشجویان این رشته و در نهایت خود این رشته خواهد شد.

با تشکر

rezagharbi@yahoo.com



انسان‌شناسی و فرهنگ، اسم رمز ما

زهرا غزنویان

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان‌شناسی، دانشگاه تهران

مدیر گروه صفحات فرهنگ ایران

«انسان‌شناسی و فرهنگ» اسم رمزی است که امروز بسیاری از افراد جدید را با آن می‌شناسیم و گاه حتی خود را با آن به فرد دیگری معرفی می‌کنیم، فردی که یا فقط اسمش را شنیده‌ایم و یا حتی در این حد هم با هم یکدیگر آشنایی نداریم. جمله اول بسیاری از ایمیل‌ها، تلفن‌ها و درخواست دوستی‌های مجازی چنین است که «فلانی هستم، من هم عضو انسان‌شناسی و فرهنگم.» گاه حتی معرفی کردن یک دوست به دوست دیگری که هم را ندیده‌اند استفاده از همین جمله کوتاه است تا حسی از تعلق و همکاری و اعتماد ایجاد شود. این نشان‌دهنده آنست که انسان‌شناسی و فرهنگ در کنار سرمایه‌های متنی و دانشی‌ای که تولید و انباشته کرده، سرمایه اجتماعی متراکمی را نیز برای هرکدام از ما که به نوعی با آن در ارتباط هستیم به وجود

آورده و این همان منطق شبکه و سیستم‌های همکاری است که مدیر این مجموعه همیشه به دنبال آن بوده و درباره ضرورتش صحبت کرده‌اند. از این حیث، انسان‌شناسی و فرهنگ را می‌توان ستود و به همه همکاران و دست‌اندرکاران، خسته نباشید گفت.

با همه این‌ها، این شروع یک جریان و مراحل اولیه شکل‌گیری یک «ما»ی جمعی است، مایی فراتر از مرزهای رسمی دانشگاه و چارچوب محدود انسان‌شناسی. شکل‌گیری این مای جمعی، گرچه تا به این‌جا خوب طی شده ولی کافی به نظر نمی‌رسد، به این معنا که فاصله گرفتن از یک سایت علمی معمولی و تبدیل شدن مجموعه به یک گروه واقعی، نیازمند آشنایی‌های بیشتر و نیز تقویت روابط به صورت واقعی و چهره‌به‌چهره است. این مهم را شاید بتوان با برگزاری جلسات سالانه انسان‌شناسی و فرهنگ و نیز برنامه‌های علمی-تفریحی دوره‌ای جبران کرد.

نکته دیگر در مورد سایت انسان‌شناسی و فرهنگ به عنوان یک رسانه، امکانات محدودش برای گرفتن بازخوردها از مخاطبین است. در شرایطی که رسانه‌ها امروز با میزان قابلیتشان برای بازخوردگیری و واکنش نسبت به بازخوردها سنجیده می‌شوند انسان‌شناسی و فرهنگ همچنان نسبت به این موضوع بی‌تفاوت است. مطالب در این سایت منتشر می‌شوند بدون آن‌که نویسنده، فرصت و امکان آن‌را داشته باشد که نظرات کوتاه و توصیه‌های مخاطبان خود را نسبت به مطلبش دریافت کند و این امکانی است که انتشار مطلب در یک وبلاگ ساده نیز برایش فراهم می‌کند. گاه نظرات کوتاه و ساده ذیل یک مطلب، خود به بحث‌های جالبی دامن می‌زنند و گاه حتی خواندن بخش نظرات، خواندنی‌تر از خود مطلب می‌شود. البته این مسئله، ویژگی و سیاست انسان‌شناسی و فرهنگ بوده که بخشی از آن نیز ریشه در کمبود اعتبارات و نیروی انسانی برای سازماندهی نظرات و بازخوردها بوده است ولی اگر بتوان در مسیر آینده به این موضوع بیشتر توجه کرد نتیجه بهتری خواهد داشت.

نکته دیگر در مورد خانواده انسان‌شناسی و فرهنگ به عنوان یک موسسه و نهادی فراتر از سایت، توجه به نیازهای اساسی و مشکلات اعضای مجموعه خود است چرا که به نظر من، این مجموعه اگر بنا دارد به کسی کمک کرده یا جایی تاثیرگذاری داشته

باشد نقطه شروع آن خودش و مجموعه خودش است. بسیاری موانع سد راه همکاری اعضا با این خانواده می‌شوند به طوری که ما شاهد حضورهای شهاب‌گونه علاقمندان در خانواده خود هستیم. یکی از مهم‌ترین این موانع، بحث اشتغال اصحاب علوم اجتماعی و حواشی پیرامون آنست. نگارنده، در پژوهش جداگانه‌ای به این موضوع پرداخته که پیشتر نیز تحت عنوان «انسان‌شناسی در عمل؛ مروری بر تجربه دانش‌آموختگان انسان‌شناسی در بازار کار ایران» در سایت منتشر شد. انتظاری که از نهاد انسان‌شناسی و فرهنگ می‌رود بی‌توجه نماندن نسبت به این موانع و مشکلات داخلی و تلاش برای کمک به اعضای خود است. به عنوان مثال، شاید بتوان اولین هم‌اندیشی اشتغال در علوم اجتماعی ایران با تمرکز بر تجربیات اعضای موسسه را برگزار کرد و در کنار توجه صرف به مسائل نظری و کلان جوامع، به مسائل خرد زندگی روزمره اعضا نیز پرداخت.

آخرین نکته‌ای که در اینجا قصد بیانش را دارم اول به خودمان به عنوان مجموعه همکاران و بعد به مخاطبان سایت است که حدود فعالیت داوطلبانه چیست؟ واقع امر اینست که با بزرگتر شدن سایت و رشد بیشتر آن، نگهداری و ترمیمش نیز دشوارتر و زمان‌برتر می‌شود. علاوه بر هزینه‌های فنی مربوط به هاست و دامین که رشد آن‌ها بدیهی است، به نیرو و هزینه بیشتری نیز برای پشتیبانی و نگهداری سایت و حتی تعمیرات و توسعه آن نیاز است. مثال ساده‌ای از این اتفاق، زمانی است که چند سال قبل، بر اثر مشکل فنی پیش آمده، کل سایت از بین رفت و مجدداً از نو همه‌چیز طراحی شد. آن زمان ما با حدود سه هزار مطلب مواجه بودیم که تکتک بازیابی شده و دوباره وارد سایت گشتند ولی حجم کار و آسیب پیش‌آمده به قدری بود که بسیاری از ریزه‌کاری‌ها و مسائل ویرایشی تا به امروز باقی ماند که شما نیز حتماً حین کار، مواجهشان شده‌اید. در تابستان امسال که برای بازبینی نودها و شناسایی و رفع موارد مشکل‌دار اقدام کردیم با شش هزار مطلب مواجه بودیم که واقعاً بازبینی آن‌ها پروژه بزرگ و زمان‌بری بود. این مسئله با توجه به کمبود زمان نیروهای فعلی برای فعالیت داوطلبانه، گاه ما را با موانعی مواجه می‌سازد که به کیفیت سایت لطمه می‌زند. ضمن این‌که تولید مستمر داده تخصصی در

حوزه ای خاص، فعالیتی نیست که همیشه و برای همه به صورت داوطلبانه ممکن باشد. در چنین شرایطی از مخاطبان حرفه ای سایت انتظار می رود که با پشتیبانی های مالی خود، این فعالیت را حمایت کنند. به نظر من بهترین مکانیزم برای این حمایت نیز، سطح بندی مطالب و نیز دریافت حق اشتراک های دوره ای برای استفاده از مطالب باکیفیت تر به صورت مبلغ دار است، سیستم هایی که مشابه آن را در مگایران و... می توان دید. در غیر این صورت احتمالاً آینده روشن و پایداری نمی توان برای انسان شناسی و فرهنگ تصور کرد.

بنابراین، تقویت مای جمعی از طریق گردهمایی های داخلی در دنیای واقعی، تقویت ارتباط بین نویسندگان و مخاطبان، توجه به مسائل و مشکلات داخلی اعضاء (مانند اشتغال) و در نهایت، انتفاعی کردن بخش هایی از فعالیت های سایت، پیشنهاداتی است که به نظر نگارنده می توانند به بقای این نهاد کوچک کمک کنند.

ghaznavian.m@gmail.com



سطوح متعدد آگاهی

محمد غزنویان

پژوهشگر مستقل

"به لای لای این ضربه یکنواخت چنیم می نماید،
که در جایی تابوتی را به شتاب میخ می کنند.
برای که؟ - دیروز تابستان بود، اکنون پائیز است!
این صدای مرمزگویی آهنگ عزیمتی است."

شارل بودلر

سالها به طول انجامید تا دریابم، می توان خود را در ارتباط با انسانها معنا کرد. پیشترها انتزاع چنان پیرامونم را در خود تنیده بود که یگانه عمل مقرون به اعتبار برایم خودکشی بود. اگر چه همواره این فکر همچون چیزی معنائاشونده، مثل يك نوستالوژی هوس برانگیز کودکانه، یا حتی چیزی شبیه عصیان در برابر هستی، مثل يك آذرخش از مقابل چشمان حافظه ام می گذرد، اما دیگر پی اش را نمی گیرم. می گویم بگذار باشد برای بعد!

حالا هم مثل همان وقتها و حتی شاید بیشتر از آنوقت ها، نمی دانم. حالا هم نه افسون متافیزیکی امر والا و نه اشتها به خلق آثار جاودانه وجود ندارد. پس هیچ چیز تازه ای که بواسطه آن خودم را برای بودن بفریبم وجود ندارد. اما حالا زیستن زوربامنشانه را دریافته ام. حالا ول می زنم بین "سطوح متعدد آگاهی". حالا دریافته ام که اصلاً مگر انسان چیزی به غیر از این است. حالا می نویسم و می تل انبار نمی کنم. از قضا، حالا به آزادی انسان بیشتر دقت می کنم. بهتر به عمق مناسباتی که انسان را از انسان تهی می کند پی می برم. حالا به انسانها از پس پشت عینک سیاست نگاه نمی کنم. و نیز به ویل در یوزگی صوفی مآبانه نیز فرو نمی افتم که نظاره کنم و از سر خودبزرگ بینی بگویم: چاره چیست؟ این قضاست!

دریافته ام که بهتر است در تار و پود ارتباط خزید و به کشف انسان نائل آمد. انسانی که اغلب به واسطه استیلای مناسبات کالایی و ندانم کاریهای سیاسی و افسون زدگیهای جدید، هر روز خودکشی می کند بی آنکه الزاماً به منطق این خودکشی دسته جمعی پی ببرد. بی آنکه حتی دریابد محیط زیست و طبیعت را نیز با خود به قهقرا می برد.

با اینهمه ایمان دارم که: انسان جهانی است. گاهی این رادیکالهای دوآتشه به سخره می گیرند که: زهی خیال باطل. آنها چیزی مانند نوشتن در يك سایت فرهنگی را رویکردی خام دستانه به نیت تغییر افقهای دانایی انسان قلمداد می کنند. اما من فکر می کنم آنها باید یکبار دیگر به بازتعریف عمل

بپردازند. مقاطعي هست که در آن صرف گفتگو کردن و گفتگو را آموختن، عینیت عمل است. همچنانکه گاهی عمل تام، عین بی مسئولیتی در قبال تاریخ است.

حالا و در این ماهها فضاي تازه اي بنام "انسان شناسي و فرهنگ" را نیز یافته ام که خود جهاني هر چند كوچك، ولي ملون از ایده ها و آراء و فرهنگهاست. تكثر بي آلايش اش را دوست دارم و هر از چندي به همان نیت که شاید يك نفر، فقط يك نفر علاقمند شود كتابي را که خوانده ام، بخواند و برانگیخته شود، آن كتاب يا حتي فيلم را معرفي مي کنم. بعد وقتي مي بینم که معرفي كتاب من در کنار يك نقد عكس و معرفي فيلم و تحليل چند كتاب و یادداشت و مقاله قرار گرفته است نفسي از سر رضایت مي کشم. (البته این نفس رضایت از این رو هست که در مي یابم که سایر مطالب نیز به نگاه هدفمند نگارنده ها مجهز است و کمتر کسی است که از سر تفنن یا با نگرش آکادمسین هاي خنثي، بنویسد.)

و حال خرسندم که مجموعه "انسان شناسي و فرهنگ" فصلي تازه و عزیمتي تازه را به امید درانداختن طرحي نو آغاز مي نماید. و باز مشعوفم از اینکه در این عزیت و نوشدن، سهم کوچکی داشته باشم و جزو خانواده بزرگ فکوهي محسوب شوم.

بگذار به شتاب میخهای تابوت را چکش بزنند! مهم این است که من کارم را انجام میدهم. من اینجا در همین جایی که فرصت عمل اش مي دانم، مي نویسم. با هر نوشتن و با خواندن هر نوشته اي هر روز عزیمت تازه اي مي کنم. آنچنان تازه که روزي مرگ درخواهد یافت، آنقدر دیر رسیده که براي من، براي انسان، کهنه و ناچیز به چشم بیاید. قبل از آنکه تو برسي ما مي شویم!

mohammadghaznavian@gmail.com



امید به توسعه فرهنگ

نعمت الله فاضلی

دانشگاه علامه طباطبائی

سایت انسان شناسی و فرهنگ امروزه پر بیننده ترین سایت علوم انسانی و اجتماعی ایران شده است. این سایت نقش مهمی امروزه در تولید، ترویج و توسعه علوم اجتماعی و بویژه انسان شناسی ایران دارد. مرکز بزرگی است که دایره و میدان عمل آن فراتر از مرزهای یک دانشکده یا دانشگاه در تهران می باشد. این مرکز توانسته است از مرزهای ایران زمین فراتر رود و جمعی از محققان ایرانی در سراسر دنیا را بهم متصل و مرتبط سازد. این سایت در میان دانشجویان و محققان ایرانی از اعتبار و منزلت بالایی برخوردار است. روزی یکی دانشجویان ارشد مطالعات فرهنگی از اینکه توانسته مطلبی در سایت انسان شناسی و فرهنگ منتشر کند ابراز شادی می کرد. علت شادیش را پرسیدم گفت چون مطمئنم دوستانم و بسیاری از خوانندگان این سایت را می بینند. می گفت اگر در مجله علمی پژوهشی مطلبم چاپ شده بود اینقدر خوشحال نمی شدم چون این نوع مجلات بندرت خوانده می شوند.

سایت انسان شناسی و فرهنگ امروزه مهمترین سایت الکترونیک برای منابع انسانشناسی در ایران است. در تمام کلاس هایم این سایت را مانند منبع درسی معرفی می کنم. از دانشجویانم می خواهم برای مقالات و کارهای کلاسی شان به این سایت مراجعه منظم کنند. تنوع منابع و متون سایت باعث شده است تا طیف وسیعی از دانشجویان و محققان به این سایت نیاز و علاقه پیدا کنند. من یکی از این علاقه مندان هستم که حداقل هفته ای یکبار به آن مراجعه می کنم.

سایت انسان شناسی و فرهنگ از نظر محتوایی و نوع مطالبی که ارائه می کند، یک سایت و مرکز علمی پیشرو و آوانگارد در ایران است. این سایت با انتشار متونی که امکان انتشار آنها در نشریات رسمی دانشگاهی وجود ندارد، مانند مصاحبه ها و گفتگوهای علمی، ترجمه متون روزآمد، و انتشار سبک های گوناگون نگارش، این امکان را برای انسان شناسی ایران بوجود آورده است که مرزها و محدودیت های سنت گرایانه و سرکوبگرانه دانشگاهی کنار گذاشته شوند.

سایت انسان شناسی و فرهنگ میدان بزرگی برای فعالیت محققان و دانشجویان جوان می باشد. این سایت با حمایت از نوqlلمان، دانشجویان و محققان جوان و قرار دادن اسامی آنها در کنار نویسندگان و محققان سرشناس، به جوانان کمک می کند تا بتوانند به ابراز خود و شکوفایی استعدادهای شان بپردازند. این سایت به هویت بخشی علمی و دانشگاهی عده زیادی از جوانان کمک کرده است. شاید مهمترین ارزش این سایت را در همین نکته باید ذکر کرد.

سایت انسان شناسی و فرهنگ با داشتن گالری عکس، کلمات قصار، گفتگو، گزارش، خبر، متون کوتاه، ترجمه های خواندنی، و تنوع مطالب و موضوعات، از جذابیت و گیرایی زیادی برخوردار می باشد. این سایت مطالب علمی را به نحو شیرین و دلچسب برای خوانندگان نخبه و عامه ارائه می کند.

سایت انسان شناسی و فرهنگی با جلب و جذب عده کثیری از محققان از رشته های گوناگون توانسته است رویکردی بین رشته ای و روحیه ای مبتنی بر کار جمعی همراه با موفقیت ارائه کند. این سایت یکی معدود کارهای جمعی در آکادمیای علوم اجتماعی ایران می باشد.

سایت انسان شناسی و فرهنگ فاقد بودجه و امکانات مالی دولتی یا بخش خصوصی می باشد. این سایت یک مرکز خیریه و غیرانتفاعی دانشگاهی است که با کمک بالاعوض جمع زیادی از محققان و دانشجویان فعالیت می کند. از این نظر که بدون بودجه توانسته است چنین موفقیت چشمگیری بدست آورد، قابل

ستایش و تحسین می باشد. این سایت نمونه خوبی برای امید به توسعه فرهنگ و دانش بدون اتکا به پول و منابع مالی است.

به سهم خودم از همه آنها که در این سایت تلاش می کنند بی نهایت سپاسگزاریم که چنین فرصت و منبع بزرگی را برای انسان شناسی و فرهنگ ایران فراهم ساختند.

nfazeli@hotmail.com



رویکردی عمیق و نقادانه

کاوه فرهادی

هیئت علمی دانشگاه پیام نور

"هیچ کس جزیره نیست که در خود تمام باشد ، هر کسی پاره ای از قاره ای است و به سرزمین های دیگر پیوسته است." -جان دان

اگر به این جمله گابریل گارسیا مارکز در کتاب: " زیستن برای باز گفتن" ، ایمان داشته باشیم که "زندگی چیزی نیست که انسان از سر می گذراند ، چیزی است که انسان به یاد می آورد." (گابریل گارسیا مارکز ، زیستن برای باز گفتن، ترجمه نازنین نوذری ، (تهران: کاروان ، 1382) آنگاه شاید پرداختن به "زیستن انسان" در دنیای پیچیده ی امروز ، گوشه هایی از هنر و ادبیات غرب و حتی مشرق زمین را به یادمان بیندازد که در بستر فرهنگشان متولد شده اند و شاید ، بدین دلیل که نباید فراموش کرد جداسازی ادراک از عاطفه امری تصنعی و انتزاعی بوده و به قول بارنز و بکر؛ در کتاب: تاریخ اندیشه اجتماعی، "به احتمال بسیار، انسان دوستی عاطفی بیش از تلاش طرفداران علم، در ظهور جامعه شناسی موثر بوده است" (بارنز و بکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، بی تا، 1371)

، جلد دوم، ص 235) که آن را می توان به حوزه "انسان شناسی" نیز تعمیم داد.

اما بی شک بررسی "انسان" در هر محیط و پارادایمی بدون بررسی او در تاثیراتی که از فرهنگ می گیرد غیر ممکن است. "از آنجا که کودک، "بی فرهنگ" پای به جهان می گذارد، رفتار او، نگره ها، ارزشها، آرمانها و باورها همچون حرکات آشکار او سخت زیر نفوذ فرهنگی که از هر سو او را در بر گرفته قرار می گیرد." (داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ - مرکز انتشاری آسیا - 1382-ص 93) و آن همان چیزی است که سایت "انسان شناسی و فرهنگ" از هنگام تولدش تا به امروز، دقیقاً و با رویکردی همه جانبه به آن پرداخته است.

از سوی دیگر، علاوه بر زبان و کدهای مشترک، محققان معتقدند که اسطوره ها، داستان ها و استعاره ها، ابزارهای قدرتمندی در اجتماعات، برای ایجاد تبادل و نگهداری مجموعه های غنی معنایی فراهم می کنند. آر (1990) • Sharing knowledge, celebrating, Identity: community memory in a service culture. (Orr, J, (1990). نشان می دهد که چگونه حکایات، تبادل تجربه پنهان را در بین آدمیان تسهیل می کنند. بنابراین ظهور حکایت های مشترک در یک اجتماع باعث خلق و انتقال تفسیرهای جدیدی از رویدادها شده و ترکیب اشکال مختلف دانش را که عموماً به صورت پنهان هستند تسهیل می کند. و این شاید یکی از دلایل پرداختن سایت "انسان شناسی و فرهنگ" به مقوله ی ادبیات، هنر، رمان و سینما می باشد.

این نکته نیز حائز اهمیت است که با توجه به اینکه در ایران دیدگاه های تنگ نظرانه و بسته گاهی حوزه انسان شناسی را در بر گرفته است و اجازه عدول مردم شناس از حوزه علایق شخصی خود را نمی دهد، اما "سایت انسان شناسی و فرهنگ" با مدیریتی هوشمندانه و توأم با سعه صدر و حسن نیت توانسته است غالب حوزه ها و دیدگاه های انسان شناسی را پوشش داده و تعادلی مابین "میدان" و "نظریه" را برقرار سازد و از ترک تازی های برخی نظریه های نیهیلیستی نو پا در ایران نیز غافل نگردد.

بی شک پنج سال پرداختن به همه این مفاهیم در کنار هم با رویکردی عمیق و نقادانه، زحمتی بی بدیل و البته "عاشقانه" را می طلبد، از آنجا که می گفت: "عشق به هزار راه نرفته

می ماند!"! و در این میان معرفی اندیشمندان نجیب این خطه که کمتر فرصت معرفی شدن به جهانیان را داشته اند، جای قدردانی مضاعف دارد. هرچند امید است در ششمین سال تولد این سایت فاخر، نقد و معرفی حوزه نویسندگان بومی، و اندیشه های مشرق زمینی، به تاریخ بیش از شش هزار ساله فرهنگی و انسانی این سرزمین نزدیک تر شود.

با آرزوی پویایی بیش از پیش متولیان فرهیخته این سایت فاخر در سایه توفیقات روز افزون الهی.

25 شهریور 1390

kaveh_farhadi2000@yahoo.com



کشف دوباره آتش

برای 6 سالگی انسان‌شناسی و فرهنگ

سینا قنبرپور

روزنامه نگار

می‌گویند کشف آتش سرآغاز تحول در زندگی بشر بوده است. تصور کنید در ابتدا با چه مشقتی انسان‌ها جرقه‌هایی با ابزارهای مختلف تولید می‌کردند تا از آن آتشی بی‌فروزند. ابزارهای تولید آتش خود حکایتی دارند اما همین که به خاطر بیاوریم با سنگ چخماق و تولید جرقه‌های آتش یا اینکه چگونه با یک عدسی و تمرکز نور خورشید می‌توان آتش به پا کرد بخش دیگری از تحول در زندگی بشر را می‌توان از ذهن گذراند. وقتی صحبت از در آستانه 6 سالگی قرار گرفت «انسان‌شناسی و

فرهنگ» شد به مسائل مختلفی فکر کردم. به آثار متفاوتی که دستکم خودم به عنوان یک خبرنگار از این پایگاه اینترنتی پذیرا شدم اما وقتی همه این اوضاع را مرور کردم، «انسانشناسی و فرهنگ» را ابزاری چون همه ابزارهای کشف آتش یافتم.

ابتکار تأسیس انسان‌شناسی و فرهنگ در این حوزه به کشف آتش می‌ماند. من این کشف را در بخش «فرهنگ بلوچ» به چشم دیدم و تجربه‌اش کردم. وقتی خبرنگار باشی و رسانه و تاثیرگذاری‌اش محور کارت، آن وقت خوب می‌فهمی که برای تولید یک پیام و انتقال آن به مخاطب و بازخورد گرفتن از آن چه کار سختی است. سیستان و بلوچستان در عصر رسانه‌ها چنان از همه تحولات کشور دور افتاده است که گویی دنیای دیگری است در قاره‌ای دور دست. بنا به آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان 60 نشریه دارد. اما شاید کل تیراژ این 60 نشریه به 60 هزارنسخه در هفته هم نرسد! نشریه‌های سراسری هم از پیمودن فاصله دور تهران تا سیستان و بلوچستان خسته‌اند زیرا با گیر و دارهای عرصه توزیع مطبوعات و گرانی سوخت و سختی‌های پخش نشریات هیچ نشریه‌ای سود و درآمد خود را به جنوب‌کشور گره نمی‌زند که با توجه به نبود فعالیت‌های اقتصادی فاقد زمینه برای تولید آگهی هم هست. در نتیجه مطبوعات ما عملاً سیستان و بلوچستان را به جز در اخبار حوادث به فراموشی سپرده‌اند.

از سوی دیگر صدا و سیما به عنوان اساسی‌ترین عنصر تاثیرگذاری رسمی در سیستان و بلوچستان به دلیل نبود امکانات فنی بردی ندارد. در بسیاری از نقاط این استان که از موهبت برق برخوردار شده‌اند (هنوز روستاهای بسیاری هستند که برق ندارند) به سادگی می‌توان دیش ماهواره نصب کرد و شبکه‌های برون‌مرزی را گرفت ولی نمی‌توان امواج شبکه‌های چندگانه داخلی را دریافت کرد. اوضاع از این هم وخیم‌تر است زیرا اگر به شیوه ماهواره‌ای بخواهید شبکه‌های استانی را دریافت کنید در هر جای ایران که باشید با یک دیش خاص و یک ال.ان.بی می‌توانید همه شبکه‌های استانی را دریافت کنید ولی شبکه استانی سیستان و بلوچستان در میان آن نیست. مسلم بدانید که وضع اینترنت از مابقی آنچه مرور شد بهتر نیست

اما به دلایلی محدودیتهایی که بر رسانه‌های مکتوب و تصویری حاکم است بر اینترنت حکمرانی نمی‌کند. به همین دلیل با همان سیستم «دایل‌آپ» تلفن که به قول جوان‌های امروز سیستم ذغال‌سنگی دسترسی به دنیای مجازی است می‌توان وبلاگ‌نویسی کرد و از اخبار وبسایت‌های مختلف باخبر شد.

در این شرایط بود که «انسان‌شناسی و فرهنگ» به خوبی توانست با صفحه «فرهنگ بلوچ» خود در این سرزمین ناشناخته کشورمان نفوذ کند. انسان‌شناسی و فرهنگ حالا در پایتخت نویسندگانی از نیکشهر و ایرانشهر و چابهار دارد. نقاطی که معمولاً روزنامه‌های سراسری در آن اگر به دست مخاطب برسند دستکم با 48 ساعت تاخیر می‌رسند! این برای من خبرنگار حکم کشف آتش را دارد.

sina1356journalist@yahoo.com



گستره‌ای به فراخی انسان‌شناسی، تکثر و سیالیتی به مانند فرهنگ

عمران گاراژیان

مجتمع آموزش عالی نیشابور

مدیر صفحه فرهنگ خراسان

من یک باستان‌شناس هستم. فکر نکنید بلافاصله می‌خواهم درباره گذشته، گذشته‌های دور داد سخن دهم. فکر نکید قصد دارم حیرت افکنی کنم نه اصلاً! فکر نکنید می‌خواهم نخستین و اولین و بزرگترین برشمارم. فکر نکنید می‌خواهم گنج‌های رنگارنگ با آب و تاب برایتان توصیف کنم. فکر نکنید می‌خواهم از خاطرات و خطرات کارم بنویسم. از کشف تمدن‌های گذشته، از کشف غارها، نه هرگز بسیار پیش پا افتاده شروع خواهم کرد. پیش پا افتاده هم ادامه می‌دهم: از کشف انسان از کشف فرهنگ از همگرایی انسان و فرهنگ، از گستره‌ای به فراخی انسان‌شناسی و تکثر و سیالیتی به مانند فرهنگ. از اینجا شروع می‌کنم.

انسان شناسی و فرهنگ مرا یاد موزه ملی ایران می اندازد. انسان شناسی و فرهنگ مرا یاد بم می اندازد. یاد کویر لوت می اندازد. یاد جهان در تسخیر انسان و انسان با ابزار فرهنگ می اندازد. ادامه دهیم در می یابید که آسمون و ریسمون نیست. مسئله انسون و حیون نیست. مسئله همین خودمونیم: انسان. مسئله همین کارآیه که می کنیم. فرهنگ: تا می رسی دست می دی. لبخند می زنی. کت و شلوارآی شیک می پوشی. عروسی و عزا. خاکسپاری. ازدواج. بابا و مادرآ. نسل اندر نسل و اختلافشون. ...

حالا چرا موزه ملی ایران؟ چه ربطی به انسان شناسی و فرهنگ دارد! من یکسال و چهار ماه در موزه ملی به عنوان باستان شناسی سربازی خدمت می کردم. زیر زمین، بخش پیش از تاریخ، تالارهای نمایشگاهی هم دم دست بود. از همون روز اول تو این فکر بودم که موزه ملی چقدر سوراخ سومبه و انبار و اشیاء داره. یک کنجکاو سربازانه بود. سربازی باستان شناس در موزه ملی ایران چی میشه! یک سال و چهار ماه به سر اومد در این مدت از هر فرصتی استفاده کردم تا هرگاه لحظه ای دری باز می شود سر در بیارم. اما بازار درهای زیادی موند که هر وقت من دیدم بسته بودند. آخرش نتونستم به یک سرجمع بندی برسم که چقدر اطاق و انبار اینجاست که آثار و اشیاء و اموال فرهنگی را در خود جایی داده اند. برای همین گستره انسان شناسی و تکثر فرهنگ ها من رو یاد موزه ملی و درب های بسته ای می اندازد که هنوز نمی دونم توش چی هست. حالا پس از چندین سال با خودم فکر می کنم که کاش در مورد دره های باز که انسان های زنده به آن رفت و آمد می کردند یعنی بازدیدکننده گان موزه هم دقت کرده بودم!

خوب چرا بم؟ کویر لوت! اینها چه ربطی به انسان شناسی و فرهنگ دارد: کمتر از چهل روز از زلزله مهیب بم نگذشته بود که گردآوری اطلاعات را در این شهر آغاز کردیم. کوچه باغ ها، خانه ها، شهرها و مرکز بخش ها در جایگاه قوم شناسی که برای باستان شناس کار می کرد. یعنی سؤال ها و فرایند های بلند مدت را در نظر داشت. چهار سال بم و مراکز بخش ها و شهرستان ها ادامه داشت. من همچنان در این گستره فراخ هر روز منتظر بودم که به استقراری جدید برخوردیم. دقیقا نمی دانم در دره های جبال بارز چند روستای کپر نشین مانند کلاته سیدها وجود دارد؟ نمی دانم در کناره های لوت بین فهرج و محمد آباد ریگان چند مرکز بزرگ مانند سه کهور (حدود 550 خانوار) هست. می توانم روی نقشه نگاه کنم اما این برای من کافی نیست. چون در بافت طبیعی بودن و گفتگوهای طولانی در محل مزه می دهد. مزه تلخ و شیرین و گاه گسی که ناگزیر می شود جزم اندیشی تئوریک را به کناری نهاده با واقعیت زندگی و فرهنگ انسان ها در بحران و روال عادی دست و پنجه نرم کنی.

لوت جنوبی، وای بیابان بی آب و علف! بیابان پر باد با شن های روان! بیابانی که کسی نیست از یک طرف رفته باشد از سوی دیگر جان سالم بدر برده باشد. جایی فتح نشده که مانند کوه قاف نیست برعکس پست و گرم و خشک است. زمانی که از فرهنگ در بافت جامعه فاجعه زده بم خلاصی یافتم. حالا پیشینه این بوم و انسان ها در آن سؤال جدیدی بود. در حاشیه لوت بسوی تلخ آب که از پست ترین جاهای لوت جنوبی است. در این بیابان در درن دشت بی آب و علف (در زمان معاصر) شن هایی و آب و هوایی که

سال ها امثال مرا کور کرده بود. هرچه در مسیر آبراهه ها رفتم هنوز آثار بود. واقعا دقیقا نمی دانم تا کجا و چه تعداد در این بیابان خشک و بی آب و علف آثار زندگی انسان ها هست آن هم از روزگار روستانشینی؟! گستره لوت و ناشناخته بودنش مرا به یاد انسان شناسی می اندازد. به یاد تکثر زیست بومی روستاهای اولیه. به تکثر انطباق های فرهنگی انسان ها فکر می کنم آن هم در جاهایی که اکنون در زمان معاصر با این همه ادعا نشانی از زندگی نیست.

شش سال گذشته شصت سال هم بگذرد. همچنان داده های جدید، همچنان جاها و سرزمین های ناشناخته. همچنان رویکردهای نوین. همچنان فرهنگ های متکثر. همچنان سؤال هایی برای طرح کردن بطور جدی داریم. موضوعی برای شناخت خویش و پیشینیان داریم. همچنان انگیزه های قوی داریم. و این ها جایی برای ظهور و بروز می خواهد. صحنه ای برای ارائه و سهیم شدن با خود و دیگری. هر که می خواهد باشد و از هر کجای این کره خاکی می خواهد باشد. این ها به آن سبب است که گستره ای به فراخی انسان شناسی و تکثر و سیالیتی به مثابه فرهنگ وجود دارد. پس پاینده باد "انسان شناسی و فرهنگ" که گام در این گستره فراخ و موضوع سیال می زند.

garazhian@gmail.com



جایگاهی برای فرهنگ و زبان فارسی

مسعود لقمان

روزنامه‌نگار و سردبیر انجمن پژوهشی ایران‌شهر

پنجمین سال راه اندازی «انسان‌شناسی و فرهنگ» را در درجه‌ی نخست به فرهنگ ایران و زبان فارسی و در وهله‌ی دوم به مدیریت و همه‌ی همکاران و خوانندگان گرامی این تارنما شادباش می‌گویم.

تا پیش از انسان‌شناسی و فرهنگ، جای تارنمایی که به فارسی به گونه‌ای علمی، روشمند و مستمر به این مقوله‌ها بپردازد، بسیار خالی احساس می‌شد که خوشبختانه با راه اندازی این تارنما که گویا خوشبختانه در آینده‌ای نه چندان دور بدل به مؤسسه‌ای خواهد شد، این خلاء به نیکی پر شده است.

امیدوارم تارنماهایی دیگر با این کیفیت و پشتکار در حوزه‌ی علوم انسانی منتشر شود و دیگر دانشمندان ایرانی با الگوگرفتن از انسان‌شناسی و فرهنگ، همت کنند و در هر شاخه‌ای از دانش که کوشا هستند، در غنی‌کردن زبان فارسی از آن دانش‌ها در جهان اینترنتی کوشا باشند تا ایرانی که بدان مهر می‌ورزیم، به یاری فرزندان‌ش، چونان سیمرغ از خاکستر خود برخیزد و جان و جهان تازه رقم زند.

mloghman@gmail.com



گلگشت اندیشمندان

زهره محمدیان مغایر

کارشناس ارشد انسانشناسی، دانشگاه تهران

کارشناس ارشد فرهنگی در سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان تهران

با ورود به سایت انسانشناسی و فرهنگ از انبوه موضوعات گاه متفاوت آگاه خواهید شد و به پیچیدگی انسان اعتراف خواهید کرد: انسان پیچیده دیروزی با زیبایی‌شناسی و فلسفه منحصر به فردش و انسان مدرن شهرنشین در لفافه اقتصاد و سیاست و بن بست‌های فکری‌اش. از آن جا که فرهنگ به راحتی همه این حیطه‌های انسان مدارانه را شامل می‌شود این سایت گلگشتی اندیشمندان است در همه آن چه انسان فرهنگی در حال ساختن آن است.

zm.moghayer@yahoo.com



چگونه اسطوره هایمان را بفهمیم

بهار مختاریان، دانشگاه هنر اصفهان

مدیر صفحه اسطوره و ادبیات

در پژوهش اسطوره شناسی در سراسر جهان همواره پژوهشگران با تصورات ساده ای از "بغانگی" روبه رو می شوند. اما این تصورات در مراحل نخست فرهنگی کمتر موجوداتی خارق العاده با شخصیتی خاص هستند که منجر به هستی فوق طبیعی آنها شده باشد. برای همین در اسطوره شناسی موضوع بر سر الهیات در مفهوم جدید آن نیست، بلکه موضوع بیشتر "تجربه ی انسانی" است. تجربه ای که ناشی از پیوند تنگاتنگ میان بغان، آدمیان، جانوران و طبیعت است. حیات این عناصر از یکدیگر جدا نبود. از این رو اسطوره ها در جهت یابی و نظم این فضای پیچیده کمک کرده اند تا انسان جایگاه خود را در جهان تعریف کند.

امروزه "دریا" یا دیگر پدیده ها تعریف مشخص خود را در زندگی ما دارند. ولی در اسطوره های کهن، آنها اشکالی بودند که هستی متفاوتی با هستی آدمی داشتند و جنبه ای از دنیای فوق طبیعی را شکل می دادند و به واقعیتی دیگر تعلق داشتند. درست به همین دلیل مقدس و خارق العاده بودند. واقعیت امروزی برای "دریا" تقدس قائل نیست اما مفهوم خارق العادگی را در کل پدیده ها درک می کند. واقعیتی که اسطوره ها از طریق داستانها بیان می کردند، بسیار پرتوان بود و از این رو با نیروی پنهانی خود تاثیرات بزرگی ایجاد می کرد. درک پیوند این نیروهای خارق العاده بود که کم کم راه را برای درک وحدانیت گشود. جالب اینجاست که اسطوره شناسان در فرهنگ های بدون خط یا باستان به انواع مختلفی از توحید آغازینی بر می خورند که معمولا با عنوان "ایزد

برتر"، حضوری بیش از حضور "ایزدان" دارد (برای مثال نزد Aborigin، Pygmaen یا Fuegiden و ...).

کافی است نگاهی به گورهای کشف شده ی پیش از تاریخ بیافکنیم، گورهایی که قدمتشان به دهها هزار سال پیش از میلاد می رسد. در این گورها ابزارهایی کشف شده اند که نشان از باور به جهان پس از مرگ دارند. این ابزارها به تجربه ی انسان از مرگ و ترس از نابودی محض اشاره دارند. استخوان جانوران در این گورها نشان از قربانی و همراهی آن در گذر انسان به جهان دیگر را دارد. چنین تجربه ای، اگرچه به صورت های دیگر، در یاد بشر موجود است. اسطوره شناسی به این گذشته های تاریک نور می افکند و می کوشد چگونگی روند تحولات فرهنگی را بررسی کند.

اسطوره ها داستان این تجربه ها هستند. داستانی که درباره ی خودش توضیحی نمی دهد، بلکه به انسان آموخته است که چگونه رفتار کند. آنها بیان حس ما هستند، چیزی فراتر از داستان سرگرم کننده، چیزی بیشتر از آنچه در نگاه اول به نظر می آیند. اسطوره رویدادی است که از تجربه ی ادراکی آدمی در ارتباط با موضوعی غیر قابل درک به بیان آمده است. بخش عمده ی نگاه امروزی ما تاریخی است و به دنبال رویدادهای کاملاً واقعی است تا از این طریق حس خرسندی درک را برای خود داشته باشیم. اما اسطوره ها به شیوه ی دیگر این واقعیت ها را بیان می کنند. آنها بیانی هنری دارند و مشرف بر زمان اند و درست به همین دلیل همواره در حیات بی زمان آدمی قابل تکرارند و درک واقعیت های بی زمان را برای ما ممکن می سازند. آنها حاصل درک استعلائی آدمی از تجربه ی زیستی اند و به همین دلیل جاودان اند. اینجا صحبت از یک داستان اسطوره ای نیست، بلکه سخن بر سر ذهن اسطوره ای است که در الگوهای مختلف بیان می شود. اسطوره ها هرگز نخواستند تاریخ را بنویسند و یا رویدادها را توصیف کنند، آنها روح مسلط بر فرهنگ را با خود دارند. آنها حقایقی از زندگی آدمی را با خود دارند که فرهنگ با خود حمل می کنند و اشکال گوناگونی از آنها را به نمایش می گذارد. آنها تاثیر دارند،

حس همبستگی ایجاد می کنند و در نظم اجتماعی نقش به سزایی ایفاء می کنند.

پس اسطوره ها داستان هایی خیالی نیستند که روزگاری صرف نادانی بشر گفته می شدند. آنها توصیفی نمادین از واقعیت هایی هستند که به همان صورت نمادین درک می شدند. این بیان نمادین، که در واقع سرآغاز بیان هنری است همچنان در زبان و اندیشه ی ما جای دارد و هنوز هم آنجا که بیان علمی قادر به توصیف واقعیت های بی زمان نیست، به کار گرفته می شود.

در اسطوره ها تفاوتی میان زندگی معنوی و دنیوی نبود. همه چیز و همه ی زندگی بخشی از دنیای "بغانه" بود، حتی بی ارزش ترین چیزها. در واقع همه چیز از طریق آیین ها با این دنیای بغانه ارتباط داشت.

آیین ها همانطور که ویکتور ترنر (Victor Turner)، انسان شناس نامی، مطرح می کند "زنجیره ای از فعالیت های کلیشه ای هستند، شامل حرکات، کلام و ابزار که برای اثر گذاشتن بر موجودات فوق طبیعی به سود اهداف و علائق اجراء کنندگان آیین ها طراحی شده اند". برای ترنر آیین زبانی نمادین است که در آن شرکت کنندگان بسیاری از ایده ها، روابط میان چیزها و اعمال را بیان می کنند. او ابعاد گوناگون آیین را بخشی از بررسی و پژوهش در اسطوره ها می داند.

مطالعه ی آیین ها به عنوان بخش مهم و زنده ی اسطوره ها در پژوهش های دین شناسی به ویژه در رویکردهای پدیدارشناختی دین جایگاه ویژه ای دارد. پدیدار شناسی دین می کوشد با نظم و موضوع بندی پدیده های اسطوره ای و دینی بر بنیاد مطالعات تطبیقی وسیع به چگونگی تحولات و تطورات این پدیده ها در تاریخ و اجتماع بپردازد.

پس اسطوره ها تنها به گذشته تعلق ندارند و در هر حوزه ای که کار کنیم، چه ادبیات، چه فلسفه و دین، چه جامعه شناسی، از درک آنها بی نیاز نیستیم. با درک اسطوره هاست که می توانیم نوری بر جنبه های گوناگون فرهنگی مان بتابانیم و خود و جامعه مان را بهتر بشناسیم. اما بدون آشنایی با روش های علمی اسطوره شناختی نه تنها نوری بر هیچ چیز نمی

افکنیم، بلکه روز به روز پیچیدگی های فرهنگی مان را تاریک تر و بی معناتر می کنیم.

صفحه ی اسطوره شناسی در سایت انسان شناسی و فرهنگ کوشیده است تا حد امکان و توان به اهمیت و آشنایی این حوزه علمی در ایران همت گمارد. مسلم است که این کار ایراداتی داشته و دارد، اما آرزو داریم با جلب توجه علاقه مندانی که به سختی و دشواری این حوزه آگاهند، رویکردهایی تازه به برخی از مسائل فرهنگی به کار گرفته شود. در این راه از همه ی علاقه مندان خواهانیم تا با ما همراه و همکار شوند.

bmoktarian@yahoo.com



به سوی ایجاد مرکز اسناد

شایسته مدنی

دانشجوی دکترای جامعه شناسی فرهنگی

مدیر مرکز اسناد و تاریخ فرهنگی موسسه انسان شناسی و فرهنگ

به نظر می رسد مشارکت از بدو خلقت بشر وجود داشته است، تحقیقات نشان می دهد که انسان اولیه برای بهتر انجام شدن خواسته و نیازهای اولیه اش به این نتیجه رسید که با همکاری دیگران می تواند نتیجه بهتری بگیرد و ادامه حیات برایش امکان پذیرتر باشد. کمتر پروژه موفق تحقیقاتی را می توان یافت که به تنهایی صورت گرفته باشد. حتی در بخش ورزشهای انفرادی، تعداد زیادی از افراد پشت صحنه حضور دارند که اگر مشارکت آنها نبود، شاهد موفقیت یک نفر نبودیم.

علوم اجتماعی با یدک کشیدن کلمه "اجتماعی" بدون شک خود را بیش از هر علم دیگری درگیر مشارکت و کار گروهی کرده است؛ که اگر این طور نباشد نتیجه آن برجسته و مورد اعتماد نخواهد بود. ولی وقتی وارد این حوزه شده و تکیه روی افراد و عدم توانایی در انجام کار گروهی را به خصوص در مقاطع بالاتر تحصیلی دیدم، نگران و دلگیر شدم که چرا افراد نمی توانند به هم اعتماد کنند و یک کار را به سرانجام برسانند.

همکاری تصادفی من با سایت انسان شناسی و فرهنگ که از یک سال پیش آغاز شد، این اطمینان را حاصل کرد که می توان یک کار جمعی را به معنای واقعی سرو سامان داد. مشارکت و همکاری افراد از گوشه و کنار کشور بدون چشم داشت مالی به نظرم در جامعه ما که از انجام کار گروهی به نوعی ناتوان است، نقطه عطفی است که تحسین برانگیز و امیدوار کننده است. وقتی می بینم با اعلام شروع کار مرکز اسناد افراد اعلام همکاری می کنند و حتی دوستانی از دورترین نقطه کشور برایم سی دی های کتاب الکترونیک را پست می کنند، قلبا شاد می شوم، و خوشحالم که یکی از اعضای کوچک این جمع بزرگ هستم.

مرکز اسناد بخشی از پروژه "تاریخ فرهنگی ایران" است که بدون همکاری دوستان امکان شکل گیری و ادامه کار را نداشته و نخواهد داشت. برای انجام پروژه "تاریخ فرهنگی ایران" یکی از مشکلاتی که سر راه وجود داشت عدم منابع کافی و یا عدم اطلاع از این منابع بود که باعث شد به این فکر باشیم ابتدا بخشی را تحت عنوان مرکز اسناد ایجاد کنیم. این مرکز بنا دارد با رده بندی منابع موجود و پذیرش منابع جدید از هر کجا به صورت فایلها الکترونیک، بخشی را تجهیز کند که دوستان محقق در آینده بتوانند با مراجعه به آن تحقیقات تاریخی خود را به راحتی انجام دهند. این بخش در سایر کشورهای دیگر از طریق موسسات فرهنگی و یا موزه ها فعالیت دارد و جای آن در حوزه علوم اجتماعی کشور خالی می نمود. و نظارت اساتید بر این بخش بر اعتبار آن می افزاید.

امیدوارم سال آینده که قرار بود یادداشتی بنویسم از اینکه پیشرفتی در این بخش و در کل سایت داشته ایم به خود ببالم.



عزمی راسخ برای کار کردن

منیژه مقصودی

هیئت علمی گروه انسان شناسی دانشگاه تهران

مدیر صفحه گیاه شناسی و قوم پزشکی

تبریک فراوان برای ششمین سالگرد سایت انسان شناسی

کم و بیش باور نکردنی است که در مدتی کوتاه این سایت توانست به چنین توسعه ای دست یابد. تمام اینها مرهون کوشش های بیدریغ همکاران آن بوده است. همکارانی که با عزمی راسخ این سایت را راه اندازی کردند و تمام کسانی را که در این حوزه فعالیت داشتند دعوت به همکاری کردند. دعوت به همکاری در یک کلام خلاصه نمی شود، بلکه نیاز به پیگیری مداوم و تشویق افرادی که باور نمی کردند می توان از طریق این سایت همکاری کرد، دارد. بنابراین ارتباط پی در پی دست اندرکاران سایت با افراد و تشویق های بی دریغ آنها، راه را برای محققین باز نمود. این سایت ارتباط بسیاری میان محققین فراهم نموده که از این طریق ارتباطات جهانی نیز فراهم شده است. با آروزی سلامتی، شادی و موفقیت تمام همکاران این سایت و خصوصا همت دست اندرکاران اصلی آن.

شاد باشید

maghsudi@yahoo.com



من و انسان‌شناسی و فرهنگ

مجید ملکان

مطالعات فرهنگی و سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش از دانشگاه‌های تورنتو و کوئینز کانادا و مدرس دانشگاه در تورنتو

دلم می‌خواهد در این یادداشت مختصر به جای تبیین مشخصات انسان‌شناسی و فرهنگ، حسّ خودم را نسبت به این پایگاه بگویم؛ خودی که بخش مهمی از اوقاتش را زُل زده است به صفحه‌ی مونیتور تا ببیند در آن خانه‌ی دیگرش چه می‌گذرد پاره‌هایی از این حس را فهرستوار و در حدّ حوصله‌ی این یادداشت می‌آورم:

— یکی از دغدغه‌های من در بیست سال اخیر رهگیری تحولات مربوط به تولید دانش و کیفیت آن در ایران بوده است. در ارزیابی من، در همه‌ی این سال‌ها به دلایل متعدد بر خانه‌ی دانش "ز منجنیق فلک سنگ فتنه" می‌باریده است. کپی‌کاری و تقلبی که سکه‌ی رایج شده صرفاً نشانه‌ی بحران ساختاری آموزش عالی است و "صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی." در این میانه‌ی میان‌مایگی، دیدن جزیره‌هایی چون پایگاه اینترنتی "انسان‌شناسی و فرهنگ" (مثل بعضی گروه‌های آموزشی، بعضی دانشکده‌ها، بعضی استادان، بعضی موسسات پژوهشی، بعضی نشریات، بعضی پژوهشگران، بعضی مترجمان و...) برای من مانند دیدن چراغ‌هایی است که نور و گرما را در خانه‌ی دانش زنده نگه داشته‌اند؛ دلگرم می‌کند، امیدم می‌دهد.

— انسان‌شناسی و فرهنگ برای من چند نقش دارد: (1) نشریه‌ای دانشگاهی میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی و علوم

انسانی که مقاله‌های معتبر و عمیق برای متخصصان عرضه می‌کند. (2) مجله‌ای جدی با یادداشتهای پرمحتوی که بدون عوامانه کردن موضوع به همگانی‌کردن موضوعات تخصصی کمک می‌کنند. (3) خبرنامه‌ای که حوزه‌ی وسیعی از رویدادهای فرهنگی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. (4) آرشیو و پایگاه اطلاعاتی‌ای که دستگیر پژوهشگران است. حفظ تعادل بین این وجوه و کمتر درغلطیدن به دامن آفت روزمرگی و شتابزدگی (که وجه مشترک بسیاری از رسانه‌های اینترنتی است) برای من تحسین‌برانگیز است.

_ انسان‌شناسی و فرهنگ نمونه‌ی خوبی است از استفاده از اینترنت برای دموکراتیزه کردن فرایند تولید و نشر دانش. متأسفانه تلاشی که برخی از وبلاگ‌نویسان و بعضی از اهالی هنر و ادبیات برای فراتر رفتن از مجاری سنتی و مسلط عرصه‌ی اندیشه داشته‌اند در میان دانش‌پیشگان ایرانی کمتر دیده می‌شود. انسان‌شناسی و فرهنگ از این لحاظ می‌تواند الگویی برای سایر شاخه‌های دانش باشد. چنین باد.

_ دوام پنج‌ساله‌ی انسان‌شناسی و فرهنگ در زمانه‌ی جوانمردی و کودکمردگی نهادهای فرهنگی و اجتماعی حکایت از بینش، همت، استقامت، و پوست‌کلفتی متولیان‌اش دارد. به همه‌ی این‌ها حسودیم می‌شود.

_ دیدن نام طیف وسیعی از اندیشه‌ورزان کشور در زیر سقف یک مجموعه در جامعه‌ای که در مورد "فقدان فرهنگ کار جمعی" در آن افسانه‌های زیادی بر سر زبان‌هاست، دلشادم می‌کند.

majid.malekan@gmail.com



خلق عرصه های شهری

الهام منسوری

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد تهران

هم شهر و هم منطقه از دیرباز وابسته به "جائی" خاص متصور شده اند.....

جامعه نیز همواره متعلق به "جائی" خاص متصور گشته است.....

اما اکنون دیگر به تدریج آشکار می شود که "دستری داشتن" به عوض "نزدیکی فضایی" شرط لازم پیوستگی جامعه است.....

امروزه دیگر جدا از همجواری ها و نزدیکی های مکانی، افراد بنابر ماهیت علایق خود، همه اعضای جوامعی هستند که باید آن را جوامع - علایق نامید.....

در هر سطحی از تخصص، شمار گوناگونی از جوامع - علایق هستند که دامنه فعالیت اعضای آن تقریباً به یک اندازه وسعت فضایی دارد. اینان تا اندازه ای با هم روابط متقابل دارند و به یکدیگر محتاج اند و بسته به میزان تخصص خود، هر گروه نامتجانس جوامع - علایق، سیستم پیچیده اما سازمان یافته ای از روابط متقابل و فعالیت ها بوجود می آورد. من زمینه فعالیت این گروه های جوامع - علایق را عرصه های شهری نامیده ام.....

جملاتی که در بالا برای شما روایت کردم برگرفته از مقاله معروف "جا" و "ناجائی" در عرصه زندگی شهری نوشته "ملوین وبر" می باشد. این مقاله در مقابل تصور همیشگی بستگی انسان به جائی معین در عرصه زندگی شهری، وابستگی های انسانی به سیستم های ارتباطاتی و اطلاعاتی امروزی که بدون حد و

مرزهای مکانی و جغرافیایی عمل می کنند را قرار می دهد و شهر را جدا از نظم جسمی آن توصیف می کند.

این دیدگاه یعنی خلق عرصه های شهری در جریان عظیم و بی وقفه اطلاعاتی، همان است که ما به زیبایی و با نگرشی مثبت در عرصه شهری سایت انسان شناسی و فرهنگ می بینیم. جامعه علایقی با هدف رشد علمی و فرهنگی و با هم عرصه (هم شهری) هایی خلاق و متعهد.

از مدیریت و همکاران پایگاه به خاطر این عرصه شهری کم نظیر و این جامعه پویا سپاسگزارم.

Mansoori_m_8@yahoo.com



نیروی هدایت گر

علی مهدوی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

در آستانه ششمین سال فعالیت سایت انسان شناسی و فرهنگ فرصتی دست داده تا مطالبی هرچند کوتاه و مختصر و گهگاه از دیدگاهی شخصی را به همراه مراتب قدردانی خود نسبت به مدیران و به طور کلی دست اندرکاران این وبسایت با خوانندگان آن در میان بگذاریم.

به رغم آشنایی نه چندان بلند مدت نگارنده با انسان شناسی به طور کلی و سایت انسان شناسی و فرهنگ به طور خاص، و وجود تردیدها و نگرانی هایی همیشگی در خصوص قدم گذاردن در عرصه علوم اجتماعی و فرهنگی به علت پاره ای مسائل بعضاً

شخصی و درونی، بدون کوچکترین هدفی به قصد تعریف و تجید های بی جا، نامناسب و حتی گهگاه تملق آمیز، همکاری با سایت انسان شناسی و فرهنگ فرصتی بوده و هست که از طرفی انگیزه، اشتیاق و شاید از همه مهمتر نیرویی هدایت گر و به پیش راننده را- البته به طور نسبی که امریست اجتناب ناپذیر- برای ادامه راه که آسان هم نیست برای اینجانب و مطمئناً دیگر محققین و دانشجویان فراهم آورده و از طرفی دیگر حجم وسیعی از مطالب در حوزه های بسیار متنوع را که گاهی اعتراض های ضمنی برخی خوانندگان را نیز مبنی بر این حجم گسترده و تنوع بسیار زیاد به همراه داشته است را در اختیار کلیه علاقه مندان مباحث و موضوعات انسان شناختی به طور کلی قرار می دهد.

در واقع، در این قحطی زدگی فرهنگی و در زمانی که شاید اکثر حرکت ها و به خصوص فعالیت های رو به جلو، پیشروی ها و از نگاهی جامع تر روند کلی زندگی در کشور ما، به طور خوش بینانه در این برهه از زمان و به طور نامحسوس اگر بهتر است بگوییم رنگ و بویی مادیو عاری از هر گونه تفکر و نگرش برتر و گاهی توأم با خشونت به خود گرفته است، سایت انسان شناسی و فرهنگ در تلاش برای نشان دادن دست کم امکان وجود دیدگاهی حداقل متفاوت و نه لزوماً برتر، بدون کوچکترین حمایت های مادی و حتی می توان گفت معنوی ششمین سال فعالیت خود را آغاز می کند که این مهم بدون تردید حاصل همکاری تمام کسانی است که بدون کوچکترین چشمداشت مادی و حتی باز هم می توان گفت معنوی در این راه تلاش و کوشش می کند.

در پایان و به عنوان عضوی کوچک از مجموعه ای بزرگ، باید گفت که تلاش های این عزیزان را ارج نهاده و فعالیت های خود را در جهت بهبود کیفیت مطالب و دیگر جنبه ها در سایت انسان شناسی و فرهنگ دو چندان خواهیم کرد.

alimahdavee@yahoo.com



ریشه دواندن و شاخه پراکندن

حسین میرزایی
دانشجوی دکترای انسان شناسی فرهنگی دانشگاه اکس آن پرووانس
فرانسه
مدیر صفحه فرهنگ افغان

درخت تو گر بار دانش بگیرد/به زیر آوری چرخ نیلوفری را
کشور خشک و بی باران قرون اخیر ما، به حاصل خیزی نشسته و
به بار آوری برخاسته است. درختان علم یکی پس از دیگری رو
به رشد و نمو گذاشته اند، باغبانان جوانی به باغبانی آن همت
گمارده اند تا فضایی باغستانی سازند و کاری کارستانی
کنند.

اینک بستری مناسب برای پوست اندازی و پویایی درختان پیر و
خمیده باغ علم این دیار فراهم آمده است تا گلستانی با نشاط
و پر بار برای رویش گونه هایی جوان و جدیدی رخ نماید و بر
میهن عزیز ما که به جای خود، بلکه بر جهان امروز ما سایه
افکند. یکی از این گونه ها، همانا درخت پنج حلقه ای "انسان
شناسی و فرهنگ" است که شش ساله می شود و هر سال بیش از
سال پیش بار می دهد و سایه گسترده تری را بر سر فرهیختگان
و اندیشمندان پیر و جوان این مرز و بوم می گستراند.

ریشه دواندن ها و شاخه پراکندن های این درخت می رود تا
شهر به شهر و چه بسا روستا به روستای سرزمین آبا و اجدادی
ما را طراوت ببخشد.

در بوستان علوم انسانی ما باغبانان فراوانی هستند که می
روند همانند باغبان "انسان شناسی و فرهنگ" درختان دیگری
بکارند، آبیاری کنند و به یاری یاران جوان خود آن ها را

پرورش دهند و علوم انسانی، این دُر یتیم را معنایی "خودی" بخشند.

hossein1873@yahoo.com



فرصتی برابر

ندا میلانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

سایت انسان‌شناسی و فرهنگ از زمان راه‌اندازی اش تا کنون نوشته‌های فراوانی را از افراد متفاوت و با موضوعات متنوعی در خود جای داده است. تنوع موضوعی گرچه موجب جذابیت سایت می‌شود و مخاطب بیشتری را به خود جلب می‌کند اما از چارچوب‌های تعریف شده در رشته‌ی انسان‌شناسی خارج می‌شود. گاه این مسئله چنین توجیه می‌شود که هر آنچه مربوط به فرهنگ است در ذیل موضوعات انسان‌شناسی قرار می‌گیرد؛ اما تنوع پدیده‌های فرهنگی دلیلی بر عدم تعیین موضوعی و روشی این رشته نیست. چنانکه برای کثیری از رشته‌های علوم انسانی همچون جامعه‌شناسی هم می‌توان چنین حکمی صادر کرد. به نظر می‌رسد تن سپردن به قواعد رشته‌های علمی مسبب غنا بخشی مطالعات آن حوزه شود. البته بحث درباره‌ی این قواعد در فلسفه‌ی علوم جاری است و قابل نقد و چون و چرا. اگر تنوع موضوعی در سایت موجب پراکندگی است، اما این تنوع در سطح نویسندگان بسیار مثبت است. افراد در سطوح مختلف تحصیلی و در رشته‌های متفاوت می‌توانند مطالبشان را در این فضا به اشتراک گذارند. این فرصتی است برای نوشتن؛ نوشتن به عنوان فعلی که در فضای آکادمیک ایران جدی گرفته نمی‌شود. اما در سایت

انسان شناسی و فرهنگ فرصتی برابر فراهم است تا افراد بنویسند و خویش را بیازمایند.

Neda.hmilani@gmail.com



انسان شناسی و فرهنگ، از تاسیس تا ثبات

احمد نادری

دانشگاه برلین آلمان

مدیر صفحه انسان شناسی سیاسی و بین الملل

انسان شناسی و فرهنگ، پنجمین سال تاسیس خود را سپری کرده و وارد ششمین سالگی خود می شود. خبری که خوشحالی جامعه علمی کشور و مخصوصا علاقمندان به علوم اجتماعی را به دنبال دارد. این سایت که در طول این پنج سال پر فراز و نشیب، توانسته است از مرحله گذار گذشته و در سال جاری با ثبت موسسه "انسان شناسی و فرهنگ" وارد دوره ثبات خود شود، روز بروز بر کمیت و کیفیت گروه های خود می افزاید. این سایت که از دغدغه های نسل دوم انسان شناسان ایرانی سرچشمه گرفته است، در ابتدای تاسیس خود با آدرس نام مدیر آن، وارد فضای علمی کشور شد و پس از گسترش شاخه ها، آدرس آن با نام انسان شناسی (Anthropology.ir) تغییر یافت. سرعت گسترش گروه های این سایت در سالهای اخیر بطرز باورنکردنی بالا و اعجاب انگیز بوده است و شاید بتوان گفت یک رکورد در سایت های علمی جهان محسوب می شود. هم اکنون بیش از هشتاد شاخه در زیرمجموعه این سایت تعریف شده است که هر کدام از این شاخه ها، ذیل سرپرستی یک یا چند متخصص حوزه علوم انسانی قرار دارد. این ترکیب گسترده در نام شاخه ها و افراد، اما یک

نقطه واحد و بقول لاکلاو و موفه، یک دال برتر دارد، و آن، نام انسان شناسی و مفهوم فرهنگ است.

به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ انسان شناسی کشور، و بعنوان کسی که با انتخاب آگاهانه این رشته و ادامه تحصیل تا مقاطع عالی آن توانسته است سهمی ناچیز در توسعه "انسان شناسی و فرهنگ" داشته باشد، معتقدم این سایت توانسته است پلی باشد میان سه نسل از انسان شناسی و حتی علوم اجتماعی ایران. در واقع، مدیریت این سایت توانسته است بعنوان یک نسل دومی در انسان شناسان ایرانی، میان نسل اول این انسان شناسان (که موسسان این رشته در ایران بوده اند، نظیر دکتر روح الامینی، صفی نژاد و ...) و نسل سوم این انسان شناسان (نسل خودم) پیوندی ناگسستنی ایجاد کرده و در افزایش غنای علمی و ثبات این رشته نقش بسیار زیادی ایفا نماید. بی تردید فراگیر شدن گفتمان "انسان شناسی" و بسط آن از گفتمان "مردم شناسی" (که گفتمان نسل اول بوده است) و امدار ایشان و فعالیت های شبانه روزی وی در عرصه انسان شناسی ایران بوده است. لذا بیراه نخواهد بود اگر ادعا کنیم "انسان شناسی و فرهنگ" نقطه اتصال نسل اول و سوم انسان شناسی ایران، و توسعه دهنده گفتمان انسان شناسی در جامعه علمی ایران است.

بر خودم لازم می دانم از تلاش های مدیریت و سایر همکارانم در انسان شناسی و فرهنگ تشکر کرده و برای آنان آرزوی موفقیت نمایم. امید است این رشته با تلاش های بی وقفه این عزیزان بتواند به جایگاه واقعی خود در علوم انسانی ایران دست یافته و در کمک به توسعه پایدار ایران عزیزمان سهمی بسزا داشته باشد.

سپتامبر 2011، برلین

ahmadtaher79@yahoo.com



انسان شناسی و امر سیاسی

رضا نصیری حامد

دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران

لزوم بهره گیری علوم گوناگون از دستاوردها و داشته های یکدیگر در دورانی که اهمیت وجود و فعالیت دیپارتمان های بین رشته ای بیش از پیش احساس می شود، بر کسی پوشیده نیست. برای امثال ما نیز به عنوان دانشجو و پژوهشگر علوم سیاسی، انسان شناسی از موضوعیت و جایگاه مهمی برخوردار است؛ بالطبع بخشی از این امر به دلیل جایگاهی است که انسان در بحثهای مختلف علوم سیاسی دارد. سیاست و امر سیاسی منحصر به نهادهای رسمی و صوری نشده و به خصوص در دوران اخیر جنبه های انسان شناختی سیاست اهمیتی روزافزون یافته است و از این رو دیگر همچون گذشته نمی توان موضوع مطالعه سیاست را تنها دولت، حکومت و سایر نهادهای رسمی و صوری برشمرد بلکه امر سیاسی امروزه ناگزیر از توجه و عنایتی ویژه و مخصوص به جنبه های واقعی تر و عینی تر مقوله ای است که می توان آن را زیست جهان آدمی دانست؛ زیست جهانی که اهمیت جنبه های فرهنگی آن بسیار بیش از جنبه های نهادی، فنی و تکنیکی اش می باشد. توجه به اندیشه پردازی های انسان شناختی و رابطه اش با فرهنگ، هرچند در نگاه اول مقوله ای از جنس جامعه شناختی به نظر می رسد، با این حال نمی توان کتمان کرد که پی بردن به متن مناسبات و روابط مبتنی بر شناخت فرهنگی آدمیان در شناخت امر سیاسی نیز مؤثر و مفید خواهد بود. مقولات متعدد سیاسی از جمله قدرت به عنوان یکی از کانون های مباحث سیاسی، بیش از گذشته اجتماعی تر و به تعبیری دیگر انسانی تر شده اند و از این رو جنبه های مختلف روابط و مناسبات آدمیان در اجتماع و توجه به شناخت انسانی آنها فرصتی است که دیگر رشته های علوم انسانی و از جمله علوم

سیاسی نمی توانند نسبت بدان بی اعتنا باشند. این موضوع را باید امری دانست که بیش از تلاشی صرف برای ارتباط با دیگر رشته ها به شمار می آید چون ماهیت و کیفیت تعاملات پژوهشگران و محققان سیاسی نیز با امر مورد مطالعه شان به شکلی اساسی دگرگون گشته است. در گذشته هایی نه چندان دور تحت تأثیر گفتمان های کلان حقوقی، فلسفی و مابعدالطبیعی جدایی و تمایز مشخص و بارزی بین عرصه های حیات آدمی برقرار شده بود که امروزه این مرزها اگر نگوییم به کلی فرو ریخته است، لااقل باید اذعان کرد که بسیار متزلزل و سیال گردیده است از این رو بسیاری از مواردی که در گذشته در زمره مسایل و امور غیر سیاسی و حتی غیر اجتماعی تلقی می شدند و بر آنها عنوان شخصی یا خصوصی اطلاق می شد، متحول شده اند؛ به گونه ای که بسیاری از این جنبه ها همچون آداب و رسوم معمول اجتماعی و حتی مقوله ای همچون زبان در حیطه مباحث سیاسی به شمار می آید و لذا شناخت جنبه های هستی شناختی و معرفت شناختی امور انسانی که بخشی از آن در فرایند شناخت انسانها حاصل می شود، می تواند در تبیین بهتر این شیفت و انتقال صورت گرفته در علوم اجتماعی و سیاسی حائز اهمیتی بسزا باشد. بنابراین استفاده از دستاوردهای انسان شناسی برای علوم سیاسی و جهت مطالعه امر سیاسی، اگر هم در گذشته رواج داشته است، امروزه نیاز بدان به نحوی لازم تر و حیاتی از گذشته احساس می گردد.

با عنایت بدین مباحث، باید اهمیت نهادها و سایت هایی همچون انسان شناسی و فرهنگ را تصدیق نموده و تلاشهای دست اندرکارانش را ارج نهاد. تلاش اینان هم متوجه تبیین جایگاه تئوریک و نظری مباحث متداول انسان شناختی است که از دیر باز در بین اندیشمندان این رشته رواج داشته است و هم متوجه بیان رسالتی است که انسان شناسی در فرهنگ برآمده از فضای مجازی با آن مواجه است؛ چرا که به هر حال فعالیت نخستین سایت انسان شناسی نیز در این فضا است که شکل گرفته و از قضا با اقبال نیز مواجه گردیده است.

reza_nasirihamed@yahoo.com



دنیای بزرگ انسان شناسی و فرهنگ

منا نوید طهرانی

کارشناس انسان شناسی، دانشگاه تهران

ششمین سال تاسیس «انسان شناسی و فرهنگ» و ششمین سال آشنایی ام با رشته ی انسان شناسی را می توانم با هم جشن بگیرم. رشته ای که شاید آن زمان برایم ناشناخته ترین رشته ها بود و امروز مطمئناً شناخته شده ترینشان است و احتمالاً دوست داشتنی ترین.

«انسان شناسی و فرهنگ» آگاهی در مورد رشته ی انسانشناسی را افزایش می دهد. محیطی را فراهم آورده تا از کارهای دانشجویی تا مقالات اساتید، همه و همه را بتوان مطالعه کرد؛ دنیایی است که در این شش سال گسترده و گسترده تر شده است.

تحت پوشش قرار دادن همه ی زمینه های انسان شناسی هر کسی با هر علاقه و گرایشی را جذب می کند و لذت حضور در محیطی این چنین دلیل اداره شدن این سایت به صورت داوطلبانه است. علاقه ی خوانندگان و نویسندگان «انسان شناسی و فرهنگ» دلیل حضور آنها در این سایت است.

به امید روزی که عموم مردم هم با این رشته و دنیای بزرگ آن آشنا بشوند و این علم هر چه بیشتر کاربردی شود.

n_mona212@yahoo.com



راه دشوار حرکت به سمت واقعیت

مرجان والا

دانشجوی کارشناسی ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

دانشجویان انسان شناسی چه جایگاهی برای میدان دانش تخصصی خود قائل هستند؟ پاسخ به این سوال برای من به عنوان یک دانشجوی انسان شناسی دشوار نیست. پاسخی که عمدتاً با ناآگاهی در برابر پیچیده شدن سوالات، سرخوردگی و یا خشم همراه است.

انسان شناسی همانند سایر رشته های علوم اجتماعی و حتی در جایگاهی فرودست تر تعریفی مبهم و جایگاهی بر مبنای تصورات نادرست دارد. مفاهیم، حوزه ها، نظریات، توانایی های ضروری و فرصت های شغلی برای دانشجویان انسان شناسی تعریف نشده است. واقعیت تلخ این است که بسیاری از دانشجویان این رشته کسانی هستند که در مرحله اول خواهان قبولی در رشته های روان شناسی و جامعه شناسی بوده اند. رشته ای که اکثر مردم حتی نام آن را نشنیده اند. بسیاری از ما زمانی در جواب سوال نام انسان شناسی را برده ایم به عنوان توضیح مجبور شده ایم بگوییم نه روان شناسی نیست یا شبیه جامعه شناسی است و یا در نهایت با تسلیم شدن: گفته ایم علوم اجتماعی.

همه ما شوخی های دانشجویان ارتباطات، جامعه شناسی و برنامه ریزی را در مورد رشته خودمان شنیده ایم: علاقه مندان به امور غریب، پیش پا افتاده و کم اهمیت، در برابر توانایی های شگفت انگیزی که به باور این دانشجویان رشته آن ها و در نهایت خود آن ها در خلق نظریات پیچیده و تحلیل مسائل کلان و هیجان انگیز دارند. دردناک این جا است که در سطحی تمامی این انتقادات ریشه در واقعیت دارند. من نه می خواهم

و نه می توانم چرایی وضعیت موجود را شرح دهم. دانشجویان انسان شناسی بدون فرا گرفتن دانش و توانایی های ضروری دانشگاه و سیستم رسمی آموزش را ترک می کنند و در نهایت جذب بازار کار غیرمرتبط با رشته خود می شوند. دانشجویانی که چیزی از واقعیت های ضروری برای تداوم یافتن و فعالیت در میدان پژوهش و کار انسان شناسی نمی دانند. همه ما با وارد شدن به بازار کار شوکه و سردرگم شدن از ناآگاهی و ناتوانی مطلق خودمان در شناخت واقعیت، پرورش دادن یک ایده و عملی کردن آن.

سایت انسان شناسی و فرهنگ برای من راهی به سمت واقعیت بوده است. فضایی که حوزه های متنوع دانش انسان شناسی را با رویکردی متاخر و تخصصی مطرح می کند بدون این که دچار توهم رسالت پاسخ گویی و حل مسائل بشری باشد. وقایع روز را تا حد امکان پوشش می دهد. انسان شناسی و فرهنگ ما را به یک جهان واقعی پیوند می دهد، واقعیت هایی که اگر چه بازسازی آن ها دشوار است اما افق دیدمان را برای حرکت گسترده می کند.

انسان شناسی و فرهنگ در طول این سال ها برای بسیاری از ما به عنوان یک نشانه هویت بخش عمل کرده است.، در پاسخ به این که چه می خوانید؟ از کجا آمده اید؟ و چه می گوئید؟ ما با یک لبخند مطمئن آدرس این سایت را داده ایم. سایتی که حتی اگر سهمی در حیاتش نداشته ایم به آن افتخار می کنیم.

مهم ترین نکته حداقل برای من باز بودن درهای آن است که شاید تصور عامیانه بودن مطالب سایت را به وجود بیاورد اما برای دانشجویان جایی است تا یکی از ضروری ترین توانایی ها را کسب کنند نوشتن و شهادت روبه رو شدن با واقعیت ناشی از خوانده شدن. باید در برابر متن پاسخ گو بود و دیگر نمی توان در مجموعه بی پایان اندیشه های درونی یا گفتگوهای تائید امیز دوستانه غرق شد.

انسان شناسی و فرهنگ اما مهربان تر از دنیای واقعی است که افراد را در صورت کوچکترین تعلل و اشتباهی به سرعت حذف می کند. همه ما به رغم تمامی انتقاداتی که داریم، سستی های

مکرری که می کنیم، اتفاقات کوچکی که مهم می دانیم در نهایت می دانیم همیشه خانه ای داریم که می توانیم به آن باز گردیم و فضایی که یک بار دیگر از اول شروع کنیم. اما این یک هشدار است که بعد از چند ماه در درجه اول به خودم می دهم دوری از خانه فقدان را به وجود می آورد که به سختی می توان بر آن غلبه کرد، آرامش یافتن و افتخار کردن به خانه تنها در صورتی تداوم می یابد که تعهدی نسبت به حیات آن داشته باشیم.

vala_marjan@yahoo.com



بهترین میراث ما

مسعود وفایی

کارشناس ارشد انسانشناسی، پژوهشگر

به نظر من، اصول جهانشمول اخلاق ابطال ناپذیرند. در عین حال، تقید به آنها نشاط آور است و میتواند به ارتقا عزت نفس انسانها بیانجامند. جدا از تعلق پذیران سست همت¹ که معمولاً به نام "دستور دینی" سرشار از عدم پذیرش مسئولیتند، برای برخورداران از دید انتقادی، گفته های بزرگان اخلاق، زمانی دلنشین تر است که با گذراندن تجربه مشابه با تجارب آن بزرگان، نشاط و عزت نفس موجود در دستورات اخلاقی آنان را از نزدیک لمس کرده باشند. با این مقدمه، عرض مینمایم که در بین سخنان زیبایی که از بزرگان دین شنیده ام، این هر دو جمله را بسیار زیبا و با تجارب خود مهربان یافته ام:

"دانش بهترین میراث است"

¹ اشاره به این بیت زیبای "بزرگ رندان" دارم که فرمود: غلام همت آتم که زیر چرخ کبود ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

"زکات دانش نشر آن است"

برای من، "انسانشناسی و فرهنگ" مصداق این هر دو جمله است. پس باید از همه ی کسانی که برای برپاشدن و برپا ماندن آن تلاش می کنند سپاسگزار باشم.

"انسانشناسی و فرهنگ" بنا به صدها دلیل موفق بوده و موفق خواهد بود. لیکن در ششمین سالگرد تولدش، بیش از تمجید، نیاز به مواظبت دارد تا همچنان پربار باقی ماند. سه نکته ای که در ادامه به آنها اشاره خواهم کرد نیز مواردی است که به نظر نگارنده می تواند در موفقیت "انسانشناسی و فرهنگ" تاثیر گزار باشد:

1-معمولا (نه همیشه) "توسعه کمی" و "توسعه کیفی" در تعارض با هم قرار دارند. در حال حاضر "انسانشناسی و فرهنگ" به سرعت در حال گسترش و ایجاد شاخه های مختلف است. با وجود این که به نظر نگارنده، در حال حاضر کیفی ترین سایت انسانشناسی نیز میباشد، اما نمی توان نگرانی از کاهش کیفیت را به دلیل گسترش ابعاد نادیده گرفت. در این مورد پیشنهاد بنده آن است که با بررسی درونی سایت، بخشهای کم طرفدارتر شناسایی و حذف (یا دست کم در بخش های دیگر ادغام) شوند تا زمینه برای تمرکز روی بخش های اصلی تر فراهم آید.

2-در دنیای امروز، تقریبا هیچ کاری بدون برنامه ریزی ممکن نیست و هیچ برنامه ای نیز بدون "ارزیابی" معنا ندارد. انجام ارزیابی زمانی ممکن است که نقشه راه با شاخصهای واضح تعریف شده باشد. امید من آن است که توسعه (بویژه توسعه کمی) سایت طبق یک برنامه برخوردار از شاخص های تعریف شده و واضح و قابل سنجش باشد. بدیهی است ایده های جدید برای گسترش سایت می تواند در برنامه های سالهای بعد و پس از تعریف شاخص های لازم برای ارزیابی آن درج گردد.

3-هر چند "زکات دانش نشر آن است" و باز، هرچند هدف اصلی سایت، گسترش دانش است، اما چه اشکالی دارد که در افق دوردست سایت، زمینه برای کسب درآمدهای معقول و منصفانه دیده شود. می توان با لحاظ ضوابط شفاف و ساده، در عین

ترویج انسانشناسی، امکانات مالی بقای سایت را نیز فراهم آورد. مثلاً² با تفکیک مقالات درسی- دانشجویی از مقالات تحقیقی و فروش مقالات تحقیقی جدید (تا یک مدت کوتاه) کسب درآمد نمود. میتوان از همین درآمد، جوایزی برای مولفان مقالات تحقیقی یا مزدی برای دست اندرکاران به ویژه داوران مورد نیاز در نظر گرفت که منتهی به ارتقای کیفی سایت می شود.

صمیمانه عرض مینمایم که مطمئنم بسیار نکته های ظریفتر و دقیقتر نزد گردانندگان سایت وجود دارد و گفته های فوق زیره به کرمان بردن است. بر ما ببخشید. موفق باشید.

vafaie879@yahoo.com



«انسان شناسی و فرهنگ»: هدیه ای نغز

سید علیرضا هاشمی

دانشجوی دکتری فولکلور در تاجیکستان

هنگام تحصیل در تاجیکستان (سال 2008)، یکی از استادان دانشگاه ملی-دولتی تاجیکستان به نام دکترالمخان کوچاروف که ریاست کافدرای (دپارتمان) نظریه ادبیات نوین فارسی و تاجیکی را برعهده داشت به واسطه آشنایی که با او داشتم (به عنوان استاد راهنمای پیشنهادی رساله) از من خواست که دفعه بعد که از ایران می آیم برای او مجموعه کتاب «کوچه» اثر احمد شاملو را بیاورم. اغلب اساتید ادبیات تاجیکستان و تعداد کمتری از اساتید دیگر، با الفبای فارسی آشنایی دارند و متون فارسی را به راحتی می خوانند؛ اما اساتید سایر رشته ها علی رغم آنکه به فارسی دری صحبت می کنند اما در نوشته ها از الفبای سریلیک (کریلیک) استفاده می کنند، درنتیجه قادر به خواندن متون فارسی نیستند.

زمانی که می‌خواستم دوباره به تاجیکستان بازگردم از نمایشگاه بین‌المللی کتاب مجموعه یازده جلدی کتاب کوچه را تهیه کردم، اما کتابها سنگین و بردن آنها کمی سخت بود. تصمیم گرفتم قبل از رفتن کتابها را پست کنم. برای برآورد قیمت یک جلد کتاب را به پستخانه بردم و پس از وزن کشی مسئول باجه اعلام کرد که هزینه ارسال آن 22 هزار تومان است. قطعاً این مبلغ هزینه بالایی بود از این رو منصرف شدم و با هزار زحمت در فرودگاه کتابها را تک تک به چند مسافر دیگر دادم تا از پرداخت اضافه بار خلاص شوم.

در محل دیپارتمان فیلولوژی، کتابهای کوچه را به دکتر المخان کوچاروف و دکتر روشن رحمانوف (رحمانی) در حضور دیگر اساتید هدیه دادم و هر دو از این هدیه شاد شدند. اما احساسم این بود که سایر اساتید را باید در هدیه خود شریک کنم. از آنجا که در این فکله درسی به نام ادبیات فولکلور ارائه می‌شد، دعوت کردم که آدرس یک سایت تخصصی را که در ایران یکی از اساتید انسان‌شناسی ایجاد کرده و دانش آموختگان و دانشجویان این رشته و رشته های دیگر از آن به خوبی بهره می‌گیرند به آنها هدیه کنم. به این ترتیب وبسایت (انسان شناسی و فرهنگ) به آنها معرفی شد.

فردای آن روز که به فکله رفتم دکتر کوچاروف از قول خود و دیگر اساتید از من تشکر فراوان کردند و از آدرس سایت «انسان شناسی و فرهنگ» که به عنوان هدیه داده شده بود به عنوان یک هدیه نغز یاد کردند. (نغز در فرهنگ تاجیکی معانی متعددی دارد از جمله: خوب، نیک، بدیع، تازه، لطیف، زیبا، مطبوع، خوش، شیرین، ماهر، کمیاب، نادر، صواب و...)

400hashemi@gmail.com

